



[www.askdin.com](http://www.askdin.com)

برایم از قرآن بگو  
تهیه: مرکز فرهنگ و معارف قرآن  
ناشر: نشر جمال  
نوبت چاپ: اول / 1385  
تعداد صفحه: 160  
شمارگان: 6000  
بها: 1200 تومان  
ISBN: 964 - 8654 - 84 - 0 شابك

#### پیشگفتار

قرآن کریم، تنها کتاب آسمانی است که هیچ باطل و سخن ناصوابی در آن راه نیافته و موجب هدایت و رستگاری همه مردم و بهویژه افراد با ایمان است. این کتاب آسمانی با زیباترین و جذابترین روش‌ها، انسان را به سوی نور رهنمون می‌شود و او را از فرو افتادن در تاریکی‌های نادانی و گمراهی باز می‌دارد. مرکز فرهنگ و معارف قرآن از مراکز پژوهشی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم افتخار دارد که در کنار آثار و خدمات پژوهشی و تحقیقی عمیق خود، برای آشنا ساختن اقشار مختلف کشور اسلامی‌مان با قرآن کریم، به ده‌ها هزار پرسش قرآنی هموطنان عزیز به ویژه جوانان و نوجوانان- پاسخ داده است. در این راستا، دریافت حدود پنجاه هزار پرسش کتبی از بیش از دویست و سی شهر کشور و پاسخ‌دهی به پرسش‌های قرآنی آن‌ها و پاسخ‌دهی به هزاران پرسش تلفنی، حضوری، اینترنتی و... از جمله اقدامات «گروه پاسخ به سؤالات و شبهات قرآنی» این مرکز است. اثری که پیش رو دارید، 40 نامه برگزیده قرآنی است که به 114 پرسش نوجوانان، در قالبی نو پاسخ داده است. این مجموعه، از هزاران نامه و ده‌ها هزار پاسخ محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن انتخاب و پس از بازنویسی، به شکل کنونی تقدیم شما خوانندگان گرامی می‌شود.

اثر حاضر، ضمن معرفی شیوه پاسخ‌گویی این مرکز به پرسش‌های قرآنی نوجوانان، الگوی نسبتاً موفقی را ارائه کرده که می‌تواند مورد استفاده مربیان و معلمان عزیز نیز قرار گیرد.

برای آشنایی بیشتر با این کتاب، به این نکات توجه فرمایید

1. در این اثر، به برخی از اصلی‌ترین پرسش‌های قرآنی نوجوانان در کنار پرسش‌های فرعی- 1. پاسخ داده شده و از این نظر، می‌تواند اثری ویژه شمرده شود.
2. تنوع پرسش‌ها، مانع از پاسخ‌گویی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به آن‌ها نشده است. در این زمینه، هم به پرسش‌هایی که مستقیماً به قرآن مربوط می‌شوند (مانند ترتیب نزول) و هم به پرسش‌های مرتبط با مفاهیم قرآن (مانند معاد) و هم به پرسش‌هایی که می‌توانند با نگاهی قرآنی بررسی شوند (مانند فرار از خانه) پاسخ داده شده است.
3. در ارائه پاسخ‌ها، ادبیات ویژه نوجوانان مورد توجه بوده و از به‌کاربردن الفاظ و ترکیب‌های دور از ذهن آنان خودداری شده است.
4. چون شیوه پاسخ‌ها، نامه‌نگاری است، نباید انتظار پاسخ مفصل داشت. گرچه سعی شده که پاسخ‌ها، کامل و کافی و از استواری علمی برخوردار باشند.
5. در مقدمه یا پایان یا میانه برخی نامه‌ها، متن‌هایی برای ایجاد ارتباط نوشته شده است که در حد توان، در این گونه متن‌ها هم مطالب قرآنی و تربیتی ذکر گردیده است. (برای نمونه مقدمه نامه‌های 34 و 37 و 38 را ملاحظه کنید)
6. برای دریافت دقیق‌تر پاسخ توسط مخاطب، نکات فراوانی علاوه بر پاسخ اصلی ذکر شده است. یعنی در کنار پاسخ به سؤال پرسشگر، اطلاعات قرآنی خوب نیز به او داده شده و از فرصت پاسخ‌گویی، برای افزایش دانسته‌های وی استفاده گردیده است.
7. با توجه به سطح مخاطبان، در برخی موارد از ارائه برخی پاسخ‌های علمی خودداری و سند و ملاک پاسخ‌ها نیز حذف شده است.
8. ممکن است متن یا استدلال‌های برخی از پاسخ‌ها، در نگاه فرزنانگان و استادان با کاستی‌هایی همراه باشد. این ملاحظات از نگاه ناظران علمی مرکز فرهنگ معارف قرآن نیز دور نمانده؛ ولی با توجه به سطح مخاطبان، این پاسخ‌ها برای انتشار برای نوجوانان، مناسب ارزیابی شده است. در پایان از کلیه کسانی که در تهیه این مجموعه، مرکز را یاری کرده‌اند به ویژه حجة الاسلام آقای غلامرضا حیدری ابهری که کار گردآوری و بازنویسی را عهده‌دار بوده‌اند و حجج اسلام آقایان محمدعلی محمدی و سعید بهمنی و نیز کارشناسان «گروه پاسخ به سوالات و شبهات» که این اثر را نظارت کرده‌اند صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نماییم.

علی خراسانی

مسئول مرکز فرهنگ و معارف قرآن

### نامه 1

1. هنگامی که امام زمان (علیه السلام) ظهور می‌کند، چه تغییری در وضع جهان ایجاد می‌شود؟
2. آیا با ظهور امام زمان (علیه السلام) قیامت برپا می‌شود؟ و اگر بین ظهور ایشان و قیامت فاصله هست، این مدت چه قدر طول خواهد کشید؟
3. چرا خدا جن‌ها را آفریده تا مردم را اذیت کنند؟
4. آیا می‌شود جن‌ها را در اختیار خود قرار داد تا از ما حمایت کنند؟
5. آیا سوره‌ای وجود دارد که آدم را غیب کند؟

برادر گرامی جواد

## سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدای بزرگ، سالم و سرپند باشی. پرسش‌هایی که فرستاده بودی، به دستم رسید. این پرسش‌ها دو بخش بود؛ بخش مربوط به امام زمان (علیه السلام) و بخش مربوط به جن‌ها. البته در لابلای این پرسش‌ها، سؤالی هم بود که به هیچ کدام از آن دو موضوع مربوط نمی‌شد. حتماً می‌دانی که ما در هر نوبت، تنها به سه سؤال عزیزان پرسش‌گر پاسخ می‌دهیم؛ اما چون تو نوجوان کنجکاو هستی و مدت زیادی هم برای دریافت پاسخ منتظر مانده‌ای، من این مرتبه به همه سؤال‌هایت پاسخ می‌دهم.

### جهان در عصر ظهور . 1

بهتر است اول پرسش‌های مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) را مورد بررسی قرار دهیم. در نخستین سؤال این بخش نوشته بودی: «هنگامی که امام زمان (علیه السلام) ظهور می‌کند، چه تغییری در وضع دنیا ایجاد می‌شود؟» برادرم! پس از آن که امام زمان (علیه السلام) ظهور کرد و حکومت جهانی خود را برپا ساخت، دنیا خیلی تغییر می‌کند. در سخنان اهل‌بیت (علیهم السلام)، حدیث‌های زیادی در این باره وجود دارد. من در این فرصت، خلاصه‌ای از آن احادیث را برایت می‌نویسم.

جواد عزیز! با ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، جهان پر از عدل و داد می‌گردد و بیچارگان و ضعیفان نیز از نعمت‌های روی کره زمین بهره‌مند می‌گردند. به برکت قیام ایشان، باران افزایش می‌یابد و کشاورزی رونق می‌گیرد. در آن زمان، چنان امنیتی ایجاد می‌شود که حتی زنان نیز می‌توانند بی‌هیچ نگرانی و اضطرابی، به این سو و آن سوی جهان سفر کنند. همه جای زمین، در عصر حکومت امام مهدی (علیه السلام) آباد می‌گردد و عقل و خرد مردم بیش‌تر می‌شود و علم و دانش، در سراسر جهان رونق می‌گیرد و بشر، به کشف‌ها و اختراعات تازه‌ای دست می‌یابد و پرشتاب‌تر از گذشته، به سوی قلّه‌های دانش، حرکت می‌کند.

امام مهدی (علیه السلام)، با تلاش بسیار و به لطف پروردگار، سنت‌های فراموش شده دین را زنده می‌کند و همه احکام اسلامی را به اجرا در می‌آورد. ایشان هم چنین بساطت و بت‌پرستی را از روی زمین برمی‌چیند و نوای توحید و خداپرستی را در جهان طنین‌انداز می‌سازد. در سایه جود و بخشش آن حضرت، فقیران و درماندگان به آسایش می‌رسند و به خاطر عدالتی که برپا می‌شود، هیچ کس نمی‌تواند حق افراد ضعیف را پایمال کند.

### فاصله ظهور تا قیامت . 2

در دو سؤال دیگر مربوط به امام مهدی (علیه السلام) پرسیده بودی: «آیا با ظهور امام زمان (علیه السلام) قیامت برپا می‌شود؟ و اگر بین ظهور ایشان و برپایی قیامت فاصله هست، این مدت چقدر طول خواهد کشید؟» در پاسخ باید بگویم که ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و قیام آن امام، به معنای برپایی قیامت نیست. قیامت، سال‌ها پس از برپایی حکومت ایشان، اتفاق خواهد افتاد؛ اما این که بین قیام حضرت مهدی (علیه السلام) و قیامت، چند سال فاصله خواهد بود، معلوم نیست. زمان برپایی قیامت را خدا می‌داند و بس. ما فقط همین اندازه می‌دانیم که قیامت، پس از ظهور امام خواهد بود. آنچه در روایات به روشنی بیان شده این است که حکومت شخص حضرت مهدی (علیه السلام)، چندین سال ادامه خواهد داشت. با این توضیح گمان می‌کنم که پاسخ لازم این دو پرسشت را هم گرفته باشی.

### علت آفرینش جن . 3

حالا می‌رسیم به پرسش‌های مربوط به جن، نوشته بودی: «چرا خدا جن‌ها را آفرید تا مردم را اذیت کنند؟» نمی‌دانم چه کسی گفته که جن‌ها مردم را اذیت می‌کنند؟! جن‌ها چه کار به کار ما! آدم‌ها دارند؟

چرا ما آدم‌ها فکر می‌کنیم جن‌ها مردم آزار هستند؟! جن‌ها کاری به کار ما آدم‌ها ندارند. آن‌ها دنبال برنامه زندگی خودشان هستند. من 37 سال دارم و در این مدت، حتی یک بار هم جن مرا اذیت نکرده است. البته آدم‌های زیادی مرا اذیت کرده‌اند؛ اما جن‌های بیچاره هرگز مزاحمتی برایم نداشته‌اند. گاهی باد، در اتاق را حرکت می‌دهد و ما می‌گوییم جن آمد. یا گریه‌ای، توی حیاط خانه سروصدا می‌کند و خیال می‌کنیم جن آمده است؛ در حالی که چنین نیست.

قرآن کریم، وجود جن را قبول دارد و در چندین آیه، از آن سخن گفته است و حتی یک سوره نیز به نام «جن» در قرآن هست؛ اما اصلاً حرف‌های بی‌پایه و اساس برخی که می‌گویند جن‌ها موجوداتی موذی و ترسناکند، نمی‌پذیرد. تو خودت فکر کن ببین آیا همه آدم‌کشی‌ها و ظلم‌ها و دزدی‌ها و نیرنگ‌بازی‌ها و کلاهبرداری‌ها و چاقوکشی‌ها و خلاف‌کاری‌ها، کار جن‌هاست یا انسان‌ها؟ مردم مظلوم عراق را جن‌ها به رگبار گلوله می‌بندند یا انسان‌ها؟ بچه‌های بی‌دفاع فلسطینی را جن‌ها می‌کشند یا آدم‌نماهای اشغالگر؟ ثروت آفرینایی‌ها را جن‌ها به غارت می‌برند یا آدم‌ها؟ مواد مخدر را جن‌ها در دنیا پخش می‌کنند یا آدم‌ها؟ به نظرم اگر قرار باشد بترسیم، از آدم‌ها باید بترسیم نه از جن‌ها.

برادر! خدا موجودات زیادی را آفریده که بر سر سفره رحمت و لطف او نشسته‌اند و از نعمت‌های پروردگار استفاده می‌کنند. خدای مهربان ما‌هی‌ها، پرنده‌ها، چرنده‌ها، خزنده‌ها و صدها نوع دیگر از موجودات را خلق کرده که هر کدام در جایی زندگی می‌کنند. از این نظر، جن‌ها هم مثل بقیه موجوداتند. اگر دیده‌ای که بعضی‌ها جن‌ها را بد و ترسناک معرفی می‌کنند، بدان که هیچکدام از آن‌ها جن ندیده‌اند. این‌طور حرف‌ها از روی ناآگاهی زده می‌شود. فکرت را به این چیزها مشغول نکن.

#### حمایت جن از انسان . 4

اما در دیگر پرسش مربوط به جن‌ها نوشته بودی: «آیا می‌شود جن‌ها را در اختیار خود گرفت تا از ما حمایت کنند؟» بی‌گمان، انسان‌هایی بوده‌اند که جن‌ها را به خدمت خود گرفته‌اند و از این موجودات، در کارهای خود استفاده کرده‌اند؛ اما نباید حرف کسانی را که به دروغ، چنین ادعایی دارند و فریبکارانه، از به خدمت گرفتن جن‌ها - و به قول معروف از تسخیر جن‌ها - سخن می‌گویند، باور کنی. قرآن کریم، در آیه 17 سوره نمل و آیه 82 سوره انبیا از خدمت جن‌ها به حضرت سلیمان یاد می‌کند. شك نکن که برخی از پیامبران و بندگان شایسته خدا، قدرت به خدمت گرفتن جن‌ها را داشته‌اند. در عین حال، برخی راه‌ها که برای این کار مطرح می‌شود، نتیجه‌بخش نیست. مواظب باش که به هوس ارتباط با جن‌ها، در دام آدم‌های دروغ‌گو یا خیالاتی یا نادان و ناآگاه نیفتی.

اگر ما به دستورهای قرآن عمل کنیم و بنده خوب خدا شویم، نیازی به حمایت جن‌ها نداریم. مطمئن‌ترین نگهبان و بهترین یار ما انسان‌ها خداست. به قول فردوسی: «خدای است بهتر نگهدار و بس.» مؤمنانی که از گناه دوری می‌کنند و واجبات را به جای می‌آورند، خود را در سایه حمایت خدا قرار می‌دهند. خدا هم از این افراد به خوبی حمایت می‌کند و حتی اگر لازم بداند، جن‌ها و فرشته‌ها را نیز به یاریشان می‌فرستد.

#### ناپدید شدن از چشم دیگران . 5

آخرین پرسشی که باید به آن پاسخ بدهم، پرسش مربوط به ناپدید شدن از چشم دشمنان است. نوشته‌ای که: «آیا سوره‌ای وجود دارد که آدم را غیب کند یا با خواندن آن از چشم دشمنان غیب شویم؟» در پاسخ باید بگویم که نه، آیه یا سوره‌ای در قرآن نداریم که با خواندن آن بتوانیم غیب شویم و اگر در برخی کتاب‌ها آیه و دعایی را برای این کار آورده‌اند، نباید به آن اعتماد کرد. اگر منظور شما از غیب‌شدن، پنهان ماندن از چشم دشمنان است، در تاریخ آمده که حضرت

محمد(صلی الله علیه وآله وسلم)، برای در امان ماندن از شرّ دشمنان، در شب هجرت به مدینه، آیه 9 سوره یس را خواند و در نتیجه، کافران نتوانستند ایشان را ببینند. متن آیه چنین است: «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ»؛ «در پیش روی آنان (کافران) سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم، برای همین نمی‌بینند».

من به یاد دارم که در دوران دفاع مقدّس نیز رزمندگان اسلام، برای پنهان ماندن از چشم دشمنان، این آیه را می‌خواندند. حتماً توجه داری که پنهان ماندن از نگاه دشمن، با غیب شدن تفاوت دارد. اگر منظور شما از غیب شدن، محو شدن و از مکانی به مکان دیگر رفتن است، این نوع غیب شدن برای انسان و برخی از موجودات دیگر امکان دارد که در يك آن و لحظه از جایی به جای دیگر بروند. عارفان و بندگان صالح و مؤمن با عبادت بسیار و نزدیک شدن به خداوند متعال در طول سال‌های طولانی می‌توانند به مقامی برسند که در يك لحظه از جایی به جای دیگر بروند.

### خدانگهدار

#### نامه 2

6. آیا در قرآن مطلبی درباره طهارت و پاکیزگی آمده است؟
7. آیا درباره احترام به پدر و مادر مطلبی در قرآن آمده است؟
8. آیا درباره دوری از شیطان و وسوسه‌هایش آیه‌ای در قرآن آمده است؟

### خواهر گرامی سهیلا

سلام بر تو

امیدوارم زیر سایه حضرت معصومه(علیها السلام)- کریمه اهل‌بیت(علیهم السلام) و چشم و چراغ شهر ما - سالم و سربلند باشی. همین چند روز پیش بود که سه پرسش قرآنی تو به دستم رسید. دوست داشتم خیلی زود به این پرسش‌ها جواب دهم؛ اما چون همزمان با پرسش‌های تو، برای چندین پرسشنامه دیگر هم باید پاسخ می‌نوشتم، پاسخ‌گویی به سوال‌های تو مدتی به تأخیر افتاد. به هر حال، اکنون به پرسش‌های قرآنی‌ات جواب می‌دهم و برای هر يك از آن‌ها، پاسخی کوتاه و گویا می‌نویسم.

#### پاکیزگی در قرآن . 1

خواهرم! در اولین پرسشت نوشته بودی: «آیا در قرآن مطلبی درباره طهارت و پاکیزگی آمده است؟» آری، قرآن کریم هم از پاکی روح سخن گفته و هم از پاکی جسم و بدن حرف زده است. آیه‌های مربوط به طهارت و پاکی روح به اندازه‌ای فراوانند که آوردن همه آن‌ها در این پاسخ، ممکن نیست. قرآن کریم، هر جا که از زشتی صفاتی مانند حسد، بخل، ریاکاری، غرور، بدبینی و امثال این‌ها سخن می‌گوید و هر جا از صفات نیکی چون اخلاص، گذشت، حُسن ظن و مانند آن تعریف می‌کند، از پاکی روح سخن گفته است. شاید بتوان گفت که همه آیه‌های قرآن، به پاکی روح مربوط هستند؛ زیرا هر کدام به گونه‌ای، روح ما را از زشتی‌ها و تاریکی‌ها پاک می‌کنند. اما قرآن کریم، از پاکی بدن و لباس هم سخن گفته است. آیه‌های 108 سوره توبه، 4 مدّثر و 222 سوره بقره، به پاکیزگی لباس و بدن مربوط هستند. منظور از طهارت و پاکی در این آیه‌ها، فقط طهارت و پاکی روح نیست. بنابه نظر برخی از مفسران، این طهارت و پاکی، شامل پاکی و نظافت ظاهری هم می‌شود. مثلاً در آیه 108 سوره توبه که می‌فرماید: «خداوند پاکیزگان را دوست دارد.» منظور از پاکیزگان دو گروه هستند؛ هم آن‌ها که روح خود را از زشتی‌ها پاک ساخته‌اند و هم کسانی که بدن و لباس خود را پاک نگه می‌دارند.

## احترام به پدر و مادر . 2

دومین پرسش تو، درباره احترام به پدر و مادر بود. نوشته بودی: «آیا درباره احترام به پدر و مادر مطلبی در قرآن آمده است؟» در جواب باید بگویم آری، در این باره آیه‌های بسیاری وجود دارد. مثلاً در آیه 23 و 24 سوره اسراء می‌خوانیم: «پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آن‌ها پیر شدند، کمترین اهانتی به آن‌ها مکن و بر آن‌ها فریاد مزن و مهربانانه و سنجیده و بزرگوارانه با آن‌ها سخن بگو. از سر لطف و مهربانی به آن‌ها فروتنی کن و بگو: پروردگارا! همان گونه آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، تو هم به آن‌ها رحم کن.» البته باید توجه داشت که محبت به پدر و مادر تنها نباید در دوران پیری آن‌ها باشد، بلکه آیه یاد شده بر محبت در همه زمان‌ها بهیچ‌وجه در دوران پیری تأکید و سفارش می‌کند.

حق پدر و مادر آن قدر زیاد است که در آیه 151 سوره انعام، نیکی به پدر و مادر در کنار مسأله مهم پرستش خدا بیان شده است. در این آیه چنین آمده: «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ «چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید.» در آیه 14 سوره لقمان نیز، خداوند شکر خود را در کنار تشکر و قدردانی از پدر و مادر آورده و چنین فرموده است: «شکر مرا به جای آور و از پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن می‌دانی چرا خدا ما را این همه به نیکی به پدر و مادر و رعایت احترام آنان سفارش کرده است؟ زیرا آن‌ها برای ما خیلی زحمت کشیده‌اند و برای بزرگ کردن ما رنج‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند. افزون بر این، احترام به پدر و مادر به حفظ نهاد و کانون گرم خانواده کمک فراوانی می‌کند.

## در امان ماندن از وسوسه‌های شیطان . 3

اما آخرین پرسشت درباره شیطان و وسوسه‌هایش بود. پرسیده بودی: «آیا درباره دوری از شیطان و وسوسه‌هایش آیه‌ای در قرآن آمده است؟»

خواهرم! آیه‌های مربوط به این موضوع بسیار فراوان است. در حقیقت، هر جا قرآن کریم از شیطان و کارهای او و سرگذشت وی سخن می‌گوید، می‌خواهد ما را از وسوسه‌های او در امان بدارد. حتماً قصه نافرمانی شیطان را شنیده‌ای که حاضر نشد به حضرت آدم سجده کند و می‌دانی که این موجود رانده شده از درگاه خدا، قسم خورده که با وسوسه‌های خود، بندگان خدا را گمراه کند.

پس هر جا قرآن به بیان قصه شیطان پرداخته مانند آیات سوره بقره به گونه‌ای ما را به دوری از شیطان و وسوسه‌هایش فراخوانده است؛ اما روشن‌ترین پاسخ به پرسش تو، آیه 200 و 201 سوره اعراف است که می‌فرماید: «و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه ببر؛ که او شنونده و داناست. پرهیزگاران، هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطانی می‌شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند و (در پرتو یاد خداوند) بینا (و آگاه) می‌شوند.» همان طور که در این آیه می‌بینی، بهترین راه برای دوری از وسوسه‌های شیطان، یاد خدا و توجه به قیامت است.

خدانگهدار

## نامه 3

تماشای فیلم‌های غیر مجاز چه اشکالی دارد؟ آیا در قرآن آیه‌ای در این باره وجود دارد؟ 9.

آیا در قیامت حیوانات نیز مجازات می‌شوند؟ 10.

آیا انسان‌های خوب و باایمان می‌توانند خدا را ببینند؟ چگونه؟ 11.

## برادر گرامی مرتضی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا، سالم و سربلند باشی. سه پرسش تو را خواندم. این سه سؤال، به ذهن خیلی از نوجوانان رسیده و می‌رسد. پس چه خوب است که پس از خواندن پاسخ‌هایی که می‌فرستم، آن‌ها را در اختیار دوستانت هم قرار دهی. با این کار، آن‌ها نیز به پاسخ سؤال‌هایی که بارها فکرشان را مشغول کرده، می‌رسند و تو هم ثواب می‌بری.

### تماشای فیلم‌های غیر مجاز . 1

پرسش اولت درباره نگاه کردن به فیلم‌های غیر اسلامی بود. نوشته بودی: «تماشای فیلم‌های غیرمجاز چه اشکالی دارد؟» برادرم! دشمنان اسلام و بدخواهان کشور عزیزمان، تاکنون راه‌های گوناگونی را برای نابود کردن جامعه ما در پیش گرفته‌اند که هیچ یک از این راه‌ها به نتیجه نرسیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اول به مبارزه اقتصادی با ما پرداختند. مدتی بعد گروه‌هایی را در داخل کشور تحریک کردند تا سرزمین اسلامی‌مان را تجزیه و تکه تکه کنند. پس از آن، صدام را به جنگ ما فرستادند و هشت سال، کشور ما را در یکی از بزرگترین جنگ‌های منطقه، درگیر ساختند. پس از پایان جنگ نیز فتنه‌های آنان پایان نیافت و مبارزه‌ای پیچیده‌تر و خطرناک‌تر و سخت‌تر از جنگ را با ما آغاز کردند.

مبارزه جدید، نبرد و تهاجم فرهنگی بود. آن‌ها که غیرت و شجاعت و همت و مردانگی جوانان ما را در دفاع مقدس دیده بودند، فهمیدند که تا این جوانان غیور، ایمان خود را حفظ می‌کنند، هیچ دشمنی نمی‌تواند به کشور اسلامی ایران ضربه بزند؛ از این رو، با ترویج فساد و بی‌بند و باری و رفتارهای غیر اسلامی، تلاش کردند جوانان ما را از ایمان و قدرت و دین و دانش، دور کنند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف شوم، از غفلت برخی مسؤولان کشور و برخی خانواده‌ها و گروهی از خود جوانان، نیز سوءاستفاده کردند و با توزیع گسترده کتاب‌ها و رمان‌های بی‌محتوا، فیلم‌های زشت و زننده، عکس‌های تحریک‌کننده، موسیقی‌های غریبی و غفلت‌آور و نیز ترویج مدها و لباس‌های نامناسب، فکر و دل جوانان ما را هدف تیرهای مسموم خود قرار دادند.

### !مرتضای عزیز

کسی با هنر و سینما و زیبایی و تفریح و آزادی مخالف نیست. همه سخن درباره فساد است که اگر با آن مبارزه نکنیم، باید در آینده، شاهد عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی کشورمان و از هم پاشیدن خانواده‌ها و معتاد شدن جوانان و گسترش فقر و فساد باشیم. اگر یک فیلم آموزنده خارجی ببینی اشکالی ندارد؛ زیرا تو را از خدا و معنویت و علم و اخلاق و فرهنگ دور نمی‌کند؛ اما دیدن فیلم‌هایی که صحنه‌های زشت و زننده در آن وجود دارد، حرام است. دیدن این فیلم‌ها دل را سیاه و آدم را بی‌غیرت می‌کند.

حفظ چشم از نگاه‌های شهوت‌آلود، از جمله احکامی است که در خود قرآن کریم آمده است. آیه 30 و 31 سوره نور در همین باره است. فکر نکن که پس از دیدن یک فیلم، همه چیز تمام می‌شود و هیچ تغییری در تو ایجاد نمی‌گردد. صحنه‌های این گونه فیلم‌ها، برای همیشه در ذهن تو باقی می‌ماند و تو را پیوسته به گناه فرا می‌خواند. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «نگاه حرام، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است.» [1] همه باید خودمان از این تیرهای

### مسموم حفظ کنیم

در این باره ساعت‌ها می‌توان گفت و نوشت. اگر موافق باشی، من به همین مقدار بسنده کنم و حالا به پرسش دوّمت بپردازم.

### مجازات حیوانات در قیامت . 2



در این پرسش آورده بودی: «آیا در قیامت، حیوانات هم مجازات می‌شوند؟» از آیه 38 سوره انعام و آیه 5 سوره تکویر و برخی احادیث اهل بیت (علیهم السلام) چنین استفاده می‌شود که حیوانات نیز در صحنه قیامت حضور می‌یابند و در آنجا مورد حسابرسی قرار می‌گیرند؛ البته روشن است که حسابرسی آن‌ها با حسابرسی انسان‌ها تفاوت دارد؛ زیرا خدا پرونده هر يك از این دو گروه را به اندازه درك و شعوری که به وی داده، بررسی می‌کند. حیوانات چون درك و شعورشان زیاد نیست، حسابشان هم خیلی سخت نیست؛ اما به همان اندازه کمی که می‌فهمند، به حسابشان رسیدگی می‌شود.

روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و یارانش با هم نشسته بودند و این صحنه را تماشا می‌کردند: دو گوسفند شاخ دار به شدت با هم درگیر شده، سخت مشغول کارزار بودند. گاه شاخ به شاخ هم می‌انداختند و يك دیگر را به عقب می‌رانند و گاه پس از يك دورخیز، به سوی هم حمله می‌کردند. جنگ و درگیری همچنان ادامه داشت تا آن که یکی از آن‌ها با شاخ خود، محکم به دیگری زد و با همین ضربه، پیروز میدان شد. گوسفند شکست‌خورده فرار کرد و به سرعت از صحنه مبارزه گریخت.

پس از پایان نبرد گوسفندها، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) لبخندی زد که شگفتی یارانش را برانگیخت. از پیامبر پرسیدند: «ای رسول خدا! چرا خندیدی؟!» پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «از آن گوسفند شکست خورده در شگفتم (که امروز بازنده میدان است و فردای قیامت پیروز صحنه). به خدایی که جانم در دست اوست، در روز قیامت، خدا حق او را از [گوسفند ستمکار خواهد گرفت.» [2]

با این حکایت برایت روشن شد که جرم و خطای حیوانات چگونه است و حسابرسی آن‌ها در چه حدودی خواهد بود.

### دیدن خدا. 3.

اما در پرسش سوّم نوشته بودی: «آیا انسان‌های خوب و باایمان می‌توانند خدا را ببینند، چگونه؟» پاسخ آن است که نه، چنین چیزی شدنی نیست. قرآن کریم، دیدن خدا را غیر ممکن می‌داند و در آیه 103 سوره انعام می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»؛ «چشم‌ها او را نمی‌بینند، ولی او چشم‌ها را می‌بیند». در این موضوع، میان انسان‌های خوب و بد فرقی نیست. چشم ما انسان‌ها چیزی را می‌بیند که جسم باشد و پس از برخورد نور به آن و برگشت نور به چشم، دیده شود؛ برای مثال وقتی تو يك درخت را می‌بینی، در حقیقت نوری بر درخت تابیده و به چشم تو رسیده که توانسته‌ای آن را ببینی. حال اگر موجودی جسم نبود، چگونه می‌توان آن را دید؟

البته در بعضی آیه‌های قرآن مانند آیه 13 سوره نجم، از دیدن خدا سخن به میان آمده، ولی همان گونه که مفسر و دانشمند بزرگ علامه طباطبایی نوشته، منظور این آیه، دیدن با چشم نیست. معنای این آیه و مانند آن، دیدن با دل و شناخت خدا با دل و جان است. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه 174 نهج البلاغه می‌فرماید: «چشم‌های ظاهری هرگز خدا را نمی‌بینند، اما دل‌ها با حقیقت ایمان او را درك می‌کنند.» بی‌گمان، انسان‌های پاک و پرهیزگار، در این نوع دیدن خدا، موفق‌تر خواهند بود؛ زیرا دلشان را با گناه سیاه نکرده‌اند.

خدانگهدار

کافی، ج 5، ص 559. [1]

تبسم آفتاب، ص 20. [2]

نامه 4

جای پدر بزرگ مرحوم من در آخرت کجاست؟ 12.



چرا توسّل من به امام رضا(علیه السلام) برای شفا یافتن پدر بزرگم نتیجه نداد؟ 13.

قیامت در چه زمانی برپا خواهد شد؟ 14.

مراحل مختلف قیامت را نام ببرید. 15.

خواهر گرامی فرناز

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسشنامه قرآنی تو را به طور کامل خواندم. در آغاز پرسشنامه خود ما را از درگذشت پدر بزرگ عزیزت با خیر کرده بودی. این مصیبت را به تو و خانواده محترمت تسلیت می‌گویم و برای همه شما آرزوی صبر و بردباری دارم. می‌دانم که غم بزرگی را تحمل کرده‌ای و رنج فراوانی کشیده‌ای.

خواهرم! در همین لحظات سخت است که ما انسان‌ها امتحان می‌شویم. قرآن کریم، الگوی زیبایی برای لحظه‌های دشوار زندگی پیش روی ما قرار داده و در آیه 155 و 156 سوره بقره چنین فرموده است: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم. و بشارت ده آن‌ها را که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما «از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

در این دو آیه به چند نکته مهم اشاره شده است:

1. همه ما امتحان خواهیم شد.

2. امتحان هر کس به گونه‌ای است.

3. تنها صابران سرفراز خواهند بود.

4. توجّه به خدا و معاد، به انسان آرامش می‌دهد.

يك بار دیگر در سخن صابران دقت کن. آن‌ها می‌گویند: «إِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ «ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.» قرار نیست ما انسان‌ها تا ابد در دنیا زندگی کنیم. دیر یا زود همه ما از این دنیا می‌رویم و نزد خدا باز می‌گردیم. پس چرا باید در مرگ عزیزان خود، صبر و بردباری را از دست بدهیم.

بر دوستان رفته چه افسوس می‌خوریم\*\*\* ما خود مگر قرار اقامت گزیده‌ایم

البته به طور طبیعی همه ما از مرگ دوستان و بستگانمان ناراحت می‌شویم. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) هم وقتی پسرش ابراهیم از دنیا رفت، ناراحت شد و گریه کرد. یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که گریه حضرت را دیدند، تعجب کردند. شاید توقع نداشتند که پیامبر صبور مقاوم، در مرگ فرزندش گریه کند. به آن حضرت گفتند: «ای رسول خدا! گریه می‌کنی حال آن که تو فرستاده خدایی؟!» پیامبر در جواب فرمود: «دل می‌سوزد و اشک جاری می‌شود؛ «ولی آنچه باعث خشم خدا گردد، نمی‌گویم».

خواهرم! تو هم حق داری که به خاطر از دست دادن پدر بزرگت ناراحت باشی؛ اما مبادا شیطان تو را افسرده و پژمرده و ناامید کند. من می‌دانم پدر بزرگت هم راضی نیست که تو بیش از اندازه، خودت را ناراحت کنی.

جای گذشتگان در آخرت . 1

پرسیده بودی: «جای او در جهان آخرت کجاست؟» گرچه هیچ‌یک از ما، آن دنیا را نمی‌بینیم و نمی‌توانیم بگوییم کسی که به آن جا می‌رود، در چه حال و روزی است؛ اما می‌دانیم که همه کسانی که می‌میرند، اگر مؤمن باشند و عمل نیک انجام داده باشند، در بهشت برزخی هستند و در آن جا از نعمت‌های فراوانی بهره‌مند هستند و از رحمت و بخشش خداوند برخوردارند. ان شاء الله پدر بزرگ عزیز تو نیز، الان از لطف و رحمت خدا برخوردار است. تو هم اگر واقعاً او را

دوست داری، برایش دعا کن و به نیت او، کارهای خوب انجام بده. هدیه‌های معنوی تو، حتماً او را خوشحال خواهد کرد.

## مستجاب نشدن دعا . 2

در ادامه همین بخش از نامه‌ات نیز نوشته بودی: «قبل از مرگ پدر بزرگم به زیارت امام رضا(علیه السلام) رفتم و نامه‌ای به ضریح انداختم و در آن برای پدر بزرگم دعا کردم که حالش خوب بشود؛ ولی اثری نداشت. چرا امام رضا(علیه السلام) برای من کاری نکرد؟» در پاسخ به این پرسش باید بگویم که دعا و توسل به امامان بزرگوار، کار بسیار خوب و پسندیده‌ای است؛ اما این گونه نیست که همه دعاها و توسل‌های ما آن‌گونه که ما دوست داریم عملی بشود. البته هیچ دعا و توسلی بی‌نتیجه نیست؛ زیرا برای ما ثواب می‌نویسند و در دنیا یا آخرت یا هر دو جا، پاداش‌هایی را برای ما در نظر می‌گیرند.

حتماً می‌دانی که امام رضا(علیه السلام)، بیماران بسیاری را شفا داده و حاجت افراد زیادی را برآورده کرده؛ اما این‌گونه نیست که همه به حاجت مورد نظر خود برسند. چون در بسیاری از موارد ما چیزهایی را می‌طلبیم که خودمان فکر می‌کنیم خیر ما در آن است؛ اما در واقع چنین نیست؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «بسا چیزی را خوش نمی‌دارید در حالی که برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» امام رضا(علیه السلام) همه شیعیان خود را دوست دارد و ان شاءالله در آخرت نیز همه ما را از لطف و رحمت خود برخوردار خواهد کرد. همین که تو، لذت گفت و گو با حضرت رضا(علیه السلام) را چشیده‌ای و به ثواب زیارت ایشان رسیده‌ای، خدا را شکر کن. ان شاءالله به خاطر همان نامه تو، پدر بزرگت در آن دنیا بیش‌تر مورد توجه حضرت رضا(علیه السلام) قرار خواهد گرفت.

پاسخ به پرسش نخست تو خیلی طولانی شد. سعی می‌کنم دو پرسش بعدی را کمی کوتاه‌تر پاسخ بدهم تا خسته نشوی.

## زمان قیامت . 3

پرسش دوّم درباره زمان برپایی قیامت بود. پاسخ این سؤال تو، در آیه 187 سوره اعراف آمده است. در این آیه می‌خوانیم: «(ای پیامبر) از تو درباره قیامت می‌پرسند که چه زمانی است؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار است.» پس، کسی جز خدا نمی‌داند که قیامت، چه زمانی برپا می‌شود. به هر حال این روز بزرگ فرا خواهد رسید و به حساب همه انسان‌ها، رسیدگی خواهد شد. وظیفه ما آن است که با انجام خوبی‌ها و دوری از گناهان، خودمان را برای آن روز بزرگ آماده کنیم.

## مراحل قیامت . 4

اما آخرین پرسشت درباره مراحل مختلف قیامت بود. خواسته بودی بدانی که قیامت از چه مراحل تشکیل می‌شود؟ در پاسخ باید بگویم که قیامت مراحل بسیاری دارد و آنچه در قرآن و سخنان اهل‌بیت(علیهم السلام) آمده تنها بخشی از مراحل دشوار قیامت است. زنده شدن دوباره و آمدن به صحرای محشر، عبور از پل صراط، گرفتن نامه عمل، انتظارهای طولانی در محشر و بررسی حساب، ورود مؤمنان نیکوکار به بهشت و ورود کافران و برخی گناهکاران به جهنم، مهم‌ترین مراحل سفر قیامت هستند. البته این مراحل سخت و دشوار برای آنان که خدا را در زندگی دنیا به یاد داشته و از او فرمان برده‌اند، بسیار سریع و آسان خواهد گذشت. بنابراین، مسلمانی که خدا و رسول خدا و اهل‌بیت(علیهم السلام) را دوست دارد و به‌اندازه توان خود به انجام کارهای خوب می‌پردازد و از بدی‌ها دوری می‌جوید، نباید نگران باشد. روز قیامت برای

چنین شخصی، روز دریافت پاداش است. امیدوارم که برای من و تو هم روز قیامت همین طور باشد.

خواهرم! بار دیگر تو را به صبر و بردباری سفارش می‌کنم و از تو می‌خواهم که هیچ گاه از خدا و لطف و رحمت بی‌پایان او ناامید نشوی. یقین دارم که روزهای شیرین و پرخیر و برکتی پیش روی توست.

خدانگهدار

### نامه 5

ما مسلمان‌ها اگر به دستورهای خدا عمل نکنیم، گناهکار حساب می‌شویم و به جهنم می‌رویم. 16. آن‌هایی هم که مسلمان نیستند و از فرمان‌های خدا اطاعت نمی‌کنند نیز به جهنم می‌روند. پس بین ما و آنان چه تفاوتی وجود دارد؟

آیا در بهشت می‌توانیم فرزندان و خویشاوندانمان را ببینیم؟ 17.

آیا در آن دنیا دوباره خواهیم مُرد؟ 18.

برادر گرامی مرتضی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. بار دیگر، پرسشنامه‌ای از تو برادر خوبم دریافت کردم که سه پرسش قرآنی در آن نوشته بودی. در کنار پرسش‌هایت، عبارت تشکرآمیزی را هم اضافه کرده بودی. من هم از طرف خودم و همکارانم، از تو که به خاطر علاقه به قرآن کریم، زحمت فرستادن پرسشنامه و انتظار دریافت پاسخ را می‌پذیری، تقدیر و تشکر می‌کنم. بهترین تشکر از خادمان قرآن کریم در مرکز فرهنگ و معارف قرآن این است که پرسش‌گران عزیز، پاسخ‌های ارسالی را خوب بخوانند و مطالب آن را خوب به‌خاطر بسپارند.

### عذاب شدن مسلمانان. 1.

برادرم! در اولین سؤال خود نوشته بودی: «ما مسلمان‌ها اگر به دستورهای خدا عمل نکنیم، گناهکار حساب می‌شویم و به جهنم می‌رویم. آن‌هایی هم که مسلمان نیستند و از فرمان‌های خدا اطاعت نمی‌کنند نیز به جهنم می‌روند. پس بین ما و آنان چه تفاوتی وجود دارد؟»

پاسخ به این سؤال را با بیان چند نکته روشن می‌سازم:

- در نخستین قسمت این پرسش نوشته بودی که اگر ما به دستورهای خدا عمل نکنیم به جهنم می‌رویم. برادرم! حتماً به این مطلب توجه داری که همه گناهکارها به جهنم نمی‌روند. خیلی از آن‌ها از گناه خود توبه می‌کنند و خدا هم گناهان آنان را می‌بخشد. این دسته از گناهکاران، بی‌تردید به جهنم نخواهند رفت. دسته دیگری از مسلمانان گنهکار، کیفر گناه خود را در همین دنیا یا در برزخ می‌بینند و دیگر به جهنم نمی‌روند. گناه خیلی از آدم‌ها را هم خدا، با لطف و رحمت خویش می‌بخشد و می‌آمرزد. گروهی از مسلمانان گناهکار هم با شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل‌بیت ایشان مورد بخشش خدا قرار می‌گیرند. تنها بخشی از مسلمانان گنهکارند که به جهنم می‌روند.
- کافران جهنمی نیز فقط کسانی هستند که با علم و آگاهی، از قبول دین اسلام سرباز زده‌اند. در بین کافران، کسانی وجود دارند که پیام اسلام به آن‌ها نرسیده و قصد لجبازی و سرکشی ندارند و برای همین، به جهنم نمی‌روند.
- تفاوت مسلمان گنهکار و کافر گنهکار آن است که مسلمان گنهکار، از رحمت‌ها و بخشش‌هایی برخوردار می‌گردد که این رحمت‌ها و بخشش‌ها به کافر گنهکار نمی‌رسد. خود قبول اسلام و

ایمان آوردن به خدا و پیامبر، باعث نجات گنهکار از بسیاری از عذاب‌ها می‌گردد. هموارتر بودن راه توبه و بهره‌مندی از شفاعت، تنها دو نمونه از امتیازهای مسلمان گنهکار بر کافر گنهکار است. ضمناً مسلمانی که به جهنم می‌رود، فقط برای مدتی در جهنم می‌ماند و پس از پاک شدن از گناهان، به بهشت می‌رود؛ در حالی که کافر گنهکار، برای همیشه در جهنم می‌ماند.

## دیدار بستگان در بهشت . 2

اما در دومین پرسش نوشته بودی: «آیا ما در بهشت می‌توانیم پدر، مادر، فرزندان و خویشاوندانمان را ببینیم؟» در پاسخ باید بگویم که آری. ما آن گروه از بستگانمان را که بهشتی باشند، در آن جا می‌توانیم ببینیم. رسول‌خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «هنگامی که کسی وارد بهشت می‌شود، سراغ پدر و مادر و فرزندان خود را می‌گیرد. به او می‌گویند آن‌ها از نظر درجه (ایمان) و عمل به تو نمی‌رسند. او می‌گوید: پروردگارا! من در دنیا به خاطر خودم و آن‌ها [پدر و مادر و فرزندان] انجام وظیفه کردم. فرمان می‌رسد که آن‌ها را نیز به وی ملحق سازید.» در آیه 21 سوره طور نیز می‌خوانیم: «کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از این گذشته، چون بر اساس آیه 71 سوره زخرف، خداوند خواسته اهل بهشت را برآورده می‌کند، دیدار بستگان و فرزندان با ایمان برای بهشتی‌ها ممکن خواهد بود.

## مرگ در آخرت . 3

اما در آخرین سؤال خود نوشته بودی: «آیا در آن دنیا دوباره خواهیم مُرد؟» پاسخ آن است که نه، قرآن کریم، در بیان حال بهشتی‌ها و جهنمی‌ها از عبارتهایی استفاده می‌کند که بیانگر جاودانگی زندگی در آن دنیا است. در آیه 56 سوره دخان نیز خیلی صریح و روشن فرموده است: «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى» ؛ «آنان (بهشتی‌ها) جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده‌اند) هرگز مرگی را نخواهند چشید»

خدانگهدار

## نامه 6

جهنم تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ 19.

آیا در قرآن آیه‌ای هست که مربوط به امام زمان(علیه السلام) باشد؟ 20.

اگر کسی خیلی باایمان باشد ولی حق دیگران را ضایع کند، آیا نماز و روزه آن شخص قبول 21. است؟

خواهر گرامی لیلا

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا پیروز و سربلند باشی و سال تحصیلی را با موفقیت به پایان برده باشی. حتماً می‌دانی تعطیلی مدرسه به معنی تعطیل شدن یادگیری نیست. با مطالعه کتاب‌های خوب و سودمند و شرکت در کلاس‌های مختلفی که در کانون‌های فرهنگی و مساجد برگزار می‌شود، از

تعطیلات تابستان به خوبی استفاده کن. جناب فردوسی می‌گوید:

زمانی نیاسای ز آموختن\*\*\*اگر جان همی خواهی آفروختن

من هم مثل تو یک دانش‌آموزم، دانش‌آموزی که در حوزه علمیه قم به یادگیری علوم اسلامی

مشغول است. خیلی از مطالبی را که در طول سال تحصیلی نتوانسته‌ام بخوانم، در فرصت

تابستان مطالعه می‌کنم. ان‌شاءالله تو نیز چنین کنی.

## مدت جهنم . 1

خواهرم! هر کدام از پرسش‌هایت درباره موضوع خاصی بود. در سؤال اولت نوشته بودی: «جهنم تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟» پاسخ این سؤال تو را خود قرآن به روشنی داده و در چندین آیه چنین فرموده است: «أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون»؛ «آنان اهل آتشند و جاودانه در جهنم خواهند ماند.» پس جهنم همیشه خواهد بود. مبدا فکر کنی همه کسانی که به جهنم می‌روند تا ابد در جهنم می‌مانند. نه، خیلی از مردم تنها برای مدتی به جهنم می‌روند و پس از آن که از تیرگی گناه پاك شدند، روانه بهشت می‌گردند. فقط گروهی از آدم‌ها هستند که تا ابد در جهنم می‌مانند.

خدا بسیاری از گناهکاران را در همین دنیا می‌بخشد یا مجازات می‌کند. عده دیگری را در برزخ مجازات می‌کند. بعضی‌ها هم در قیامت از شفاعت اهل بیت (علیهم السلام) و شهیدان و نیکان بهره‌مند می‌گردند و نجات می‌یابند. گروه زیادی هم فقط برای مدتی، اسیر آتش دوزخ می‌گردند. تنها بخشی از مجرمان باید برای همیشه طعم آتش دوزخ را بچشند.

## (آیات مربوط به امام مهدی (علیه السلام) . 2

اما پرسش دوّم درباره حضرت مهدی (علیه السلام) بود. نوشته بودی: «آیا در قرآن آیه‌ای هست که مربوط به امام زمان (علیه السلام) باشد؟» قرآن کریم، به طور صریح از امام زمان (علیه السلام) نام نبرده ولی بعضی دانشمندان معتقدند که بیش از صد و پنجاه آیه قرآن، مربوط به آن حضرت است. برای نمونه، از دو آیه زیر که به نظر مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبایی، مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) است، می‌توان یاد کرد:

آیه 105 سوره انبیاء: «به راستی در زبور پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان 1. شایسته من به ارث می‌برند.» این آیه اشاره به حضرت مهدی (علیه السلام) دارد که بر همه کره زمین حکومت خواهد کرد.

آیه 5 سوره قصص: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و 2. وارثان زمین قرار دهیم.» این آیه هم اشاره به قیام حضرت مهدی (علیه السلام) و پیروزی او بزرگوار دارد که کره زمین را در اختیار خود خواهد گرفت.

## قبولی نماز مردم آزار . 3

پرسش سوّم نیز پرسش جالب و مهمی بود. نوشته‌ای: «اگر کسی خیلی باایمان باشد ولی حق دیگران را ضایع کند، آیا نماز و روزه آن شخص قبول است؟» خواهرم! اگر کسی واقعاً با ایمان باشد حق دیگران را ضایع نمی‌کند. نشانه ایمان فقط نماز و روزه نیست. پیامبر عزیز ما فرموده‌اند: «مَنْ أَدَى مُؤْمِنًا فَهَدَّ أَدَانِي»؛ هرکس مؤمنی را اذیت کند مرا اذیت کرده است.» آیا باور می‌کنی کسی ایمان داشته باشد ولی با آزار دیگران، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را اذیت کند؟! پس کارهای بدی که گاه از بعضی آدم‌های نمازخوان می‌بینی، به خاطر سستی ایمان آن‌هاست و حتماً در قبولی نماز آن‌ها تأثیر خواهد داشت. امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «هر مؤمنی که نسبت به برادر دینی‌اش نیت بدی داشته باشد، خداوند عمل او را قبول نمی‌کند».

خدانگهدار

## نامه 7

22. کدام سوره است که نام اسلحه دانشمند است؟
23. بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین سوره قرآن کدام است؟
24. نام‌های دیگر سوره توحید چیست؟

برادر گرامی مسعود

سلام علیکم

انشاءالله در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسش‌هایی را که فرستاده بودی، خواندم. خوشحالم که این بار می‌توانم به سؤال‌های یکی از برادران اهل سنت خود پاسخ بدهم. همان طور که می‌دانی، شیعه و سنی در خیلی چیزها با هم مشترک هستند که یکی از آن‌ها قرآن کریم است. دوست داشتن اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، اعتقاد به مقام والای رسول خدا و ایمان به ظهور نجات دهنده بشریت حضرت مهدی- از دیگر نقاط مشترک شیعه و سنی است. در هر حال آرزو می‌کنم که همه ما بتوانیم به قرآن کریم عمل کنیم و همان گونه که حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) از ما خواسته، این کتاب را بیاموزیم و دستورهایش را به کار ببندیم.

### اسلحه دانشمند . 1

از این مقدمه که بگذریم، به سه سؤال قرآنی تو می‌رسیم. در پرسش نخست خود نوشته بودی: «کدام سوره است که نام اسلحه دانشمند است؟» پاسخ این سؤال، سوره شصت و هشتم قرآن یعنی سوره قلم است. قلم، اسلحه دانشمندان در مبارزه با جهل و نادانی است. دانشمندان با کتاب‌هایی که می‌نویسند، به جنگ نادانی می‌روند و نمی‌گذارند مردم اسیر آن شوند. خدا در اول سوره قلم، به قلم و آن چه با قلم نوشته می‌شود، قسم می‌خورد. این نشانه اهمیت علم و دانش در قرآن کریم است. البته باید بدانی قلم و نوشته‌ای ارزش دارد که در خدمت سعادت انسان‌ها باشد. اگر کسی چیزی بنویسد که مردم را از راه راست گمراه کند، دیگر نوشته او ارزش و احترام ندارد.

### بزرگترین و کوچکترین سوره قرآن . 2

اما پرسش دومت درباره بزرگترین و کوچکترین سوره قرآن بود. در جواب این سؤال باید بگویم که بزرگترین سوره قرآن، سوره بقره با 286 آیه و کوچکترین سوره قرآن، سوره کوثر با 3 آیه است. «بقره» به معنای گاو ماده و «کوثر» به معنای خیر بسیار است. سوره «بقره» در مدینه و سوره «کوثر» در مکه نازل شده است.

### نام‌های دیگر سوره توحید . 3

حال به سومین سؤال تو می‌رسیم. در این پرسش نوشته بودی: «نام‌های دیگر سوره توحید چیست؟» برادرم! «اخلاص» و «قل هو الله احد» دو نام دیگر سوره توحید است. این سوره را سوره توحید می‌گویند چون در آن از توحید و یکتاپرستی سخن به میان آمده است. آن را «اخلاص» نامیده‌اند چون این سوره، خدانشناسی ناب و خالصی را به ما می‌آموزد. و به آن «قل هو الله احد» گفته می‌شود؛ زیرا این سوره، با همین جمله آغاز می‌شود.

مسعود عزیز! قبل از پایان دادن به نامه، دوست دارم حدیث زیبایی را نیز به عنوان یادگاری تقدیم کنم. این حدیث از حضرت فاطمه(علیها السلام) دختر گرامی پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرموده‌اند: «من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: خواندن قرآن، نگاه کردن به چهره رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و انفاق و بخشش مال در راه خدا».

خدانگهدار

### نامه 8

حکمت آفرینش مگس چیست؟ 25.

چرا در قدیم قرآن را به خط کوفی می‌نوشتند؟ 26.

چرا قرآن به زبان عربی است؟ 27.

## خواهر گرامی مهناز

سلام بر تو

امیدوارم امتحان‌های پایان سال را با موفقیت پشت سر گذاشته و الآن سالم و با نشاط باشی. البته همه روزهای زندگی ما روز امتحان است. اصلاً زندگی دنیا برای امتحان است. همه ما پا به این دنیا می‌گذاریم تا معلوم شود که از بین بهشت و جهنم کدامیک را انتخاب می‌کنیم. هر حرفی که می‌زنیم، هر نگاهی که می‌کنیم، هر جایی که می‌رویم، هر پولی که به دست می‌آوریم یا خرج می‌کنیم. هر چیزی که می‌خوانیم یا می‌نویسیم و خلاصه آن که هر کاری که انجام می‌دهیم یک امتحان است. ای کاش ما آدم‌ها آن قدر که به امتحان مدرسه اهمیت می‌دهیم، به امتحان‌های زندگی هم اهمیت می‌دادیم! ای کاش آن قدر که نگران کارنامه تحصیلی خود بودیم، نگران کارنامه کارهایمان در قیامت نیز می‌بودیم. در هر حال آرزو می‌کنم در امتحان پایان سال مدرسه و امتحان‌های سرنوشت‌ساز زندگی با نمره‌های بسیار خوبی قبول شوی. ان شاء الله

### حکمت آفرینش مگس . 1

از این مقدمه که بگذریم، به پرسش‌های قرآنی تو می‌رسیم. در نخستین پرسش خود نوشته بودی: «حکمت آفرینش مگس چیست؟» حتماً می‌دانی که موجودات دنیا مانند یک زنجیره، به هم پیوسته هستند. هر موجودی در دنیا فایده‌ای دارد و هیچ چیز بی‌فایده آفریده نشده است. شاید فکر کنیم بعضی موجودات بی‌خود آفریده شده‌اند؛ ولی این طور نیست. اگر کمی درباره طبیعت مطالعه کنی یا فیلم‌های مربوط به شگفتی‌های جهان را ببینی، متوجه می‌شوی که حتی ریزترین موجودات هم بی‌خود آفریده نشده‌اند. بعضی از حشراتی که ما فکر می‌کنیم هیچ فایده‌ای ندارند، غذای گروه دیگری از حیوانات هستند، یا با پاهای کوچکشان گرده گلها را جا به جا می‌کنند. یا بعضی حیوانات که مزاحم به نظر می‌رسند، از رشد بی‌حساب گروه دیگری از حیوانات جلوگیری می‌کنند. سال‌ها پیش، گروهی از مردم به خیال این که روباه‌ها موجودات مزاحم و بی‌فایده‌ای هستند، به جان این حیوان افتادند و تعداد زیادی از روباه‌ها را کشتند. پس از مدتی، تعداد خرگوش‌ها آن قدر زیاد شد که ریشه تمام گیاهان را خوردند و کشاورزی آن منطقه را نابود کردند. تازه آن وقت بود که فهمیدند روباه هم در این دنیا بی‌فایده نیست و دیگر از کشتن آن دست کشیدند، چون فهمیدند وجود هر موجودی به چرخه حیات و گردش آن کمک می‌کند.

### نوشتن قرآن به خط کوفی . 2

اما در پرسش دوّم نوشته بودی: «چرا در قدیم قرآن را به خط کوفی می‌نوشتند؟» پاسخ آن است که قرآن کریم، در هر زمانی به خط همان زمان نوشته شده است. در آغاز اسلام که خط رایج در میان عرب‌ها خط «نبطی» و «سریانی» بود، آن‌ها قرآن را به همین دو خط می‌نوشتند. رفته رفته که خط‌های جدیدی مثل «خط کوفی» درست شد، قرآن را با این خط نیز نوشتند. تا امروز هم که انواع خط‌ها ایجاد شده است، مسلمانان از این خط‌ها برای نوشتن قرآن بهره گرفته‌اند. پس نه در گذشته قرآن را فقط با خط کوفی می‌نوشتند، و نه امروزه قرآن را فقط با یک خط می‌نویسند.

### عربی بودن قرآن . 3

سوّمین پرسش تو نیز پرسشی است که نوجوانان زیادی تاکنون از من و همکارانم پرسیده‌اند. پرسیده‌ای «چرا قرآن به زبان عربی است؟» من از تو سوالی می‌کنم که اگر جواب آن را بدی، سوال خودت را هم جواب داده‌ای. سوال من این است که چرا تو پرسش‌هایت را به زبان فارسی نوشتی و فرستادی؟ حتماً پاسخ می‌دهی: «زیرا کسانی که قرار بود این پرسش‌ها را بخوانند،



زبانشان فارسی است.» پاسخ سؤال تو هم این است که چون اولین کسانی که قرآن را می‌شنیدند، مردم عرب زبان بودند، قرآن به زبان عربی نازل شده است. به نظر تو اگر حضرت محمد کتابی می‌آورد که مثلاً به زبان انگلیسی بود، آیا می‌توانست مردم را به راه راست هدایت کند؟ مردم مگه و مدینه که انگلیسی نمی‌دانستند تا با خواندن آن کتاب با حرف‌های خدا آشنا شوند. در این فرض، پیامبر حتی نمی‌توانست مردم اطراف خودش را هدایت کند تا چه رسد به دیگر ملت‌ها. پس با توجه به این که خود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) عرب زبان بود، می‌بایست پیام الهی به زبان عربی نازل شود تا پس از آن که حضرت محمد آن را به زبان عربی خواند، به وسیله سایر مسلمانان به دیگر زبان‌ها نیز ترجمه شود. البته پیام قرآن، يك پیام جهانی و برای همه مردم دنیاست. اگر دیده باشی قرآن بارها می‌گوید: «يا ايها الناس» ؛ ای مردم! یعنی پیام‌های قرآن برای همه مردم جهان است. نمی‌گوید: ای مردم عرب. پس عربی بودن قرآن فقط برای آن است که اولین شنوندگان و خوانندگان این کتاب، عرب‌ها بودند.

خدانگهدار

### نامه 9

28. خدا امام‌ها را برای چه کاری آفریده است؟  
29. آیا فقط خداست که از همه مهربان‌تر است؟  
30. اگر، ما گول شیطان را بخوریم، خدا با ما چه خواهد کرد؟

دوست گرامی فرهنگ

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سربلند و پیروز باشی. همه پرسش‌های تو را خواندم. نزدیک به سی سؤال برابم فرستاده بودی. آفرین به کنجکاو و دانش‌دوستی تو. می‌دانم که این پرسش‌ها خیلی به ذهنت فشار می‌آورد و حتماً دلت می‌خواهد خیلی زود، به پاسخ این پرسش‌ها برسی. راستش اگر بخواهم در همین يك نامه به همه این سؤال‌ها پاسخ دهم، يك کتاب می‌شود. آن وقت شاید تو دیگر حوصله خواندن همه آن را نداشته باشی. بیا با هم قراری بگذاریم. من در این نامه به سه سؤال جواب می‌دهم و در نوبت‌های بعدی نیز هر بار به سه سؤال پاسخ می‌دهم تا پرسش‌هایت تمام شود.

فرهنگ عزیز! تو نه سال بیش‌تر نداری و ان‌شاءالله هر چه بزرگ‌تر شوی، اطلاعات و دانشت بیش‌تر خواهد شد. حتماً خدا تو را برای آشنایی با دین اسلام یاری خواهد کرد و در مدت کوتاهی، به جواب همه سؤال‌هایت خواهی رسید. من منتظر پرسش‌های بعدی تو هستم. تو هم باید برای دریافت پاسخ، کمی صبر و حوصله داشته باشی.

علت وجود امام . 1

در یکی از پرسش‌هایت نوشته بودی: «خدا امام‌ها را برای چه کاری آفرید؟» در پاسخ باید بگویم که کار امام‌ها، هدایت و تربیت انسان‌ها است. به نظر تو چرا باید در يك کشور معلم‌ها حضور داشته باشند؟ حتماً می‌گویی برای آن که به بچه‌های آن کشور علم و دانش بیاموزند و آنان را تربیت کنند. کار امام‌ها نیز هدایت و تربیت بشر است. آن‌ها بزرگ‌ترین آموزگاران و معلمان انسان‌اند. آن‌ها بودند که راه راستی و درستی را به انسان‌ها آموختند و کارهای خوب را به ما یاد دادند. حضرت علی (علیه السلام) بود که به ما یاد داد تا از فقیران و بیچارگان حمایت کنیم و آنان را در سختی‌های زندگی یاری دهیم. امام حسن (علیه السلام) بود که به ما یاد داد تا برای راحتی

آسایش دیگران، از مال و ثروت خودمان خرج کنیم. امام حسین (علیه السلام) بود که به همه انسان‌ها درس آزادگی داد و به آنان آموخت که در مقابل ظلم و ستم بایستند و از هیچ چیز نترسند.

خدا امامان را آفرید تا دین اسلام را که دین دوستی و مهربانی و خوشبختی است. از دست دشمنان حفظ کنند و آن را به دیگران یاد بدهند. الآن تو نزدیک به سی سؤال دینی برای من فرستاده‌ای. پاسخ بیش‌تر این سؤال‌ها در سخنان امامان آمده است. اگر امامان نبودند، بسیاری از سؤال‌های ما انسان‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. همین حالا، کتاب نهج البلاغه را که مجموعه‌ای از سخنان امام علی (علیه السلام) است، کافران نیز می‌خوانند و از آن استفاده می‌کنند. خدا امامان را آفرید تا چراغ راه ما باشند و ما را برای رسیدن به سعادت راهنمایی کنند.

## مهربان‌ترین مهربان . 2

در پرسش دیگری نوشته بودی: «آیا فقط خداست که از همه مهربان‌تر است؟» جواب این سؤال را به خودت می‌سپارم. تو به این سؤال‌های من جواب بده و بعد ببین آیا مهربان‌تر از خدا کسی هست یا نه؟ فرهنگ عزیز! چه کسی به من و تو چشم داده تا دنیا را تماشا کنیم؟ چه کسی به من و تو زبان داده تا با دیگران حرف بزنیم؟ چه کسی خورشید زیبا را آفریده تا زمین ما را روشن کند؟ چه کسی ستاره‌ها را آفریده تا زینت‌بخش آسمان باشند؟ چه کسی پدر و مادر را آفریده تا ما در دنیا تنها نباشیم؟ چه کسی به ما دندان داده تا راحت‌تر بتوانیم از غذاهای روی زمین استفاده کنیم؟ چه کسی به ما پا داده تا روی زمین راه برویم و سفر کنیم؟ چه کسی خواب را قرار داده تا باعث راحتی و آسایش ما باشد؟ چه کسی برای خوشبخت شدن ما قرآن را فرستاده و امامان را آفریده است؟ چه کسی این همه میوه و خوراکی را برای ما آفریده است؟ جز خدا چه کسی است که اگر صدمبار هم اشتباه کنیم حاضر است عذرخواهی ما را بپذیرد؟ چه کسی جز خداست که یک کار خوب ما را ده برابر حساب می‌کند و اما یک گناه را فقط یکی؟ تازه آن یک گناه را هم با یک عذرخواهی کوچک می‌بخشد.

آیا جز خدا کسی را سراغ داری که این همه خوبی به ما کرده باشد تا بگوییم او از همه مهربان‌تر است؟ مادر مهربان است، ولی آفریننده مادر هم خداست. پدر مهربان است؛ ولی آفریننده پدر هم خداست. برادر و خواهر و پدربزرگ و مادربزرگ همه مهربانند، ولی آن‌ها را هم خدای مهربان آفریده است.

## برخورد خدا با فریب‌خوردگان . 3

در سؤال دیگری نوشته بودی: «اگر ما گول شیطان را بخوریم خدا با ما چه خواهد کرد؟» ببین دوست من، همه ما انسان‌ها ممکن است در زندگی اشتباه کنیم. خود من که الآن این پاسخ‌ها را برایت می‌نویسم، در طول عمرم خیلی اشتباه کرده‌ام. تقریباً همه دانش‌آموزها، در امتحان دیکته بعضی کلمات را غلط می‌نویسند. نباید از غلط نوشتن نگران باشیم. بلکه باید از تکرار آن غلط خودداری کنیم. در کارهای زندگی نیز همین طور است. اگر اشتباهی کردیم و گول شیطان را خوردیم، باید مواظب باشیم که دیگر آن اشتباه را تکرار نکنیم.

این طور نیست که با اولین خطا و گناه، خدا ما را یک راست به جهنم ببرد. او خیلی مهربان است. اگر ما از گناه خود پشیمان شویم، او به راحتی ما را می‌بخشد. در رحمت او به روی بندگان همیشه باز است. همین که بگویی: «خدایا مرا ببخش.» تو را می‌بخشد. در قرآن کریم، آیه‌های زیادی وجود دارد که ما را به توبه و پشیمانی از گناه دعوت می‌کند.

دوست ندارم گفتگو با تو را پایان دهم، اما چه کنم که باید به سؤال دیگر عزیزانی که سؤال فرستاده‌اند نیز پاسخ بدهم. در نامه بعدی‌ات حتماً برایم بنویس که این جواب‌ها تا چه اندازه برایت قابل استفاده بوده است.

## خدانگهدار

### نامه 10

- اگر اسلام واقعاً به حقوق زن‌ها اهمیت می‌دهد، چرا اجازه نداده که آن‌ها قاضی بشوند؟ 31.  
انجام کارهای خوب به این معنا نیست که ما از لذت‌های دنیا صرف نظر کنیم. پس چرا 32.  
کارهایی مثل رقص و آوازخوانی و دیدن نامحرم، حرام شده است؟  
چرا نباید ترانه گوش بدهیم؟ پس بیاییم هر روز نوار روضه گوش کنیم؟ 33.

## خواهر گرامی فاطمه

### سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسش‌هایی را که از شهر زیبای اصفهان فرستاده بودی، خواندم. البته پرسش‌هایت در دو برگه جداگانه به دستم رسید که من همه را یکجا پاسخ می‌دهم. سؤال‌های خوبی پرسیده بودی. ان شاءالله باز هم شاهد سؤال‌های خوب تو باشیم

### قاضی شدن زن‌ها 1

خواهرم! پرسش اولت مربوط به حقوق زنان بود. نوشته بودی: «الآن به زن‌ها خیلی ظلم می‌شود. اگر اسلام واقعاً به حقوق زن‌ها اهمیت می‌دهد، چرا اجازه نداده که آن‌ها قاضی بشوند؟» من هم قبول دارم که الآن در کل دنیا شاهد ظلم و ستم به زنان هستیم. حتی در کشورهای غربی که ادعای حفظ حقوق زنان را دارند، زنان با درد و رنج‌های بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند؛ به گونه‌ای که مشکلات آن‌ها چند برابر زنان مسلمان است؛ اما ببینیم اسلام تا چه اندازه در حفظ حقوق زنان گام برداشته است. حتماً می‌دانی که وقتی حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) به پیامبری انتخاب شد، مردم، دختران خود را زنده به گور می‌کردند و جامعه عرب هیچ ارزشی برای زنان قائل نبود و مسئولیت‌های سخت زندگی بر دوش زنان قرار داشت و اگر زن‌ها پولی به دست می‌آوردند باید در اختیار شوهرانشان قرار می‌دادند؛ اما اسلام همه این سنت‌های غلط را کنار گذاشت. قرآن کریم با صراحت، کشتن دختران را کاری نادرست خواند، حق داشتن مال و ثروت را برای زنان به رسمیت شناخت و ارزش و احترام انسانی آنان را به آنان بازگرداند. پرسیده‌ای که اگر اسلام واقعاً به حقوق زنان توجه داشته، چرا قاضی بودن را فقط حق مردان دانسته است؟ پاسخ آن است که اسلام، هر مسئولیتی را که به زن و مرد داده، به شرایط جسمی و روحی آنان توجه کرده است. مثلاً اسلام جهاد را تنها بر مردان واجب کرده است. آیا می‌دانی چرا فقط مردها باید به جبهه بروند و مبارزه کنند؟ حتماً می‌گویی زیرا قدرت بدنی مردها بیشتر است و برای جنگ و مبارزه آمادگی بیشتری دارند. پس اگر دیدی يك مسئولیتی بر دوش زنان یا مردان قرار گرفته یا از دوش آنان برداشته شده، به خاطر ویژگی جسمی و روحی آنان است شاید حکمت و فلسفه این که بسیاری از فقها معتقدند زن نمی‌تواند قاضی شود این باشد که قضاوت، کار بسیار دشواری است. قاضی خیلی وقت‌ها باید با متهمان و مجرمان و قاتلان و جانیان سرو کله بزند. زن‌ها احساسات لطیفی دارند که باید برای تربیت فرزندانشان به کار ببرند. این احساسات لطیف و پاک نباید در فضای پر فشار دادگاه‌ها لطمه ببیند. مردها برای تحمل بار سنگین و مسئولیت دشوار قضاوت آمادگی بیشتری دارند. پس حتی در این مورد هم اسلام به فکر زنان بوده و خیال آنها را از دردسرهای قضاوت راحت کرده است. به نظر تو اگر از نوجوانی که نمی‌تواند وزنه 500 کیلویی را بردارد خواهش کنیم، چنین وزنه‌ای را بلند نکند و کارهای راحت‌تر را انجام دهد آیا به او ظلم کرده‌ایم؟ مشکلاتی که قضاوت برای زنان دارد نیز همین گونه است.

البته یادآوری می‌کنم که ممنوعیت قضاوت زنان یکی از احکام قطعی اسلام نیست بلکه از فتاوی‌های مشهور است.

## اسلام و لذت‌های دنیا .2

در دوّمین پرسش نوشته بودی: «انجام کارهای خوب به این معنا نیست که ما از لذت‌های دنیا صرف‌نظر کنیم، پس چرا کارهایی مثل رقص و آوازخوانی و دیدن نامحرم، حرام شده است؟» من با قسمت اوّل حرفت کاملاً موافقم. مؤمن بودن و توجه به خوبی‌ها، به معنای آن نیست که از لذت‌های دنیا بهره نبریم. در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) گروهی زندگی عادی خود را رها کردند و یکسره مشغول عبادت و بندگی شدند. پیامبر عزیز ما، به شدت آنان را سرزنش کرد و آن‌ها را به خاطر کنار گذاشتن لذت‌های حلال، مورد انتقاد قرار داد.

چه کسی گفته که باید از لذت‌های دنیا دوری کنیم؟ آنچه در اسلام حرام شده، فقط بخش کوچکی از لذت‌هاست که آن هم دلیل دارد. خدا تماشای این همه منظره زیبای دنیا را حلال کرده و فقط نگاه کردن به نامحرمان را حرام ساخته است. خوردن این همه خوراکی‌های خوشمزه را حلال کرده و فقط تعدادی از غذاها را حرام شمرده است. گفتن این همه حرف‌های حسابی را حلال کرده و فقط بعضی از آن‌ها را حرام فرموده است. دوری از کارهای حرام، به معنای دوری از لذت‌ها نیست.

اما اگر می‌بینی برخی از لذت‌ها حرام شمرده شده، به خاطر آن است که این لذت‌ها سرانجام بدی دارند. حتماً بچه‌های کوچک را دیده‌ای که در روزهای عید، هرچه داستان می‌خواهد شیرینی و پسته و فندق می‌خورند و هرکس هم با این لذت‌جویی آن‌ها مخالفت کند، گوش نمی‌دهند. وقتی دندان درد گرفتند، آن موقع تازه می‌فهمند هر لذتی به سود آدم نیست.

به طور خلاصه باید بگویم که خیلی از مشکلات مردم و خیلی از طلاق‌ها و خیلی از قتل‌ها، ریشه در همان کارهای حرامی دارد که اسلام ممنوع کرده است. دوست دارم در این باره باز هم برایت بنویسم، ولی باید به پرسش‌های دیگر نوجوانانی که الان پرسش‌نامه‌هایشان در دست من است، نیز پاسخ دهم. اگر خواستی پیش‌تر بدانی، باز هم سؤال کن تا به خوبی برایت روشن کنم که اصلاً اسلام دین لذت است. البته لذتی که اسلام به ما می‌دهد، لذتی پایدار و بی‌دردسر و شامل هر دو جنبه روحی و جسمی است.

## گوش دادن به روضه و ترانه .3

از آنچه گفتم، پاسخ پرسش سوّم هم تا حدودی روشن می‌شود. در این پرسش نوشته بودی: «چرا نباید ترانه گوش بدهیم؟ پس بیایم هر روز نوار روضه گوش کنیم؟» خواهرم! گوش کردن موسیقی‌های حرام هم مثل بقیه گناهان، دل را سیاه و آدم را از خدا دور می‌کند و گذشته از این، باعث مُردن روح همت و غیرت در انسان می‌گردد. اما توجه داشته باش که اگر کسی به تو می‌گوید موسیقی حرام گوش نده، نمی‌گوید بیا هر روز نوار روضه گوش کن. یا اگر می‌گوید در جلسات گناه شرکت نکن، نمی‌گوید بیا بیست و چهار ساعت در مسجد باش. نه، این طور نیست. تو موسیقی حرام گوش نکن؛ ولی اشکالی ندارد اگر از موسیقی‌های حلال و شادی‌آوری که هنرمندان خوب کشورمان ساخته‌اند، استفاده کنی. در جلسات گناه شرکت نکن، ولی حتماً با خانواده‌ات به سفرهای تفریحی برو و حتماً از زیبایی‌های دنیا بهره ببر. این همه سرگرمی آموزنده و مفید وجود دارد. چه کسی گفته که اگر قرار باشد کار حرام نکنیم، مجبوریم فقط روضه؟! گوش بدهیم و گریه کنیم و به مسجد برویم؟

فاطمه خانم! تو یکی دو سؤال احکام هم داشتی. همان گونه که می‌دانی، ما در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فقط به پرسش‌های قرآنی پاسخ می‌دهیم. سؤال‌های شرعی خود را می‌توانی از دفتر مراجع بزرگوار تقلید بپرسی.

## خدانگهدار

### نامه 11

کدام سوره دو بسم الله دارد؟ 34.

کدام سوره بسم الله ندارد؟ 35.

چرا قرآن را به سی جزء و صد و بیست حزب تقسیم کرده‌اند؟ 36.

برادر گرامی مهدی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا شاد و سلامت باشی. پرسش‌های تو را که از استان اصفهان فرستاده بودی، خواندم.

آقا مهدی! آیا تا حال درباره معنای نام خودت فکر کرده‌ای؟ آیا می‌دانی کلمه «مهدی» به چه معناست؟ «مهدی» به معنی هدایت شده است. مهدی یعنی کسی که راه درست را پیدا کرده و به هدایت رسیده است. قرآن هم کتاب هدایت است. یعنی راه درست زندگی کردن را به ما می‌آموزد. پس چه خوب است تو که نامت «مهدی» است، با کتاب هدایت بیشتر آشنا شوی. اگر خوب قرآن را یاد بگیری و به آیه‌های آن عمل کنی، آن وقت نام مهدی (هدایت یافته) برای تو زیبنده‌تر و شایسته‌تر می‌شود. یعنی آن موقع مهدی بودن تو بیش‌تر آشکار می‌گردد. اگر هر روز یک گام در راه دوستی با قرآن برداری، یقین بدان که خیلی زود، دانستنی‌های مربوط به قرآن را فرا می‌گیری. پیشاپیش، انس و دوستی تو را با این کتاب عزیز تبریک می‌گویم.

سوره‌ای که دو بسم الله دارد . 1

برادرم! آن چه نوشتم، تنها مقدمه نامه‌ام بود و الآن وقت آن است که سؤال‌هایت را جواب بدهم. در نخستین سؤال نوشته بودی: «کدام سوره قرآن دو بسم الله دارد؟» پاسخ این سؤال، سوره 27 قرآن یعنی سوره نمل است. در این سوره یک بار در اول سوره و یک بار هم در آیه 30، جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است. «بسم الله» در آیه 30، مربوط به نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) است که نامه‌اش را با نام خدا آغاز کرده است. حضرت سلیمان (علیه السلام) این نامه را به ملکه سرزمین سبأ نوشت. وقتی نامه به دست ملکه رسید، آن را برای اطرافیان خواند و طبق آیه 30 سوره نمل این طور گفت: «این نامه از سلیمان و چنین است: «....بسم الله الرحمن الرحيم»

سوره بی بسم الله . 2

اما در دومین سؤال پرسیده بودی: «کدام سوره قرآن است که اصلاً بسم الله ندارد؟» پاسخ این سؤال، سوره نهم قرآن یعنی سوره توبه است. «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی به نام خداوند بخشنده مهربان. این جمله درباره رحمت و مهربانی خداست. چون سوره توبه با اعلام بیزاری از مشرکان و بت‌پرستان آغاز می‌شود و بیانگر خشم و غضب خدا نسبت به آنان است، بسم الله که آیه رحمت و مهربانی است در اول آن نیامده است. شاید خدا با این کار خواسته به مردم بفهماند که من آن قدر از بت‌پرستان خشمگینم که «بسم الله» اول سوره‌ها را در این سوره نمی‌آورم و سوره را با آیه رحمت شروع نمی‌کنم.

همان طور که می‌دانی ما 114 سوره داریم که در اول همه آن‌ها - به جز سوره توبه - بسم الله آمده است. با این حساب باید تعداد «بسم الله»‌های قرآن عدد 113 بشود؛ اما چون سوره نمل دو «بسم الله» دارد، تعداد «بسم الله»‌های قرآن با تعداد سوره‌های آن برابر می‌شود. پس ما 114 «سوره داریم و 114 «بسم الله الرحمن الرحيم».

### تقسیم قرآن به جزء و حزب . 3

اکنون به سوّمین پرسش تو می‌رسیم. در این سؤال خواسته بودی بدانی که «چرا قرآن را به سی جزء و صد و بیست حزب تقسیم کرده‌اند؟» برادرم! از آن‌جا که برخی از مسلمانان می‌خواستند هر ماه يك بار كلّ قرآن را بخوانند، آن را به سی بخش - به تعداد روزهای ماه - تقسیم کردند. به هر يك از این بخش‌های مساوی جزء گفته می‌شود. اما چون خواندن همه قرآن در يك ماه، برای خیلی‌ها سخت بود، هر جزء را هم به چهار قسمت مساوی که حزب نام دارد، تقسیم کردند. تقسیم به جزء و حزب براساس تعداد آیه‌ها نیست، بلکه این تقسیم براساس مقدار کلمات و عبارات صورت گرفته است. در قرآن‌های 600 صفحه‌ای، هر جزء تقریباً بیست صفحه و هر حزب حدوداً پنج صفحه است.

این دو نوع تقسیم در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وجود نداشته و پس از آن حضرت ایجاد شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، می‌توانی کتاب «تاریخ قرآن» نوشته آیه‌الله معرفت را مطالعه کنی.

خدانگهدار

### نامه 12

چرا در قیامت همه چیز وحشتناک است؟ 37.

کسی هست که در کودکی گناه کرده و بعد هم توبه کرده و حالا که به نوجوانی رسیده، نماز 38. می‌خواند؛ اما نگران است که مبادا خدا او را نبخشیده باشد و نمازش را قبول نکند. آیا نگرانی او به جا است؟

آیا امکان دارد انسان در همین دنیا به مجازات کارهای بد و پاداش کارهای خوب خود برسد؟ 39.

خواهر گرامی پریا

سلام

امیدوارم در پناه خدا سربلند و پیروز باشی. سه پرسش قرآنی تو را که از شهر زیبای نوشهر فرستاده بودی، خواندم. شاید چنین سؤال‌هایی به ذهن خیلی از دوستان و هم سنّ و سال‌های تو هم برسد. اگر در پاسخ‌هایی که برایت می‌نویسم خوب دقت کنی، می‌توانی بعدها این پاسخ‌ها را برای دوستان و آشنایانت هم بازگو کنی.

### وحشتناکی قیامت . 1

به ترتیب از همان پرسش اوّل شروع می‌کنم و همه را يك يك پاسخ می‌دهم. در اوّلین پرسشت نوشته بودی: «چرا در قیامت همه چیز وحشتناک است؟» خواهرم! آیا دیده‌ای که وقتی خانه کهنه و فرسوده‌ای را خراب می‌کنند تا به جای آن، ساختمان شیک و مستحکمی بسازند، چه اتفاقاتی می‌افتد؟ در خیلی از جاهای دنیا برای خراب کردن خانه‌های قدیمی از مواد منفجره استفاده می‌کنند. وقتی این خانه‌ها فرو می‌ریزند، چنان گرد و خاکی بلند می‌شود و چنان سروصدایی ایجاد می‌گردد که غیر از مهندسان و معماران و کارگرانی که از ماجرا خبر دارند، همه به وحشت می‌افتند. کسانی که این خانه‌های قدیمی را خراب می‌کنند به دنبال ترساندن دیگران نیستند، ولی چون می‌خواهند ساختمان جدیدی بسازند، باید ساختمان‌های قبلی را کاملاً ویران کنند.

ترسناک بودن قیامت هم همین طور است. خدا هنگام قیامت، می‌خواهد جهان جدیدی بسازد و وضعیت تازه‌ای به وجود آورد. البتّه کافرانی که در دنیا مشغول گناه بوده‌اند، از دیدن چنین صحنه‌هایی به وحشت می‌افتند. در آیه 26 سوره فرقان می‌خوانیم: «این روز (قیامت) روز

سختی برای کافران خواهد بود.» اما مؤمنانی که دل به خدا سپرده‌اند و می‌دانند این تغییرات به نفع آنان و زمینه‌ساز سعادت‌مند شدن آنان است چرا بترسند؟ در همان مثال قبلی، آیا صاحب آن ساختمان‌های کهنه که می‌داند این خرابی، زمینه‌ساز بهره‌مندی او از خانه‌های بهتر و با شکوه‌تری است، آیا از سروصدای ویران شدن خانه‌های کهنه می‌ترسد و نگران می‌شود؟ قرآن کریم در آیه 103 سوره انبیا می‌فرماید: «لَا يَحْزَنُهُمُ الْقَرْعُ الْأَكْبَرُ» ؛ «وحشت بزرگ (در قیامت)، آن‌ها (= مؤمنان نیکوکار) را اندوهگین نمی‌کند.» البته هر چه ایمان آدم بیش‌تر باشد، در روز قیامت آرام‌تر و راحت‌تر و مطمئن‌تر خواهد بود.

## نگرانی از بخشیده نشدن گناهان . 2

در دومین پرسشت نوشته بودی: «کسی در کودکی گناه کرده و بعد هم توبه کرده و حالا به نوجوانی رسیده و نماز می‌خواند؛ اما نگران است که مبادا خدا او را نبخشیده باشد و نمازش را قبول نکند. آیا نگرانی او به جاست؟» نمی‌دانم در پاسخ به این پرسش چه بگویم. وقتی خود خدا در قرآن کریم ما را به توبه دعوت می‌کند و وعده بخشش و آمرزش می‌دهد، چرا باید نگران بود؟ وقتی امامان عزیز ما که بهتر از هر کسی دین اسلام را می‌شناسند، در سخنان خود می‌فرمایند: «توبه کننده مانند کسی است که اصلاً گناهی ندارد» چرا باید نگران بود؟ خدا مهربان‌تر از این است که گناهکار پشیمان را مخصوصاً اگر نوجوان یا جوان باشد، نبخشد. متأسفانه بعضی‌ها فکر می‌کنند خدا يك پلیس بداخلاق و وحشتناك است که مدام دنبال جریمه کردن آدم‌هاست.

خواهرم! خدا از هر کسی دلسوزتر و مهربان‌تر است. این شیطان است که می‌خواهد بندگان خدا را از او ناامید کند. توبه یعنی جشن آشتی‌کنان انسان‌ها با خدا. شیطان نمی‌خواهد ما انسان‌ها با خدای مهربان و کریم، آشتی کنیم و با ناامید کردن ما، به دنبال برهم زدن جشن زیبای توبه است. پس نباید در دام شیطان بیفتیم و رحمت خدا را به فراموشی بسپاریم.

## بازتاب عمل آدم در دنیا . 3

حالا نوبت به آخرین پرسش قرآنی تو می‌رسد. پرسیده بودی: «آیا امکان دارد انسان در همین دنیا به مجازات کارهای بد و پاداش کارهای خوب خود برسد؟» در پاسخ باید بگویم که آری چنین چیزی امکان دارد و قرآن کریم هم آن را تأیید می‌کند. قصه‌های قرآن پر است از مواردی که انسان‌های خوب پاداش کار نیک خود را در همین دنیا دریافت می‌کنند و آدم‌های بد به کیفر کارهای زشتشان می‌رسند. برای نمونه خوب است قصه یوسف را بخوانی و ببینی چگونه یوسف، در همین دنیا مُزد پرهیزگاری خود را دریافت می‌کند و برادران او هم، به کیفر کار زشت خود می‌رسند.

شعراى خوش ذوق ایرانی، دنیا را به کوهی تشبیه کرده‌اند که وقتی رو به آن کنی و چیزی بگویی چه حرف خوب و چه حرف بد- به خودت برمی‌گردد. کارهای خوب و بد ما هم در همین دنیا گذشته از مجازات و پاداش آخرت- بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند. یکی از شاعران چنین

سروده است:

من در کمرکش کوه\*\*\*خوشحال می‌دویدم  
ناگاه از دل کوه\*\*\*صدای پا شنیدم  
صدای پای خود را\*\*\*من می‌شنیدم از کوه  
وقتی که می‌دویدم\*\*\*بر سنگ‌های انبوه  
مثل صدا و کوه است\*\*\*اعمال ما و دنیا  
آید به سوی ما باز\*\*\*هر کار زشت و زیبا  
خدانگهدار



### نامه 13

- تفسیر قرآن چیست؟ 40.  
الم» به چه معناست؟ 41.

برادر گرامی سید میلاد  
سلام علیکم

انشاءالله در پناه خدا سالم و سربلند باشی و در کنار حرم حضرت عبدالعظیم، برای من و همکارانم نیز دعا کنی. امیدوارم قدر سرزمینی را که در آن زندگی می‌کنی، بدانی. شهر ری، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علوم اسلامی در قرن‌های گذشته بوده و عالمان بسیاری را در خود پرورش داده است. در شهر ری، همچنین مزار و مقبره بسیاری از بزرگان دین و معنویت وجود دارد. عالم بزرگ شیعه شیخ صدوق، ابوالفتوح رازی، ملاعلی کنی، رجبعلی خیاط و آیه‌الله شاه آبادی. استاد امام خمینی. از جمله بزرگانی هستند که در شهر ری به خاک سپرده شده‌اند. شهر شما همچنین، در طول هشت سال دفاع مقدس ملت ایران در مقابل صدام و اربابانش، شهدای بسیاری را تقدیم کرده که نام آن عزیزان، اکنون زینت‌بخش کوچه‌های شهر ری است.

#### معنی تفسیر قرآن . 1

برادرم! پس از این مقدمه، به سؤال‌های قرآنی تو می‌رسیم. در نخستین سؤال خود نوشته بودی: «تفسیر قرآن چیست؟» اگر خیلی آسان بخواهم به سؤالت جواب بدهم باید بگویم که تفسیر یعنی توضیح دادن و شرح کردن آیات قرآن. حتماً در کلاس درس دیده‌ای که معلم، مطالب کتاب را چگونه برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. او برای آشنا کردن دانش‌آموزان با یک درس، گاه ساعت‌ها سخن می‌گوید و نکات درس را با تلاش بسیار به آن‌ها یاد می‌دهد. تفسیر قرآن، تقریباً شبیه کاری است که معلم‌ها در کلاس انجام می‌دهند.

یک مفسر قرآن، معنای دقیق هر آیه را بیان می‌کند، ارتباط آن را با آیه‌های دیگر روشن می‌سازد، اگر لازم بداند درباره کلمات آن آیه توضیح می‌دهد، گاه درباره زمان و مکان نزول آیه بحث و بررسی می‌نماید و خلاصه آن که سعی می‌کند خوانندگان تفسیر را، به خوبی با آن آیه آشنا سازد. اگر توانستی، یکی از کتاب‌های تفسیری آقای قرآنی را بخوان تا با معنای تفسیر بهتر آشنا شوی.

#### «معنی» الم . 2

اما در دومین سؤال خود پرسیده بودی: «الم به چه معناست؟» سید عزیز! یکی از کارهای مفسران - که موضوع سؤال قبل تو بود - بیان معنی این گونه کلمات و پاسخ دادن به همین سؤال‌هاست. «الم» و دیگر کلمات شبیه آن مانند «الم، یس، طه، ق» و... به «حروف مقطعه» مشهورند. یعنی باید این کلمات را قطعه قطعه و جدا جدا خواند. مثلاً «الم» این طور خوانده می‌شود: «الف - لام - میم».

مفسران قرآن درباره این کلمات که در آغاز 29 سوره قرآن آمده‌اند؛ مطالب بسیاری گفته و نوشته‌اند و درباره معنای آن‌ها، نظرات گوناگونی دارند. بسیاری از مفسران، حروف مقطعه را رمزی میان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌دانند که فقط خود خدا و حضرت محمد از آن رمز و معنای دقیق حروف مقطعه باخبرند. پس ما نمی‌توانیم یک معنای معین و مشخص برای این گونه کلمات بیان کنیم.

تفسیر دیگری که در این باره وجود دارد این است که خداوند در ابتدای برخی از سوره‌ها چند حرف از حروف الفبا را آورده تا به مردم یادآوری کند، قرآنی که همه انسان‌ها از آوردن مثل آن

ناتوانند با همین حروف الفبا که در دسترس همه قرار دارد تألیف شده است. بنابراین اگر انسان‌ها نمی‌توانند حتی مانند یک سوره از قرآن سوره‌ای بیاورند باید بدانند که قرآن از طرف خداوند نازل شده است. سخن درباره حروف مقطعه بسیار است. اگر مایل بودی پیرامون این موضوع، اطلاعات بیش‌تری به‌دست آوری، می‌توانی در نامه بعد بپرسی تا برایت بنویسم

خدانگهدار

#### نامه 14

با آن که اولین سوره نازل شده سوره علق است، پس چرا سوره حمد در اول قرآن قرار دارد؟

چرا قرآن فقط در مکه یا فقط در مدینه نازل نشده است؟ 43.

چرا سوره عنکبوت را عنکبوت نامیده‌اند؟ 44.

خواهر گرامی هُما

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسش قرآنی تو را خواندم. پرسش‌های خوبی فرستاده بودی. سه برگه پرسشنامه هم برایت می‌فرستم که دو تای آن را به دوستانت بدهی و یکی را نیز برای خودت برداری و باز هم سؤال‌های خوب و دقیقت را با ما در میان بگذاری خواهرم! قدر عمرت را بدان و از همین حالا که دوازده سال بیش‌تر نداری، دوستی با قرآن را آغاز کن. هیچ کس از همنشینی با قرآن پشیمان نشده است. خواندن آیات نورانی این کتاب عزیز، مطالعه قصه‌های شیرین آن و شرکت در جلسات حفظ و قرائت قرآن، سه راه آشنایی با قرآن کریم است. اگر هر روز مقدار کمی از وقت را به انجام کارهایی که گفتم، اختصاص دهی، بعد از مدتی می‌بینی که چیزهای زیادی درباره قرآن آموخته‌ای و حتی می‌توانی، به پرسش‌های دوستان هم سن و سالت درباره قرآن هم جواب بدهی. پس فرصت را از دست نده که به فرموده امام علی(علیه السلام)، فرصت مانند گذشتن ابر، می‌گذرد.

علت قرار گرفتن سوره حمد در اول قرآن . 1

پس از این مقدمه، به سؤال‌های تو می‌رسیم. در پرسش نخست خود نوشته بودی: «با آن که اولین سوره نازل شده سوره علق است، پس چرا سوره حمد در اول قرآن قرار دارد؟» پاسخ آن است که ترتیب نازل شدن قرآن با ترتیب فعلی قرآن فرق دارد. یعنی این طور نبوده که اگر سوره علق اول نازل می‌شده، در اول قرآن قرار می‌گرفته است. به نظر بسیاری از دانشمندان مسلمان از جمله آیه‌الله خویی(قدس سره) و آیه‌الله حسن زاده آملی، قرآنی که ما اکنون در دست داریم، به دستور پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) این گونه مرتب گشته است. یعنی پس از نازل شدن هر آیه و هر سوره، رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) جایی را برای آن آیه یا آن سوره مشخص می‌کرده‌اند. پس از همان زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، چنین نبوده که سوره‌ها را به ترتیب نازل شدن در کنار هم بچینند.

حتماً حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) برای قرار دادن هر سوره در جای مخصوص آن دلیلی داشته‌اند. اگر می‌بینی سوره حمد در اول قرآن قرار داده شده، شاید به خاطر آن باشد که در این سوره کوچک، اصلی‌ترین مطالب قرآن بیان شده است. این سوره هم خدانشناسی دارد، هم از قیامت یاد می‌کند و هم راه درست زندگی را به ما می‌آموزد. این سوره مثل فهرستی که در اول کتاب‌ها قرار می‌دهند، اصلی‌ترین مطالب قرآن را در خود جای داده است.

تفاوت مکان نزول سوره‌ها . 2

اما در دوّمین پرسش نوشته بودی: «چرا قرآن فقط در مکه یا فقط در مدینه نازل نشده است؟»  
خواهرم! حتماً می‌دانی که آیه‌های قرآن در طول 23 سال بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است. از این 23 سال، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سیزده سال را در مکه و ده سال را هم در مدینه زندگی کرده‌اند. پس به طور طبیعی، زمانی که ایشان در مکه بوده‌اند، آیات قرآن هم در مکه نازل شده و مدتی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مدینه بوده‌اند، آیات قرآن همان‌جا بر حضرت نازل شده‌اند. در نتیجه، سوره‌های قرآن به دو بخش مکی (نازل شده در مکه) و مدنی (نازل شده در مدینه) تقسیم می‌شوند.

### علت نامگذاری سوره عنکبوت . 3

در سؤال سوّم از علت نامگذاری سوره «عنکبوت» به این نام پرسیده بودی. اگر آیه 41 این سوره را بخوانی، پاسخ خود را خواهی گرفت. در قرآن دو بار کلمه عنکبوت آمده که هر دو بار در همین آیه است. نمی‌دانم آیا خانه عنکبوت را دیده‌ای یا نه؟ این حیوان کوچک، خانه‌اش را به وسیله تارهای سست و نرمی که خودش می‌بافد، درست می‌کند. خانه عنکبوت آن قدر نرم است که با کمترین فشار دست از بین می‌رود. خدا در آیه 41 سوره عنکبوت، کسی را که به جای پرستش خدا، بت‌پرستی می‌کند، به عنکبوتی تشبیه کرده که در خانه‌ای سست و نابود شدنی قرار دارد. خدا در این آیه می‌خواهد بگوید بت‌هایی که شما به آن‌ها پناه می‌برید، مانند همان خانه عنکبوت است که به راحتی نابود می‌شود. انسان عاقل نباید چنین جای سستی را پناهگاه خود قرار دهد. البته این آیه فقط مربوط به بت‌پرست‌ها نیست. هر کس که در زندگی به جای تکیه و توکل و اعتماد به خدا به دیگران تکیه کند، او نیز به لانه عنکبوت پناه برده است. تنها باید به خدا امید بست و فقط باید بر او توکل کرد و به او پناه برد.

### خدانگهدار

### نامه 15

تفسیر سوره حمد را بنویسید. 45.

آیا همراه داشتن قرآن در دست‌شویی اشکال دارد؟ 46.

آیا می‌توان بدون وضو به قرآن دست زد؟ 47.

برادر گرامی شاهپور

سلام علیکم

امیدوارم در سایه لطف و رحمت خدا موفق و پیروز باشی. پرسش‌های خوب تو را خواندم. اگر توانستی، پاسخ‌هایی را که برایت می‌فرستم، برای دوستان هم بخوان تا آنان نیز از این جواب‌ها استفاده کنند. شاید سوال‌هایی که تو پرسیده‌ای، به ذهن آن‌ها هم آمده باشد.

### تفسیر سوره حمد . 1

برادرم! در سؤال اولت، خواسته بودی تفسیر سوره حمد را برایت بنویسیم. پیش از پرداختن به تفسیر این سوره، باید بگویم که تفسیر این سوره در يك نامه چند صفحه‌ای ممکن نیست. مفسران قرآن کریم، در تفسیر این سوره مطالب فراوانی نوشته‌اند و برخی از آنان، حتی کتاب جداگانه‌ای در تفسیر آن منتشر ساخته‌اند. ان شاءالله در آینده‌ای نه چندان دور، خودت بتوانی سخنان مفسران را بخوانی و به طور مفصل، تفسیر این سوره را فرا بگیری. اما برای آن که درخواست تو را رد نکرده باشم، درباره هر کدام از آیه‌های این سوره، توضیح مختصری می‌نویسم. البته آن چه می‌خوانی، می‌تواند يك نوع تفسیر کوتاه و گویا از سوره حمد حساب شود. و تو را تا اندازه‌ای با تفسیر آن، آشنا سازد.

همان طور که می‌دانی، سوره حمد اولین سوره قرآن کریم است و به همین خاطر آن را «فاتحة الكتاب» (آغازگر قرآن) نامیده‌اند. این سوره دوبار بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است؛ یک بار در مدینه و بار دیگر در مکه. خواندن آن ثواب زیادی دارد و واجب است آن را در همه نمازها بخوانیم. این سوره، فهرستی از مطالب قرآن کریم در خود جای داده است. هم از خدشناسی سخن می‌گوید، هم از قیامت حرف می‌زند و هم از بندگی خدا سخن به میان می‌آورد و هم به دور راه نیک و بد که پیش روی همه ما انسان‌هاست، اشاره می‌کند. حال یک بار آیات این سوره را با هم مرور می‌کنیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان»

اولین نکته‌ای که از این سوره می‌آموزیم آن است که باید همه کارهایمان را با نام خدا آغاز کنیم. وقتی به مدرسه می‌رویم، وقتی غذا می‌خوریم، وقتی می‌خواهیم، وقتی می‌نویسیم و خلاصه به هر کاری که مشغول می‌شویم باید نام خدا را بر زبان آوریم.

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ» ؛ ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است»

وقتی گل زیبایی را می‌بینی، وقتی درخشندگی ستاره‌ها را می‌بینی، وقتی به هنر زنبور عسل در ساختن عسل می‌اندیشی، وقتی به قدرت خورشید در روشن و گرم کردن زمین فکر می‌کنی، در دلت همه این‌ها را ستایش می‌کنی. اما در حقیقت تو به مدح و ستایش خدا پرداخته‌ای؛ زیرا همه این‌ها آفریده‌های او هستند. فرض کن تو کاردستی زیبایی بسازی و به مدرسه ببری.

همکلاسی‌هایت که از کاردستی تو تعریف می‌کنند، اگر خوب فکر کنی از هنر تو تعریف و تمجید می‌کنند؛ زیرا تو سازنده آن کاردستی بوده‌ای. آیه «الحمد لله...» هم می‌خواهد بگوید که ستایش واقعی تنها برای خدا و شایسته اوست؛ زیرا همه چیز را او آفریده و همه زیبایی‌های این جهان، نشانه قدرت و علم و هنرمندی پروردگار است.

«الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مٰلِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ» ؛ بخشنده و مهربان است. صاحب روز جزاست»

با آن که در خود بسم الله ابتدای سوره، کلمات «رحمان و رحیم» آمده بود، اما برای آن که ما به رحمت بی‌پایان خدا بیش‌تر توجه کنیم، این دو کلمه تکرار شده‌اند. در کنار بیان این رحمت، به همه می‌فهماند که گرچه خدا بسیار مهربان است؛ ولی صاحب روز جزا (قیامت) نیز هست. بنابراین کسی نباید به بهانه رحمت خدا، به گناهان روی آورد. آدمی که گناه می‌کند، در حقیقت به دست خودش، خودش را از رحمت خدا محروم می‌کند.

«إِیَّاكَ تَعْبُدُ وِإِیَّاكَ تَسْتَعِیْنُ» ؛ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم»

درسی که از این آیه می‌گیریم آن است که مؤمن، هرگز غیر خدا را نمی‌پرستد و برای دنیا، خود را نزد مردم خوار و ذلیل نمی‌سازد. البته مبادا خیال کنی که ما نباید از دیگران کمک بگیریم. نه، هیچ اشکالی ندارد که ما از دیگران هم کمک بخواهیم؛ ولی باید بدانیم که آن‌ها نیز یک بنده خدایند. و اگر خدا نخواهد، بندگان هم قدرت یاری ما را نخواهند داشت.

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ صِرَاطَ الَّذِیْنَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ» ؛ ما را به راه راست هدایت کن، راه آنان که از نعمت خود برخوردارشان ساختی، نه آنان که مورد خشم تو قرار گرفته‌اند و نه گمراهان.

این سوره با یک دعای بسیار مهم پایان می‌پذیرد. ما از خدا می‌خواهیم که او هدایتمان کند؛ زیرا آن قدر خطرات پیش روی ماست که جز با یاری او نمی‌توانیم به سعادت برسیم. از او می‌خواهیم که ما را به راه همان کسانی که به آنان از نعمت هدایت خود عنایت کرده، هدایت کند و در مقابل، ما را از کسانی که مورد خشم او هستند و نیز از گمراهان قرار ندهد.

این توضیحات اندک را فعلاً به خاطر بسپار تا اگر فرصت دیگری پیش آمده باز هم درباره این سوره با هم گفتگو کنیم.

همراه داشتن قرآن در برخی جاها و دست زدن به قرآن . 2

پاسخ دو سؤال بعدی تو کوتاه است. در یکی از این دو پرسش نوشته بودی: «آیا همراه داشتن قرآن در دستشویی اشکال دارد؟» در پرسش دیگری هم خواسته بودی بدانی: «آیا بدون وضو می‌توان به قرآن دست زد؟» در پاسخ به پرسش اولت باید بگویم که برادرم! همراه داشتن قرآن کار خوبی است؛ ولی باید مواظب باشی که احترام این کتاب عزیز همیشه رعایت شود. همراه بردن آن به دستشویی اگر با حفظ احترام آن صورت بگیرد، اشکالی ندارد. مثلاً اگر در جیب بغل بکت قرار داشته باشد، بی‌احترامی به این کتاب آسمانی حساب نمی‌شود.

پاسخ دومین سؤال هم این است که تماس بدن با آیات قرآن، برای کسی که وضو دارد، بی‌اشکال است؛ اما کسی که وضو ندارد، حرام است که به نوشته‌های قرآن دست بزند. البته اگر کسی حواسش نبود و بدون وضو دست به خط قرآن زد، گناهی نکرده است. ضمناً دست زدن به جلد قرآن و گوشه و کناره ورق‌های آن که بر آن مطلبی نوشته نشده، اشکال ندارد.

خدانگهدار

### نامه 16

چه سوره‌هایی سجده واجب دارند و چرا؟ 48.

چرا قرآن یکبار بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل نشد؟ 49.

چرا در قرآن همیشه به فرزندان توصیه شده که به پدر و مادرشان نیکی کنند؛ اما به پدر و 50.

مادرها سفارش نشده که به فرزندان خود نیکی کنند؟

خواهر گرامی هاجر

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسشی را که فرستاده بودی خواندم. پرسش‌های خوبی بود. بی‌هیچ مقدمه‌ای، یک‌راست سراغ سؤال‌هایت می‌روم و تک‌تک آن‌ها را جواب می‌دهم. ان شاءالله باز هم شاهد پرسش‌های خوب قرآنی تو باشیم. سؤال خوب، کلید رسیدن به یک دانش ارزشمند است. پس سؤال‌هایی را که به ذهنت می‌رسد قدر بدان و تا جواب آن‌ها را نیافته‌ای، از پیگیری و تلاش علمی دست بردار.

سجده‌های واجب در قرآن . 1

خواهر گرامی! در پرسش اولت نوشته بودی: «چه سوره‌هایی از قرآن سجده واجب دارند و چرا؟» چهار آیه در چهار سوره قرآن وجود دارد که هرگاه یکی از این آیه‌ها را بخوانیم یا به آن گوش دهیم، باید فوراً سر به سجده بگذاریم. این آیه‌ها عبارتند از:

1. آیه 15 سوره سجده

2. آیه 37 سوره فصلت

3. آیه 62 سوره نجم

4. آیه 19 سوره علق

علت آن که با خواندن این آیه‌ها باید به سجده برویم آن است که در این آیه‌ها، خدا ما را به سجده فرمان داده است. اگر ترجمه این آیه‌ها را بخوانی، پاسخ سؤالت روشن‌تر خواهد شد.

علت نزول تدریجی قرآن . 2

اما در دومین پرسشت نوشته بودی: «چرا قرآن یک مرتبه بر پیامبر نازل نشد؟» حتماً منظورت این است که چرا جبرئیل نیامد کل قرآن را در یک روز یا یک هفته، از اول تا آخر نازل کند و برای

پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) بخواند؟ در پاسخ به این سؤال، دلایل گوناگونی را می‌توان برشمرد که من تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

1. مردم روزگار پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) بت‌پرست بودند و هیچ‌گونه آشنایی با احکام دین و اخلاق اسلامی نداشتند. آنان دخترانشان را زنده به گور می‌کردند، به نظافت و بهداشت اهمیت نمی‌دادند، به شکل بی‌رحمانه‌ای با یکدیگر می‌جنگیدند، از علم و دانش بی‌بهره بودند، برای زنان ارزشی نمی‌گذاشتند و خلاصه آن که در وضعیت بسیار پست و نادرستی به سر می‌بردند. اگر قرآن و دستورهای خدا یکجا نازل می‌شد، این مردم، آن را قبول نمی‌کردند. خدا آیه‌های قرآن را به تدریج نازل کرد تا مردم را آهسته آهسته از بدی‌ها و زشتی‌ها جدا کند.
2. هرگاه آیات قرآن بر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نازل می‌شد و رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) آن را برای مسلمانان می‌خواند، آنان به لطف و رحمت خدا دلگرم‌تر می‌شدند و بر ایمانشان افزوده می‌شد. فرض کن تو دوست مهربانی داری که ماهی یک بار برای تو نامه می‌نویسد و حال تو را می‌پرسد و تو را با این کار خوشحال می‌کند. آیا تو هیچ توقع داشتی که او به جای آن که هر ماه یک نامه بنویسد، یک باره ده‌ها نامه برایت پست کند؟ نازل شدن آیات قرآن در زمان پیامبر هم همین‌طور بود. هر بار که آیه‌ای نازل می‌شد، مسلمانان خوشحال می‌شدند و روحیه‌ای دوباره می‌گرفتند. اگر قرآن در یک روز یا یک هفته نازل می‌شد، دیگر بر مسلمانان که به بشارت‌ها و دلگرمی‌های خداوند نیاز داشتند، چنین اثری نمی‌گذاشت.
3. بسیاری از آیه‌های قرآن به یک موضوع و یک مطلب مشخص مربوط می‌گردد. مثلاً آیاتی از قرآن مربوط به جنگ بدر، آیه‌هایی درباره قصه مباحله و برخی آیات هم مربوط به واقعه غدیر خم است. به نظر تو اگر آیه‌های مربوط به جنگ بدر قبل از جنگ بدر نازل می‌شدند، مناسب بود؟ اما وقتی حادثه‌ای اتفاق می‌افتاد و همه منتظر بودند که سخن خدا را درباره آن بشنوند، قطعاً تأثیر بیش‌تری بر مردم آن زمان می‌گذاشت.

علت عدم توصیه قرآن به توجه به فرزندان . 3

حال به آخرین سؤال تو می‌رسیم. در این سؤال نوشته بودی: «چرا در قرآن همیشه به فرزندان توصیه شده که به پدر و مادرشان نیکی کنند؛ اما به پدرها و مادرها سفارش نشده که به فرزندان خود نیکی کنند؟»

ببین خواهرم! قرآن کریم، از همه ما خواسته که به یکدیگر نیکی کنیم و رفتار دوستانه و مهربانانه‌ای با هم داشته باشیم. در این فرمان قرآن، فرقی میان پدر و مادر و فرزندان و بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها نیست. در آیه 77 سوره قصص می‌فرماید: «همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده، تو نیز نیکی کن.» همچنین در آیه 29 سوره فتح هم وقتی از یاران پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) سخن می‌گوید، آن‌ها را این‌گونه ستایش می‌کند: «محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و محکم و در میان خود مهربانند.» در آیه 83 سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛ «با مردم به نیکی سخن بگویید.» براساس این سه آیه و دیگر آیات قرآن کریم، همه مسلمانان باید با هم مهربان باشند و به یکدیگر نیکی کنند. همسایه با همسایه، دوست با دوست، همسران با هم، معلم با شاگرد، پدر و مادر با فرزند، فرمانده با سرباز و خلاصه همه باید با هم با دوستی و مهربانی رفتار کنند.

اگر می‌بینی قرآن، بر نیکی به فرزندان خیلی تأکید نکرده، به خاطر آن است که پدر و مادر، به طور طبیعی به فرزندان خود نیکی می‌کنند و نیازی به تأکید زیاد نبوده است. مادر، نه ماه رنج نگهداشتن فرزند در شکم خود را تحمل می‌کند و هنگام تولد کودکش نیز درد و رنج شدیدی را به جان می‌خورد. پس از تولد فرزند نیز شب و روز به نگهداری از او می‌پردازد و از شیرش که بخشی از وجود اوست. به فرزندش می‌دهد. پدر نیز با تلاش فراوان و کار زیاد، خرج زندگی

همسر و فرزندان را فراهم می‌کند. تا کسی خودش صاحب فرزند نشود، نمی‌فهمد که بزرگ کردن بچه چه قدر زحمت دارد.  
قرآن کریم، بر نیکی فرزندان به پدر و مادر بیش‌تر سفارش کرده؛ زیرا فرزندان، گاهی زحمت‌های پدر و مادر را فراموش می‌کنند و به خاطر جوانی و بی‌تجربه‌گی، حق پدر و مادر خود را از یاد می‌برند.

گذشته از این‌ها، در قرآن کریم و سخنان چهارده معصوم، درباره توجه به حق فرزندان هم مطالب زیادی آمده است. در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، افراد زیادی بودند که دخترانشان را زنده به گور می‌کردند. قرآن کریم در چندین آیه، مردم را از این کار زشت بازداشت و از دختران مظلوم و بی‌گناه دفاع کرد. آیه 31 سوره اسراء، آیه 140 سوره انعام، آیه 58 و 59 سوره نحل و آیه 12 سوره ممتحنه در همین باره است.  
در سخنان چهارده معصوم نیز از پدرها و مادرها خواسته شده که فرزندانشان را دوست بدارند، با آن‌ها به عدالت رفتار کنند، نام خوب بر آن‌ها بگذارند و به آن‌ها مطالب خوب یاد بدهند.  
مخصوصاً درباره دخترها، بیش‌تر سفارش کرده‌اند. از نظر اهل‌بیت (علیهم السلام)، دختر گل خوشبویی است که باید آن را بویید و حسنه‌ای است که پاداش رفتار نیکو با او، در امان ماندن از آتش جهنم و ورود در بهشت است. از نگاه اهل‌بیت (علیهم السلام)، دختر نه يك نان‌خور مزاحم، بلکه فرزندی است مبارك و دوست داشتنی که مونس لحظه‌های دل‌تنگی پدر می‌شود. آیا همین آیات و همین احادیث، برای آن که پدر و مادرها، رفتار خوبی با فرزندانشان داشته باشند، کافی نیست؟

خدانگهدار

**نامه 17**

آیا فرار از خانه کار درستی است؟ 51.

برادر گرامی مجتبی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا پیروز و سربلند باشی. پرسش‌هایی را که از شهر آران فرستاده بودی خواندم. گمانم اولین باری است که پرسش‌هایت را برای من و همکارانم می‌فرستی. در هر حال خوشحالم که يك نوجوان دیگر به جمع پرسش‌گران ما اضافه شده است. البته مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تنها به سوال‌هایی پاسخ می‌دهد که به گونه‌ای، به قرآن کریم مربوط باشند. سوال‌های تو برادر خوبم بیش‌تر مربوط به مسائل شرعی می‌شد که باید از دفتر مراجع بزرگوار تقلید بگیری.

ان شاءالله بار دیگر که پرسش‌نامه‌ای برای ما فرستادی، فقط سوال‌های قرآنی‌ات را در آن بنویس. در این جا آدرس دو مرکز پاسخ‌دهی به سوالات غیر قرآنی و شماره تلفن دفتر مقام معظم رهبری در قم را برای تو ذکر می‌کنم:

قم، دفتر آیت الله خامنه‌ای 0251-7474؛ 1.

قم، پاسخ به سوالات دینی دفتر تبلیغات اسلامی، ص - پ 197. 2.

قم، مؤسسه در راه حق ص - پ 137؛ 3.

اگر موافق باشی من این بار فقط به آخرین سوالت که می‌تواند سوالی قرآنی شمرده شود، پاسخ دهم.

فرار از خانه . 1



این پرسش درباره فرار از خانه بود. نوشته بودی: «آیا فرار از خانه کار درستی است؟» ببین آقا مجتبی! کسانی که از خانه فرار می‌کنند سه ویژگی دارند:

اول آن که در خانه با بعضی سختی‌ها و مشکلات رو به رو هستند.

دوم آن که این مشکلات آنان را به یأس و ناامیدی رسانده است.

و سوم آن که درباره عاقبت فرار از خانه درست فکر نمی‌کنند.

درباره هر يك از این سه ویژگی، بیا قدری فکر کنیم تا ببینیم پاسخ سؤال تو چه خواهد شد. در مورد ویژگی اول باید بگویم که همه انسان‌ها با مشکلات و سختی‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند.

به قول شاعر:

در این عالم کسی بی غم نباشد\*\*\* اگر باشد بنی آدم نباشد

اگر قصه‌های قرآن را خوانده باشی، حتماً دیده‌ای که بهترین بندگان خدا هم در دنیا با سختی‌های زیادی روبه‌رو شده‌اند و رنج‌های بسیاری کشیده‌اند. حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت ایوب، حضرت یوسف، حضرت عیسی، حضرت موسی و از همه بالاتر پیامبر عزیز خودمان حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم)، در دنیا خیلی مصیبت دیده‌اند. ما نباید از سختی‌ها و مشکلات بترسیم و با دیدن چند آذیت و آزار، به کارهای نادرست دست بزنیم.

درباره دومین ویژگی هم بدان که هیچ مسلمانی نباید ناامید بشود. قرآن کریم، مدام به مؤمنان دلگرمی می‌دهد و آنان را از یأس و ناامیدی بر حذر می‌دارد. کسی که به خدا ایمان داشته باشد، نباید ناامید شود. قرآن کریم با بیان داستان زندگی پر اُفت و خیز حضرت یوسف و زندگی برخی دیگر از پیامبران- به همه ما نشان داده که حتی اگر گروهی از مردم بر ضد انسان مؤمن نقشه بکشند و آذیتش کنند، تا خدا نخواهد آسیبی به او نخواهد رسید.

نومید مشو نگو که امید نماند\*\*\* کس در غم روزگار جاوید نماند

اما سومین ویژگی آدم‌هایی که از خانه فرار می‌کنند آن است که به سرانجام چنین کاری خوب نمی‌اندیشند. این‌ها فکر نمی‌کنند که پس از فرار از خانه، در دام چه افراد خطرناکی می‌افتند. پدر و مادر، شاید گاهی از دست ما عصبانی بشوند و بر سرمان فریاد بزنند و ما را از بعضی تفریح‌ها و سرگرمی‌ها محروم کنند، اما هر چه باشد ما را دوست دارند. آن‌ها برای ما زحمت کشیده‌اند و علاقه دارند که ما خوشبخت بشویم. با فرار از دست این فرشته‌های مهربان، در دام شیطان‌های بی‌رحم، گرفتار می‌شویم.

می‌دانم که گاهی، تحمل بعضی شرایط بسیار سخت می‌گردد و به قول معروف، آدم کاسه صیرش لبریز می‌شود؛ اما نباید بدون فکر کردن درباره عاقبت يك کار، آن را انجام داد. خانواده، امن‌ترین جا برای فرزندان است. هیچ يك از کسانی که از خانه فرار کرده‌اند، به نتیجه خوبی نرسیده‌اند. ما نباید اشتباه دیگران را تکرار کنیم.

خدانگهدار

### نامه 18

تعداد آیه‌ها، کلمات و حروف قرآن را بنویسید. 52.

خواندن آیه‌الکرسی چه ثوابی دارد؟ 53.

آیا دعای عهد در قرآن آمده است؟ 54.

خواهر گرامی زینب

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سربلند و پیروز باشی. پرسش‌های تو را که از سرزمین پر برکت خراسان و شهر فردوس فرستاده بودی، خواندم. تلاش می‌کنم که پاسخ‌های مناسبی برای این سه پرسش بنویسم. اما در آغاز، حدیث زیبایی را به تو هدیه می‌دهم تا در راه دوستی با قرآن کریم، جدی‌تر و مصمم‌تر شوی. حدیث مورد نظر من از حضرت سجّاد (علیه السلام) است که فرموده‌اند: «آیه‌های قرآن گنجینه‌های دانش‌اند؛ پس هرگاه گنجینه‌ای را گشودی، سزاوار است که درباره آن ببیندیشی.» نکته اصلی این حدیث، دعوت ما به اندیشیدن درباره آیه‌های قرآن است. ببین خواهیم! خواندن قرآن، عبادت بسیار باارزشی است؛ اما چه خوب است که این عبادت، با فکر و اندیشه همراه باشد. خدا قرآن را فرستاده که راه درست زندگی کردن را بیاموزیم و این جز با فکر کردن درباره سخنان خداوند ممکن نمی‌شود. قرآن را بخوان، آیات آن را حفظ کن، با معماهای قرآنی آشنا شود؛ ولی مبدا از فکر کردن درباره آیه‌های نورانی این کتاب عزیز غافل شوی.

### تعداد آیه‌ها، کلمه‌ها و حروف قرآن . 1

حال که این حدیث را خواندی، نوبت پاسخگویی به پرسش‌های توست. در اولین پرسش خود، تعداد آیه‌ها، کلمه‌ها و حروف قرآن را خواسته بودی. خواهیم! دانشمندان مسلمان برای به دست آوردن اطلاعات موردنظر تو، تلاش‌های زیادی کرده‌اند؛ ولی هنوز هم در بین آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف هم دلیل دارد. نوع خطی که قرآن با آن نوشته می‌شود، اختلاف در تعیین کلمات و چگونگی جدا کردن آیه‌ها، از جمله دلایل اختلاف نظر دانشمندان است. با این همه، نظر درست‌تر درباره تعداد آیه‌های قرآن عدد 6236، درباره تعداد کلمات قرآن عدد 77437 و درباره تعداد حروف قرآن عدد 321180 یا 322770 است. برای تکمیل اطلاعات آماری تو باید بگویم که تعداد نقطه‌های قرآن نیز 158461 نقطه است.

### ثواب خواندن آیه‌الکرسی . 2

اما در پرسش دوّم نوشته بودی: «خواندن آیه‌الکرسی چه ثوابی دارد؟» حتماً می‌دانی که منظور از آیه‌الکرسی، آیه 255 سوره بقره است. البته بسیاری از مردم، آیه 256 و 257 را همراه آیه 255 می‌خوانند؛ اما آنچه در سخنان اهل‌بیت (علیهم السلام) به عنوان آیه‌الکرسی شناخته شده، فقط آیه 255 است. در هر حال خواندن آن دو آیه بعدی به همراه آیه 255 اشکالی ندارد.

چون این آیه یعنی آیه‌الکرسی، درباره معرفی خداست، پیامبر عزیز ما و بقیه چهارده معصوم (علیهم السلام) اهمیت فراوانی به آن داده‌اند. ابوذر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسید: با اهمیت‌ترین و بزرگ‌ترین آیه‌ای که خدا بر شما نازل کرد، کدام بود؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در پاسخ فرمود: «آیه‌الکرسی». در حدیث دیگری از آن حضرت نیز آمده است: «هرکس صدار آیه‌الکرسی را بخواند، مانند کسی است که تمام عمر، خدا را عبادت کرده است.»

خواندن این آیه مخصوصاً بعد از نمازها بسیار سفارش شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس بعد از هر نماز آیه‌الکرسی را بخواند، بین او و بهشت فاصله‌ای جز مرگ نخواهد بود.» یعنی چنین انسانی، بلافاصله پس از مرگ به بهشت خواهد رفت.

اگر بخواهم ثواب‌های گوناگون خواندن آیه‌الکرسی را در یک خط خلاصه کنم می‌توانم به نجات از جهنم، نزدیک شدن به بهشت، در امان ماندن از خطرها، نجات از فقر و تنگدستی و برآورده شدن حاجت‌ها اشاره کنم. باید توجه داشت که خواندن و تلاوت باید با توجه به شرایط و همراه تدبّر باشد و منظور روایات اسلامی تنها خواندن آیات نیست بلکه باید آیات را با توجه و تدبّر و تفکر خواند آن‌ها را چراغ راه خود ساخت.

### دعای عهد . 3

پرسش سوم تو درباره دعای عهد بود. پرسیده بودی این دعا در کدام سوره قرآن قرار دارد؟ در پاسخ باید بگویم که دعای «عهد» در قرآن نیست؛ بلکه این دعا در کتاب مفاتیح الجنان آمده است. در کتاب مفاتیح، بخشی هست که به دعاها مرتبط با امام زمان (علیه السلام) اختصاص یافته است. دعای عهد را می‌توانی در آن بخش پیدا کنی.

خدانگهدار

#### نامه 19

پیامبران، حرف‌های خدا را چگونه می‌فهمند؟ 55.  
مگر خدا دست دارد که می‌گویند انسان به دست خدا آفریده شده است؟ 56.

برادر گرامی سیروس

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا پیروز و سربلند باشی. پرسش‌های خوب تو را خواندم. فکر می‌کنم به قرآن کریم و مطالب مربوط به آن علاقه زیادی داری. اگر چنین است، پس تلاش کن که در سال جدید، با این کتاب ارزشمند پیش‌تر آشنا شوی. مدتی دیگر مدرسه‌ها تعطیل می‌شوند و تو سه ماه تعطیلی را پیش رو داری، از این فرصت استفاده کن و با شرکت در کلاس‌های قرآن و خواندن داستان‌های زیبای این کتاب آسمانی، در همین نوجوانی، آشنایی خوبی با قرآن کریم به دست آور.

در سه ماه تعطیلی، مدرسه‌ها تعطیل می‌شوند؛ ولی نباید یادگیری و آموختن و رشد و ترقی تعطیل شود. نمی‌گویم خودت را خسته کنی و در این سه ماه، به جای بازی و تفریح، تمام وقت به کلاس قرآن بروی و کتاب بخوانی. نه، این هم درست نیست؛ اما تعطیل کردن آموزش به‌طور کامل نیز غلط است.

#### چگونگی دریافت سخن خدا . 1

پس از این مقدمه کوتاه، نوبت به پرسش‌های تو می‌رسد. در اولین پرسش‌ت نوشته بودی: «پیامبران، حرف‌های خدا را چگونه می‌فهمند؟» پاسخ این سؤال تو در آیه 51 سوره شوری آمده است. در این آیه، سه راه برای سخن گفتن خداوند با انسان‌ها بیان شده است؛ گاهی خداوند به قلب پیامبرش سخنی را الهام می‌کند، گاهی به وسیله ایجاد صدا در جهان به بیان مقصود خود می‌پردازد و گاهی هم با فرستادن پیام‌آوری مانند جبرئیل، سخن خود را به پیامبرش می‌رساند. برای روشن شدن پاسخ مثالی می‌زنم. فرض کن می‌خواهی خبر مهمی را به یکی از دوستانت برسانی. در این هنگام می‌توانی خودت به او تلفن بزنی، می‌توانی حرفت را در نوار ضبط کنی و نوار را برای او بفرستی و نیز می‌توانی پیغامت را به وسیله کسی به او برسانی. این تشبیه، تا اندازه‌ای می‌تواند راه‌های وحی و چگونگی رسیدن پیام خدا به پیامبران را روشن سازد.

#### تفسیر سوره بقره . 2

اما در دومین پرسش‌ت، تفسیر سوره بقره را خواسته بودی. برادر گرامی! سوره بقره 286 آیه دارد. تفسیر سوره‌ای به این بزرگی که طولانی‌ترین سوره قرآن است، در یک نامه ممکن نیست. اگر تو درباره یک آیه از این سوره، یا یک داستان آن و یا یک نکته از مطالب آن پرسیده بودی، حتماً پاسخت را می‌دادم؛ ولی تفسیر همه این سوره، نیاز به زمان زیادی دارد. منتظر نامه بعدی‌ات می‌مانم تا ببینم به طور دقیق، تفسیر کدام بخش از سوره بقره، مورد نظرت بوده است.

#### معنی دست خدا . 3

در پرسش سوّم هم نوشته بودی: «مگر خدا دست دارد که می‌گویند انسان به دست خدا آفریده شده است؟» دوست عزیز! وقتی می‌گوییم انسان به دست خدا آفریده شده، منظورمان این نیست که خدا مانند ما انسان‌ها دست دارد و مثل ما که با دستان خود ساختمانی را می‌سازیم، او هم ما را با دستانش ساخته است. انسان به دست خدا آفریده شده یعنی انسان با قدرت خدا ساخته شده است. در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها، خیلی وقت‌ها منظور از دست، قدرت است. مثلاً وقتی می‌گوییم: «دست بالای دست بسیار است» یعنی این که برتر از هر قدرتی، قدرتی دیگر نیز هست. اگر خدا هم در آیه 75 سوره ص فرموده که من انسان را با دستاتم آفریدم، یعنی انسان با قدرت و علم و حکمت خدا آفریده شده است.

#### خدانگهدار

#### نامه 20

- آیا به عنوان درد دل کردن می‌توان پشت سر کسی بد گفت؟ 57.  
آیا خدا می‌تواند سنگی بیافریند که خودش هم نتواند آن را بلند کند؟ 58.  
نمی‌دانم چرا می‌گویند مرگ دست خداست با آن که هر کار خوب و بدی که انسان انجام دهد، 59.  
از آن خود اوست؟

#### خواهر گرامی سیده فاطمه

#### سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا پیروز و سربلند باشی. سه پرسش خوب تو پرسش‌گر کنجکاو را که با خطی خوانا نوشته بودی، خواندم. از این سه پرسش کاملاً پیداست که دقت نظر خوبی داری. اگر هر روز کمی وقت بگذاری و کتاب‌های خوب مذهبی را بخوانی، در آینده‌ای نزدیک، اطلاعات وسیعی درباره دین اسلام به دست خواهی آورد. آن موقع می‌توانی حتی به سؤال‌های نوجوانان و جوانان هم سن و سال خودت پاسخ دهی و چراغ راه آنان شوی.

خواندن کتاب‌های نویسندگانی مثل علامه شهید مرتضی مطهری، آقای محدثی، آقای سید مهدی شجاعی، آقای رهگذر و آقای قرانتی خیلی سودمند است. پس، از عمرت استفاده کن و از استعداد خدادادیت نهایت بهره را ببر و با خواندن کتاب‌های ارزشمند، روز به روز بر علم و دانش و آگاهی‌ات بیفزای.

#### غیبت کردن . 1

خواهر سیده‌ام! در پرسش اولت خواسته بودی بدانی «آیا به عنوان درد دل کردن می‌توان پشت سر کسی بد گفت؟»

همان‌طور که می‌دانی، قرآن کریم ما را از غیبت کردن به شدت بازداشته و در آیه 12 سوره حجرات، این کار را به خوردن گوشت مرده شخصی که غیبتش را می‌کنیم، تشبیه کرده است. از چهارده معصوم (علیهم السلام) هم احادیث فراوانی درباره زشتی و بدی غیبت رسیده است. با این حال، مواردی هم هست که استثناً شده و در این مورد، غیبت کردن جایز است. من برخی از این موارد را برایت بیان می‌کنم:

اگر کسی حیا را کنار گذاشته و به‌طور آشکار در جامعه گناه می‌کند، غیبتش اشکالی ندارد. 1.  
مثلاً اگر شخصی آشکارا شراب می‌خورد و جلوی چشم مردم به چنین کار زشتی اقدام می‌کند، غیبتش گناه ندارد. یعنی اگر تو به دیگری گفتی: «فلانی، امروز هم در خیابان شراب خورد.»  
گناهی مرتکب نشده‌ای. البته اگر همان شخص، گناهی دارد که پنهانی انجام می‌دهد، نمی‌توانیم

درباره آن گناهان با دیگران سخن بگوییم. مثلاً اگر او در گوشه خانه‌اش روزه ماه رمضان را می‌خورد و تو اطلاع داری، حق نداری آن را به دیگران بگویی.

مورد دوم، مورد مشورت است. یعنی اگر کسی نزد تو آمد و درباره ازدواج با فردی یا شریک شدن با وی مشورت کرد، اشکالی ندارد که عیب‌های آن فرد را بگویی. البته در این مورد هم باید به بیان عیب‌هایی پرداخت که به موضوع مشورت مربوط می‌شود. مثلاً اگر تو از عیبی خبرداری که به موضوع ازدواج یا انتخاب شریک ربطی ندارد، حق نداری بگویی.

اگر به کسی ستم شد، او می‌تواند نزد کسی که امید دادخواهی دارد، از ظالم غیبت کند. در این حالت که فرد ستم‌دیده کارهای بد ظالم را برای مأموران حکومت یا پدر و مادر شخص ظالم تعریف می‌کند، غیبت نکرده است.

فکر می‌کنم سؤال تو، به همین مورد سوم مربوط باشد. اگر می‌دانی شخصی که نزدش به شکوه و شکایت می‌پردازی، می‌تواند حق تو را از ستمگر بگیرد و در راه رسیدن به حقت، تو را یاری کند، غیبت کردن اشکال ندارد؛ ولی تنها برای درد دل، نمی‌توان غیبت کرد.

چرا برای درد دل کردن، با خود آن کسی که به تو بدی کرده حرف نمی‌زنی. من هم قبول دارم که آزار و اذیت دیگران، گناه آدم را چنان ناراحت می‌کند که حتی به قلبش هم فشار می‌آید؛ اما بدان که اگر بخواهی مدام این جا و آن جا بنشینی و از این و آن گله کنی، به نتیجه‌ای نمی‌رسی. این کار باعث آرامش تو نخواهد شد.

اگر کسی به تو بدی کرد، در یک فرصت مناسب و البته با بیانی نرم و دوستانه، به خود آن شخص بگو که من از تو ناراحتم. شاید او توضیحی داد که ناراحتی تو برطرف شد. اگر هم رو در رو نمی‌توانی با او صحبت کنی، نامه‌ای دوستانه و محترمانه برایش بنویس و رفتار بدش را به او تذکر بده. کینه‌توزی خیلی بد است؛ اما راه دور ریختن کینه‌ها، غیبت کردن نیست. غیبت کردن، کینه‌ها را افزایش می‌دهد و ما را به فردی عیب‌جو تبدیل می‌کند.

## 2. محدوده قدرت خدا.

پرسش دومت مربوط به قدرت خدا بود. نوشته‌ای که: «آیا خدا می‌تواند سنگی بیافریند که خودش هم نتواند بلند کند؟» در پاسخ باید بگوییم وقتی حرف از قدرت می‌شود، منظورمان قدرت در انجام کارهایی است که ممکن باشند. هر چیزی که تو تصور کنی یا ممکن است به وجود بیاید و یا محال است ایجاد شود. مثلاً آفریدن یک پرنده، دو نیم کردن ماه، زنده کردن مردگان و شفا دادن بیماران همه ممکن هستند. اما کارهایی مثل آن چه در سؤال آمده، محال‌اند. بنابراین سخن گفتن از قدرت داشتن و قدرت نداشتن خدا در این موارد بیهوده است.

به نظر تو آیا خدا قدرت دارد کاری کند که دو ضرب در دو بشود پنج؟ آیا می‌شود خدا کاری کند که یک وزنه، هم یک کیلو باشد هم ده کیلو؟ پاسخ آن است که این کارها ممکن نیستند تا بگوییم خدا می‌تواند یا نمی‌تواند. سؤال تو نیز از همین گونه است. قدرت خدا حد و مرزی ندارد؛ پس نمی‌توان فرض کرد او سنگی بیافریند که خودش هم نتواند آن را بلند کند.

## 3. «معنی جمله «مرگ دست خداست»»

اما در پرسش سومت نوشته بودی: «نمی‌دانم چرا می‌گویند مرگ دست خداست با آن که هر کار خوب و بدی که انسان انجام دهد، از آن خود اوست؟» ببین خواهرم! درست است که ما انسان‌ها آزادیم و اختیار داریم، ولی این بدان معنا نیست که ما همه‌کاره دنیاییم. قدرت ما انسان‌ها خیلی خیلی محدود است. بسیاری از حوادث دنیا از قدرت و اراده ما انسان‌ها خارج است. تازه همین مقدار از قدرت که داریم نیز، نعمتی است که خدا به ما داده است. اگر ما کاری هم انجام می‌دهیم، با اجازه خود اوست. نه تنها مرگ که همه چیز در دست قدرت خداوند است.

مرگ دست خداست یعنی این که تا خدا اجازه ندهد و نخواهد، هیچ کس نمی‌میرد. مرگ و قوانین مربوط به آن را خدا قرار داده است. کسی که خودش را با خوردن سم می‌کشد یا دیگری را خفه می‌کند، در حقیقت با استفاده از قدرتی که خدا به او بخشیده و با بهره گرفتن از قوانینی که خدا در جهان قرار داده چنین اقدامی می‌کند. اگر يك روز خدا نخواهد کسی بمیرد، آن وقت می‌بینی که بدون اجازه او اتفاقی نمی‌افتد. قصه حضرت ابراهیم (علیه السلام) را حتماً شنیده‌ای. می‌دانی که نمود، ابراهیم را در آتش انداخت تا او را بسوزاند؛ اما خدا به آتش اجازه سوزاندن نداد پاسخ‌ها را دو سه بار به دقت بخوان و اگر توضیح بیش‌تری نیاز داشتی، حتماً با من و همکارانم در میان بگذار

### خدانگهدار

#### نامه 21

در کدام آیه و کدام سوره، از صدقه حضرت علی (علیه السلام) در حال رکوع یاد شده است؟ 60.

لیلة‌المبیت چه شبی بود؟ 61.

کدام آیه مربوط به لیلة‌المبیت است؟ 62.

برادر گرامی سید مصطفی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سید عزیز! سه پرسش تو را خواندم. سه برگه پرسش‌نامه نیز برایت می‌فرستم که اگر باز هم سؤالی داشتی بپرسی یا آن‌ها را به دوستانت بدهی. معذرت می‌خواهم که کمی دیرتر از همیشه پاسخ سؤال‌هایت را می‌فرستم. خودت می‌دانی که ما مردم ایران، به روزهای تاریخی محرم و عزاداری امام حسین (علیه السلام) اهمیت زیادی می‌دهیم. من هم مثل تو برادر خوبم و همه مردم کشورمان، در یکی از حسینیه‌های شهرستان خدمت می‌کردم و نتوانستم زودتر از این، به سؤال‌هایت جواب بدهم. در هر حال مرا ببخش.

سرود زمان ورود امام خمینی . 1

برادرم! سؤال اول تو که پرسیده بودی: «هنگام ورود امام خمینی به ایران، چه سرودی از صدا و سیما پخش شده است؟» سؤال قرآنی نبود و آن را باید از افراد دیگری بپرسی. فکر می‌کنم پدربزرگ یا مادربزرگت که سن بیش‌تری دارند و در زمان انقلاب اسلامی بوده‌اند، بتوانند به این سؤالت جواب بدهند.

صدقه امام علی (علیه السلام) در حال رکوع . 2

اما در دومین سؤالت نوشته بودی: «در کدام آیه و کدام سوره، از صدقه حضرت علی (علیه السلام) در حال رکوع یاد شده است؟» این ماجرای مشهور، در آیه 55 سوره مانده بیان شده است. بسیاری از مفسران شیعه و سنی، این مطلب را در کتاب خود نوشته‌اند و با آن که نام حضرت علی (علیه السلام) در این آیه نیامده است، معتقدند که این آیه، درباره امام علی (علیه السلام) است.

اصل ماجرا از این قرار بود که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، يك روز مرد فقیر و تهیدستی وارد مسجد شد و از مردم کمک خواست؛ اما کسی او را کمک نکرد. او که از یاری مردم ناامید شده بود، رو به آسمان کرد و گفت: «خدایا تو شاهد باش که من از این مردم کمک خواستم ولی کسی چیزی به من نداد.» در آن لحظه حضرت علی (علیه السلام) مشغول نماز بود و به رکوع رفته بود. امام (علیه السلام) در همان حال دست راست خود را به طرف مرد فقیر گرفت

و با اشاره، به او فهماند که بیاید و انگشتر را از دست امام درآورد. مرد فقیر با خوشحالی جلو رفت و انگشتر با ارزش حضرت علی (علیه السلام) را از دست آن بزرگوار خارج کرد پس از مدتی کوتاه، جبرئیل خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید و در ستایش از کار خدایسندانه حضرت علی (علیه السلام)، آیه 55 سوره مانده را نازل کرد. در این آیه می‌خوانیم: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ «همانا مولا و سرور شما خداوند است و پیامبر او و مؤمنانی که نماز را برپا می‌دارند». و در حال رکوع انفاق می‌کنند

### لیلة المبيت . 3

در سوّمین سؤال خود نیز پرسیده بودی: «لیلة المبيت چه شبی بود و کدام آیه قرآن در این باره نازل شده است؟» آقا سید عزیز! در سال سیزدهم بعثت، دشمنان اسلام تصمیم گرفتند شبانه به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حمله کنند و آن حضرت را با ضربات شمشیر به شهادت برسانند. خداوند پیامبر را از نقشه آنان آگاه کرد و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) تصمیم گرفت به مدینه برود.

برای آن که دشمنان متوجه رفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نشوند، امام علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خوابید و پارچه سبزی هم روی خود کشید. وقتی کافران حمله خود را آغاز کردند و برای کشتن پیامبر به طرف محل خواب ایشان رفتند، به جای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با علی (علیه السلام) رو به رو شدند. این گونه بود که توطئه کشتن پیامبر به جایی نرسید و با فداکاری حضرت علی (علیه السلام)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از شمشیر دشمنان نجات یافت. آن شب مهم را «لیلة المبيت» می‌گویند. لیلة» یعنی شب و «المبيت» یعنی خوابیدن و منظور همان شبی است که حضرت علی (علیه السلام) در جای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خوابید.

آن چنان که مفسران قرآن کریم نوشته‌اند، آیه 207 سوره بقره در ستایش از این فداکاری امام علی (علیه السلام) نازل شده است. در این آیه می‌خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»؛ «بعضی از مردم (علی (علیه السلام) که به جای پیامبر خوابید) جان خود را برای به دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشند (و تقدیم خدا می‌کنند) و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

خدانگهدار

### نامه 22

قرآن کریم با قرآن مجید چه فرقی دارد؟ 63.

آیا تعدد همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ترویج شهوت پرستی و بهانه دادن به مردان هوسران نیست؟

مگر خدا نامحرم است که موقع نماز باید حجاب داشته باشیم؟ 65.

خواهر گرامی مرضیه

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسش تو را که از شهر زیبای نوشهر فرستاده بودی، خواندم. پاسخ‌های من وقتی به دستت می‌رسد که چند روزی بیش‌تر به ماه رمضان باقی نمانده یا این ماه عزیز تازه فرا رسیده است. آمدن این ماه شریف را که بهار قرآن نام گرفته به تو تبریک می‌گویم. قدر این ماه را بدان که ماه خوبی و مهربانی و دوستی و پرهیزگاری است.



چه خوب است که در بهار قرآن، ارتباطت را با قرآن کریم بیش‌تر کنی. در ماه رمضان، دل انسان نرم‌تر می‌شود و برای فهمیدن آیه‌های قرآن آماده‌تر می‌گردد. این فرصت با ارزش را غنیمت بدان  
«که» فرصت غنیمت است نباید ز دست داد

### فرق قرآن مجید با قرآن کریم . 1

خواهرم! در پرسش اولت نوشته بودی «قرآن کریم با قرآن مجید چه فرقی دارد؟» پاسخ این سؤال را با يك مثال روشن می‌کنم. مثال من مربوط به گل‌هاست که شما دخترها خیلی به آن‌ها علاقه دارید. آیا تا به حال شده که گلی را در دست بگیری و درباره ویژگی‌های آن فکر کنی؟ شاید درباره آن گل يك بار بگویی: «گلی زیبا» و يك بار هم بگویی: «گلی خوشبو»؛ اما منظورت از آوردن دو صفت «زیبا» و «خوشبو»، اشاره به دو گل نیست. تو درباره يك گل سخن می‌گویی که دو صفت دارد: یکی زیبایی و یکی هم خوشبویی. کلمه «مجید» و «کریم» هم دو صفت قرآن هستند. ما دو قرآن نداریم که یکی کریم و یکی مجید باشد.

مجید به معنای باشکوه و با عظمت و کریم به معنای شریف و بزرگوار است. قرآنی که کتاب آسمانی ما مسلمانان است، هم کریم است و هم مجید. این کتاب چون سخن خداست، بسیار باشکوه و با عظمت و بسیار شریف و ارزشمند است. کسانی هم که به دستوره‌های این کتاب عمل می‌کنند، بی‌تردید به عظمت و بزرگی و شرافت خواهند رسید.

البته قرآن به جز صفت «مجید» و «کریم»، نام‌ها و صفتهای دیگری نیز دارد که هر يك بیانگر يك ویژگی ممتاز این کتاب عزیز هستند. از جمله این صفتهای می‌توانم به صفت «نور» اشاره کنم که بیانگر ویژگی روشنی‌بخشی قرآن در جاده زندگی است.

### (تعدد همسران پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) . 2

دیگر پرسش قرآنی‌ات درباره تعدد همسران حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. پرسیده بودی «آیا ازدواج پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) با چند زن ترویج شهوت‌پرستی و بهانه دادن به دست مردان هوسران نبود؟» در پاسخ به این سؤال، توجه تو را به چند نکته جلب می‌کنم:

1. تا زمانی که حضرت خدیجه (علیها السلام) زنده بود، رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) همسر دیگری نداشت. حضرت خدیجه در سال دهم بعثت از دنیا رفت و تقریباً 25 سال با پیامبر زندگی کرد. رسول خدا تا پنجاه و سه سالگی همسری جز خدیجه، نگرفت.
2. مردانی که دست به ازدواج‌های مجدد می‌زنند، معمولاً در ازدواج‌های دوم و سوم خود سعی می‌کنند همسران جوان‌تر و زیباتری انتخاب کنند. اما رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) در بعضی از ازدواج‌های خود، پیرزنان یا زنان مسنی را به همسری گرفته که کسی مایل به ازدواج با آنان نبوده است. این مسأله نشان می‌دهد که ازدواج‌های پیامبر از سر شهوت‌پرستی نبوده و رسول خدا، هدف دیگری از این ازدواج‌ها داشته است.
3. مورخین بزرگی چون علامه عسگری و علامه جعفر مرتضی‌عاملی و نیز مفسران معروفی مانند علامه طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی، با دقت در ازدواج‌های پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) روشن کرده‌اند که در هر يك از این ازدواج‌ها مصلحتی وجود داشته است. پیامبر، در برخی از این ازدواج‌ها دختر سران قبایل بزرگ را گرفته تا با این فامیل شدن، آنان را به خدمت اسلام درآورد یا لاقلاً از دشمنی آن‌ها کم کند. در برخی دیگر از این ازدواج‌ها زنان بی‌پناهی را گرفته که به خاطر شهادت همسرشان در جنگ با کافران، دچار مشکل بودند و کسی هم حاضر نبود با آن‌ها ازدواج کند. دیگر ازدواج‌های پیامبر هم هر يك دلیلی دارد که عالمانی که از آنان نام بردم، به طور دقیق و موşkافانه در این باره بحث کرده‌اند.

بنابر آن چه گفتم، ازدواج‌های پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نمی‌تواند بهانه‌ای برای مردان هوس‌ران باشد.

### عَلت حجاب در حال نماز . 3

اکنون به سوّمین سؤال تو می‌رسیم که پرسیده‌ای: «چرا باید موقع نماز حجاب داشته باشیم؟» مگر نه این که خدا از سر تا پا به ما محرم است؟

:این مسأله، دلایل زیادی می‌تواند داشته باشد که من به سه دلیل اشاره می‌کنم

1. داشتن پوشش برای انسان‌ها، نوعی حفظ احترام خود و حرمت نهادن به خود و دیگران است. این ویژگی ما انسان‌هاست که لباس به تن می‌کنیم و حیوانات از این ویژگی محرومند. با توجه به این نکته، حفظ پوشش در نماز باعث می‌شود که با حالتی انسانی به نماز بپردازیم. به نظر شما اگر زنی با لباس‌های زیر نزد پدر یا برادرش برود با آن که آن دو بر او محرم هستند. یا به جلسه سخنرانی برای زنان برود، این کارش بی‌احترامی به خودش و دیگران نیست؟
2. هر يك از احکام و آداب نماز، به گونه‌ای ما را در خواندن نمازی با توجه یاری می‌دهند. داشتن پوشش اسلامی نیز تأثیر زیادی بر روح و روان ما دارد و ما را در خواندن نمازی دور از حواس‌پرتی و فکرهای شیطنی، کمک می‌کند.
3. داشتن حجاب اسلامی در حال نماز، نوعی تمرین برای حفظ حجاب نیز هست. دختر خانی که هر روز پنج بار در زمان خواندن نماز، حجابش را رعایت می‌کند، در زمان‌های دیگر نیز خیلی راحت‌تر می‌تواند به حفظ حجاب خود بپردازد.
4. رعایت آداب ظاهری مانند حفظ پوشش- بر اخلاق انسان که امری باطنی و روحی است- تأثیر می‌گذارد و روح انسان را تکامل می‌بخشد.

با توجه به آنچه گفتم حتماً فهمیدی که داشتن پوشش اسلامی در حال نماز، به این خاطر نیست که ما خدا را نامحرم می‌دانیم. نه، محرم و نامحرم درباره خدای بزرگی که ما را آفریده، معنا ندارد. حتی آنگاه که ما لباس به تن داریم، باز هم از چشم خدا پوشیده نیستیم. خدا بزرگ‌تر از آن است که درباره او از محرم و نامحرم بودن سخن بگوییم. و البته بزرگ‌تر و داناتر از این است که بی‌دلیل، کاری را بر ما انسان‌ها واجب کند. خیالت راحت باشد که هر چه خدا بر ما واجب کرده، به سود خودمان است. من برای حفظ پوشش اسلامی در نماز سه دلیل شمردم. شاید این مسأله دلیل‌های دیگری هم داشته باشد که عقل ما انسان‌ها نتواند به آن‌ها پی ببرد. خدای حکیم و دانایی که جهان را با این نظم و دقت آفریده، بدون دلیل، کاری را بر ما واجب نمی‌کند.

خدانگهدار

### نامه 23

چگونه می‌توان از عذاب روز قیامت در امان ماند؟ 66.

شدیدترین عذاب روز قیامت چیست؟ 67.

مشکلات پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در راه تبلیغ دین چه بوده است؟ 68.

برادر گرامی محمد

سلام علیکم

امیدوارم که در پناه خدا پیروز و سربلند باشی. سه پرسشی را که فرستاده بودی خواندم. سه برگه پرسش‌نامه نیز برایت می‌فرستم تا اگر باز هم سؤالی داشتی، بتوانی از من و همکارانم بپرسی. برادرم! دو سؤال اولت درباره عذاب‌های آخرت بود. فکر می‌کنم درباره آخرت احساس نگرانی می‌کنی و می‌ترسی که مبدا تو هم به آتش عذاب خدا گرفتار شوی.

اگر ترسیدن از عذاب خدا باعث دوری ما از گناهان شود، بد نیست؛ اما این ترس نباید ما را از رحمت خدا غافل کند. لطف و رحمت و مهربانی خدا را هرگز فراموش نکن. اگر کمی به اطرافت نگاه کنی، می بینی که نشانه های رحمت خدا در همه جا وجود دارد. به خودت نگاه کن و ببین خدا چه نعمت های فراوانی را برای راحت زندگی کردن، به تو داده است. چشم، گوش، زبان، دندان، دست، پا و بقیه اعضای بدن را به تو داده تا بتوانی در دنیا زندگی خوبی داشته باشی. از دیگر نعمت های خدا پدر و مادر هستند. خورشید - این چراغ بزرگ و پرنور - درختان زیبا و پر منفعت، باران ها، دریاها، ماهی ها و پرند ه ها، آسمان آبی رنگ و آرامش بخش و دیگر موجوداتی که خدا آفریده، همه برای آن است که بندگانش، زندگی خوبی در دنیا داشته باشند. پس خدا دوست دارد همه ما خوشبخت شویم و هرگز نمی خواهد کسی به جهنم برود. این ما انسان ها هستیم که با کارهای خودمان، آتش جهنم را شعله ور می کنیم.

### 1. در امان ماندن از عذاب

محمد جان! حال که به این مقدمه مهم توجه کردی، سؤال هایت را جواب می دهم. در اولین سؤال خود نوشته بودی: «چگونه می توان از عذاب روز قیامت در امان ماند؟» جواب این سؤال خیلی روشن است. از مقدمه ای که نوشتم حتماً فهمیدی که ما خودمان به طرف جهنم حرکت می کنیم. اگر کسی از تو بپرسد چه کنیم که درون دره نیفتیم، چه جوابی می دهی؟ حتماً می گویی که بر روی جاده حرکت کن تا در دره نیفتی. جهنم همان دره است و جاده، دستورهای خدا. اگر به حرف خدا گوش کنیم جهنمی در کار نخواهد بود. عمل به حرف های خدا، کار دشواری نیست. نماز را بخوان، به پدر و مادرت احترام بگذار، دیگران را اذیت نکن، از دروغ و غیبت و تهمت دور باش تا نه تنها جهنمی نشوی بلکه يك راست به بهشت بروی، ان شاءالله

### 2. شدیدترین عذاب آخرت

اما در دومین پرسشت نوشته بودی: «شدیدترین عذاب روز قیامت چیست؟» برادرم! همه عذاب های قیامت سخت و رنج آور و طاقت فرساست؛ اما هیچ عذابی، به دوری انسان از دوستی و محبت خدا نمی رسد. آیا تا به حال پدر و مادرت یا یکی از دوستان صمیمی ات از تو ناراحت شده اند؟ حتماً در آن صورت خیلی احساس ناراحتی می کنی. حالا اگر کسی احساس کند که خدای بزرگ و قدرتمند از او ناراحت است چه حالی پیدا می کند؟ مؤمنی که در دنیا دچار سختی هایی می گردد، اذیت می شود ولی همین که به خدا امید دارد و می داند که این سختی ها پایان می پذیرد، راحت تر زندگی را می گذراند. اما کافری که در جهنم می افتد، هیچ روزنه امیدوار کننده ای پیش رو ندارد؛ زیرا با خدای بزرگ دشمنی کرده و خودش را از رحمت پروردگار محروم ساخته است. این احساس دوری از رحمت خدا، از هر آتشی برای جهنمیان سوزنده تر است.

### 3. مشکلات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در تبلیغ دین

اکنون به آخرین سؤال تو می رسیم. در این سؤال نوشته بودی: «مشکلات پیامبر در راه تبلیغ دین چه بوده است؟» در این باره باید بگویم که مشکلات حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در راه معرفی دین اسلام بسیار بوده است. نادانی مردم آن روزگار، دشمنی ثروتمندان بت پرست، عادت های غلط مردم مانند کشتن دختران و حسادت سردمدارانی که ریاست خود را در خطر می دیدند، از جمله مشکلات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در راه گسترش دین بوده است.

در آیات فراوانی از قرآن به آزارهای مشرکان اشاره شده است. در آیه 186 آل عمران خداوند می فرماید: «از کسانی که پیش از شما به آن ها کتاب (آسمانی) داده شده [= یهودیان] و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوانی خواهید شنید.» در آیات 58 سوره توبه، 41

سوره فرقان و چند آیه دیگر نیز به اذیت‌های دشمنان نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و یارانش اشاره شده است.

خدانگهدار

نامه 24

- چه کار کنیم تا قرآن را روان و درست بخوانیم؟ 69.  
در چه آیه‌هایی مطالبی درباره امام علی (علیه السلام) آمده است؟ 70.  
منظور از چهارقل چیست؟ 71.

خواهر گرامی فرزانه

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. خوشحالم می‌بینم خواهر ۹ ساله‌ای مانند تو که تازه به سن تکلیف رسیده، این قدر علاقه دارد با قرآن آشنا شود و آن را خیلی زود یاد بگیرد. هر کس در هر سنی که باشد می‌تواند دوستی با قرآن را آغاز کند؛ اما آغاز این دوستی از کودکی و نوجوانی بهتر و زیباتر است. هر چه سن آدم کمتر باشد، مطالب را بهتر یاد می‌گیرد و زودتر حفظ می‌کند. ما باید قدر تمام لحظه‌های زندگی را بدانیم؛ ولی در بین سال‌های عمر، دوران کودکی و نوجوانی ارزش بیش‌تری دارند و بهترین زمان برای یادگیری قرآن هستند. نمی‌گویم باید تمام کارهایت را تعطیل کنی و درس و مشقت را کنار بگذاری و فقط قرآن بخوانی و به کلاس قرآن بروی. نه، خود قرآن از ما خواسته که در پی یادگیری علم و دانش باشیم. کسی که به قرآن علاقه دارد، درسش را هم خوب می‌خواند. ولی می‌توانی با روزی نیم‌ساعت خواندن و یاد گرفتن قرآن، در مدت دو - سه سال، آشنایی خوبی با این کتاب عزیز به‌دست آوری.

شیوه درست خواندن قرآن . 1

با توجه به مقدمه‌ای که برایت نوشتم، شاید بهتر باشد ابتدا به سوّمین سؤال جواب بدهم. در این سؤال نوشته بودی: «باید چه کار کنیم تا بتوانیم قرآن را روان و درست بخوانیم؟» با بیان چهار نکته به این سؤال پاسخ می‌دهم:

1. وقتی نامه من به دستت می‌رسد که درس‌های مدرسه شروع شده است. یکی از درس‌های 1. شما، درس قرآن است. اولین سفارش من به تو این است که درس قرآن را جدی بگیری. تمرین‌های این درس را با دقت انجام بده و در سر کلاس هم به حرف‌های معلّم خوب گوش کن.
2. سوره‌هایی را که می‌توانی بخوانی، از روی قرآن بخوان. مثلاً اگر خواستی شب‌ها قبل از خواب، سوره قل هو الله احد و ناس و فلق و بعضی دیگر از سوره‌ها را بخوانی، آن‌ها را از روی قرآن بخوان. این کار باعث می‌شود چشم تو به خط قرآن عادت کند و خواندن قرآن برایت راحت‌تر بشود.
3. اگر نوار قرآن در اختیار داری، حتماً گوش بده. مخصوصاً اگر بتوانی هنگام گوش دادن به 3. نوار قرآن، قرآن را هم جلوی چشمت باز کنی بهتر است.
4. شاید در یادگیری قرآن، کاری بهتر از شرکت در کلاس‌های قرآن نباشد. در ماه رمضان یا فصل تابستان یا روزهای جمعه هر هفته، در بعضی جاها کلاس قرآن تشکیل می‌شود. حتماً در این کلاس‌ها شرکت کن و از معلّم‌های دلسوز قرآن، راه درست خواندن قرآن را یاد بگیر. خواهر خوبم! خواندن قرآن شاید در ابتدا کمی سخت به نظر برسد، اما اگر قدری همت کنی، خیلی زود خواهی توانست قرآن را به راحتی بخوانی. هر کاری اولش سخت است؛ ولی آهسته آهسته آسان می‌شود.

(آیه‌های مربوط به امام علی (علیه السلام) . 2

حالا می‌رسیم به دیگر سؤال‌هایت. در یکی از این سؤال‌ها خواسته بودی بدانی که در کدام آیه‌ها، مطلبی درباره امام علی (علیه السلام) آمده است؟ در پاسخ باید بگویم که در قرآن کریم، آیه‌های زیادی وجود دارد که به امام علی (علیه السلام) و بقیه اهل‌بیت (علیهم السلام) مربوط می‌شود.

برای نمونه، من 5 مورد را برایت می‌نویسم

آیه 33 سوره احزاب که آیه تطهیر نام دارد. بر اساس حدیث‌هایی که در کتاب‌های ما و 1. برادران اهل سنت وجود دارد، این آیه مربوط به پیامبر و حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین است. این آیه یکی از مهم‌ترین دلایل‌های ما بر پاکی و معصوم بودن اهل‌بیت (علیهم السلام) است.

آیه 55 سوره مائده که به صدقه دادن حضرت علی (علیه السلام) در حال رکوع مربوط 2. می‌شود.

آیه 207 سوره بقره که در ستایش از فداکاری امام علی (علیه السلام) است. حتماً می‌دانی آن 3. شب که کافران می‌خواستند رسول خدا را به شهادت برسانند، امام علی (علیه السلام) در جای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خوابید و سپر بلاي پیامبر شد. پس از این فداکاری، آیه 207 سوره بقره نازل شد و از کار حضرت علی (علیه السلام) ستایش کرد.

آیه 3 و 67 سوره مائده که به ماجرای مشهور غدیر خم مربوط می‌شود. 4.

آیه 61 سوره آل عمران که درباره ماجرای مباحله است. در آن ماجرا، پیامبر، حضرت علی و 5. حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین را با خود به همراه برد تا مسیحیان نجران را نفرین کنند.

### 3. چهار قل .

دیگر پرسش قرآنی تو درباره چهار قل بود. نوشته بودی: «منظور از چهار قل چیست؟» فاطمه خانم! منظور از چهار قل، سوره‌های کافرون، قل هو الله احد، فلق و ناس است که همه با کلمه «قل» (بگو) آغاز می‌شوند. یعنی پس از بسم الله هر سوره، آیه‌ای آمده که در اول آن کلمه «قل» وجود دارد. خواندن این چهار سوره برای در امان ماندن از خطرات خیلی مفید است.

### خدانگهدار

#### نامه 25

قلب قرآن کدام سوره است و چرا چنین لقبی به آن داده شده است؟ 72.

عروس قرآن کدام سوره است و چرا عروس قرآن نام گرفته است؟ 73.

مادر قرآن کدام سوره است؟ 74.

برادر گرامی مهدی

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند و پیروز باشی. پرسش‌های تو را که از شهر زیبای اصفهان فرستاده بودی، خواندم.

من هر بار که نام اصفهان را می‌شنوم، به یاد دانشمند بزرگ اسلام علامه مجلسی (قدس سره) می‌افتم. حتماً تو هم نام این عالم بی‌نظیر را شنیده‌ای. او در حدود سیصد سال پیش از دنیا رفته و در شهر اصفهان به خاک سپرده شده است. علامه مجلسی خدمات بسیاری به دین اسلام کرده و ده‌ها کتاب ارزشمند برای مسلمانان نوشته است. نوشتن کتاب صدو ده جلدی «بحار الانوار» تنها یکی از خدمات علمی آن بزرگوار است.

جالب آن است که نوشته‌های آن مرحوم، هنوز نیز مورد استفاده مردم است و علیرغم گذشت سه قرن از وفات وی، کتاب‌هایش هنوز هم خواندنی و جذاب است.

اگر توانستی، همراه بزرگ‌تره‌ها به زیارت قبر این دانشمند اصفهانی برو و همان جا دعا کن که تو نیز مانند علامه مجلسی (قدس سره)، بتوانی دین اسلام را بشناسی و به دیگران یاد بدهی. مهدی عزیز! ان‌شاءالله تو نیز یکی از بهترین یاران و سربازان حضرت مهدی (علیه السلام) بشوی.

برادرم! سه سوالی که پرسیده‌ای، بارها و بارها توسط هم سن و سال‌های تو از من و همکارانم پرسیده شده است. فکر می‌کنم این سه سوال معماگونه، برای خیلی از نوجوانان مطرح باشد. پس چه خوب است که جواب‌های مرا، برای دوستان و همکلاسی‌هایت نیز بخوانی.

### 1. قلب قرآن

در اولین سؤالت نوشته بودی: «قلب قرآن کدام سوره است و چرا قلب قرآن نام گرفته است؟» آقا مهدی! پاسخ این پرسش، سوره یس (سی و ششمین سوره قرآن) است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در حدیثی فرموده‌اند: «هر چیز قلبی دارد و قلب قرآن سوره یس است می‌دانی کار قلب در بدن چیست؟ قلب با تپیدن خود، خون را به تمام قسمت‌های بدن می‌رساند و باعث می‌شود که زندگی انسان ادامه پیدا کند. اگر قلب ما از حرکت باز ایستد، ما می‌میریم. پس قلب با تمام کوچکی‌اش که تقریباً به اندازه یک مشت دست هر انسان است، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های بدن ماست که بدون آن، زندگی انسان ادامه نمی‌یابد. اگر به سوره یس هم قلب قرآن گفته‌اند، شاید به خاطر آن است که مهم‌ترین اصول اسلام در این سوره آمده و سه بحث مهم خداشناسی، نبوت و روز قیامت در کنار هم ذکر شده‌اند.

یعنی در این سوره، خلاصه اصلی‌ترین مسائل اعتقادی ما مسلمانان بیان شده که بدون آن‌ها، اصلاً اسلام معنا ندارد. البته این سه اصل در سوره‌های دیگری هم آمده است؛ اما این سوره، در حجم بسیار کمی (تقریباً شش صفحه) به توضیح این سه اصل پرداخته است.

### 2. عروس قرآن

اما در دومین سؤالت پرسیده بودی: «عروس قرآن کدام سوره است و چرا به آن عروس قرآن می‌گویند؟» پاسخ این پرسش، سوره الرحمن - پنجاه و پنجمین سوره قرآن - است. در حدیثی از «رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده که: «عروس قرآن سوره الرحمن است اگر سوره الرحمن را بخوانی می‌بینی که این سوره، بیانگر نعمت‌های فراوان خدا و نیز زیبایی‌های جهان هستی است. از سوی دیگر، جملات این سوره بسیار خوش‌آهنگ و گوشنواز است.

یعنی این سوره از دو جهت زیباست. یکی آن که از زیبایی‌های جهان سخن می‌گوید و دیگر آن که جملاتش آهنگی زیبا دارد. برای همین، در میان دیگر سوره‌ها به عروسی می‌ماند که هم چهره‌اش زیباست و هم لباس زیبایی به تن کرده است.

### 3. مادر قرآن

اکنون به پرسش سوّم می‌رسیم که در آن از مادر قرآن پرسیده‌ای و خواسته‌ای بدانی که به کدام سوره، مادر قرآن گفته می‌شود؟ آقا مهدی عزیز! مادر قرآن ترجمه عبارت عربی «امّ القرآن» است. درست است که کلمه «امّ» به معنای مادر است؛ اما این کلمه معنای دیگری نیز دارد. یکی از معنای «امّ» اصل و اساس است. ترجمه «امّ القرآن» به «اصل و اساس قرآن» بهتر است.

این عبارت (امّ القرآن) لقب سوره حمد است. چون در این سوره، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مطالب قرآن آمده، این سوره را «امّ القرآن» نامیده‌اند. در این سوره، هم خدای مهربان معرفی

شده، هم از قیامت سخن به میان آمده و هم راه درست زندگی کردن بیان گشته است. پس می‌بینی که انتخاب لقب «آم القرآن» شایسته این سوره، بوده است

خدانگهدار

### نامه 26

نظر اسلام درباره زن چیست؟ 75.

چرا ارث پسران دو برابر دختران است؟ 76.

آیا در زمان حضرت فاطمه (علیها السلام) هم چادر وجود داشته است؟ 77.

### خواهر گرامی فاطمه

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسش‌های خوبی را که فرستاده بودی، خواندم. هر سه پرسشت مربوط به حقوق زن از نظر اسلام بود. گویا این مسأله ذهنت را به خود مشغول کرده و خیلی دوست داری بدانی که اسلام، درباره زنان چه نظری دارد؟

#### نظر اسلام درباره زن . 1

خواهرم! اگر برخورد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را با دخترش فاطمه (علیها السلام) - همان بانویی که پدر و مادر تو نام زیبای او را برایت انتخاب کرده‌اند - مطالعه کنی، پاسخ خیلی از پرسش‌هایت را دریافت می‌کنی. در تاریخ آمده است که پیامبر بزرگوار ما به احترام حضرت فاطمه (علیها السلام) از جای برمی‌خواست و او را از همه کس بیش‌تر گرامی می‌داشت. حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، در جنگ‌ها و سفرها آخر از همه با فاطمه (علیها السلام) خداحافظی می‌کرد و پس از بازگشت، اول از همه به دیدار او می‌رفت. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمه‌اش را آن قدر مورد توجه قرار می‌داد که مردان آن روزگار تعجب می‌کردند. او دخترش را با بهترین و مهربانانه‌ترین عبارتها صدا می‌زد

جالب است بدانی که این نوع برخورد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، در دورانی بود که مردم، دختران را مایه ننگ خود می‌شمردند. آیه 58 و 59 سوره نحل در این باره می‌فرماید: «هرگاه به یکی از آنان بشارت دهند که دختری نصیب شده، صورتش (از ناراحتی) سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد. و به خاطر بشارت بدی که به او داده شده از قوم و قبیله خود «!می‌گریزد [و نمی‌داند که] آیا آن دختر را با قبول ننگ نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ با آمدن اسلام، بساط این نگاه نادرست به زن برچیده شد و حقوق اساسی زن مانند حق مالکیت، حق انتخاب همسر و دیگر حقوق پایمال شده زن به او بازگشت.

از نظر قرآن، زن و مرد نزد خدا برابرند و تنها تقوا و پرهیزکاری باعث امتیاز یکی بر دیگری است. در آیه 13 سوره حجرات می‌خوانیم: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که پرهیزکارتر باشد.» استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، و آیه‌الله جوادی آملی در کتاب زن در آینه جمال و جلال، پاسخ بسیاری از سؤال‌های مربوط به زنان را داده‌اند و مقام والای زن را از نظر اسلام روشن کرده‌اند. با این توضیحات گمانم پاسخ نخستین سؤال خود را که پرسیده بودی: «نظر اسلام درباره زن چیست؟» دریافت کرده باشی.

#### دو برابر بودن ارث پسر . 2

حال به دومین سؤال تو می‌رسیم. در این سؤال نوشته بودی: «چرا ارث پسران دو برابر دختران است؟» دانشمندان مسلمان، در پاسخ به این سؤال جواب‌های خوبی داده‌اند. خلاصه پاسخ آنان این است که چون مرد وظیفه خرجی دادن به همسر و فرزندان را دارد، پس همان ارثی را هم که



می‌گیرد، برای زنش و فرزندانش خرج می‌کند. اما دختر، چون هزینه خانواده بر دوشش نیست، سهم ارث خود را برای خودش بر می‌دارد. در نتیجه گر چه ارث پسر دوبرابر دختر است؛ اما آن چه در نهایت برای دختران می‌ماند بیش از ارث پسران خواهد بود.

(وجود چادر در زمان حضرت فاطمه(علیها السلام) . 3

اما در آخرین سؤال خود خواسته بودی بدانی: «آیا در زمان حضرت فاطمه(علیها السلام) هم چادر بوده است؟» در پاسخ باید بگویم آری، در زمان حضرت فاطمه(علیها السلام) هم چادر وجود داشته که در زبان عربی به آن «جلباب» می‌گفته‌اند. افزون بر چادر، زنان عرب لباس‌های بلند و گشادی هم داشته‌اند و در کنار آن، روسری‌های بلندی نیز بر سر می‌نهادند. البته پوشیدن چادر واجب نیست؛ ولی نسبت به دیگر انواع حجاب، بهتر است. همین قدر که زنی غیر از کف دست و گردی صورت، بقیه بدن و حجم اندام خود را بپوشاند، به وظیفه دینی‌اش عمل کرده است. ولی روشن است که لباس زن، هر چه از متانت بیش‌تری برخوردار باشد، مناسب‌تر است.

خدانگهدار

**نامه 27**

انسان در آن دنیا برهنه است یا نه؟ 78.

شیطان چگونه عذاب می‌بیند؟ 79.

آیا در آخرت، امکان دیدار و همنشینی با پیامبران و امامان وجود دارد؟ 80.

برادر گرامی مهدی

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسش قرآنی تو را خواندم. تقریباً همه سؤال‌هایت به گونه‌ای مربوط به معاد و روز قیامت بود. با آن که در آیات قرآن کریم و سخنان چهارده معصوم(علیهم السلام) مطالب فراوانی درباره قیامت آمده؛ اما واقعیت آن روز، چنان بزرگ و با عظمت است که شناخت آن به آسانی ممکن نیست.

بعضی‌ها فکر می‌کنند با خواندن یکی دو کتاب درباره معاد و شرکت در یکی- دو جلسه سخنرانی مذهبی، می‌توان معاد را به طور کامل شناخت. نه، اصلاً چنین نیست. قیامت، مراحل گوناگونی دارد و در هر مرحله‌اش هم اتفاقات مهمی روی می‌دهد.

قیامت، روز حسابرسی به کارهای انسان‌ها و تعیین تکلیف میلیاردها آدمی است که مدتی را در دنیا زندگی کرده‌اند. روشن است که آشنایی با چنین روز مهم و بزرگ و سرنوشت‌سازی به این راحتی ممکن نیست. این نکته را بدان خاطر گفتم که بدانی اگر سؤالی درباره قیامت به ذهنت رسید و پاسخی آن را به راحتی نیافتی، افسرده و پریشان نشوی. خیالت راحت باشد که برای هر پرسش دینی تو، پاسخی آماده وجود دارد؛ اما برای رسیدن به آن پاسخ، کمی حوصله و پیگیری لازم است.

برهنگی در قیامت . 1

بگذریم. برادرم! در اولین سؤال نوشته بودی: «انسان در آن دنیا در بهشت و جهنم برهنه است یا نه؟» درباره لباس بهشتی‌ها و جهنمی‌ها آیه‌های فراوانی داریم. مثلاً درباره لباس بهشتی‌ها در آیه 31 سوره کهف می‌خوانیم: «وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ»؛ «آن‌ها لباس‌هایی به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می‌کنند.» و درباره لباس اهل دوزخ، در آیه 49 و 50

سوره ابراهیم این گونه آمده است: «در آن روز مجرمان را همراه هم در غل و زنجیر می‌بینی،  
»لباسشان از قطران [ماده چسبنده بدبوی قابل اشتعال] است  
با توجه به این دو آیه و دیگر آیاتی که درباره لباس بهشتی‌ها و جهنمی‌ها سخن گفته‌اند،  
می‌فهمیم هر دو گروه لباس دارند. البته لباس بهشتی‌ها بسیار زیبا و لطیف و جالب و ارزنده  
است و لباس جهنمی‌ها رنج‌آور و داغ و آزاردهنده و بدبو. در حقیقت لباس بهشتی‌ها نعمتی است  
که به آنان داده می‌شود و لباس جهنمی‌ها، بخشی از عذابی است که برای آنان در نظر گرفته  
شده است.

اگر در جایی خوانده یا شنیده‌ای که مردم در قیامت برهنه خواهند بود، این مربوط به پرهیزکاران  
و پاکان نیست. بر اساس احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، پرهیزکاران و پاکان، حتی پیش از ورود  
به بهشت - در صحنه محشر- نیز برهنه نخواهند بود و لباس‌هایی زیبا و سفید به تن خواهند  
داشت که درخشندگی خاصی دارد. [1] این مجرمان و گنهکارانند که در مراحل از قیامت برهنه‌اند  
و در مراحل دیگری از قیامت، گرچه لباس به تن خواهند داشت، اما همان لباس هم به گونه‌ای  
[است که باعث رنج و عذابشان می‌گردد]. [2]

### چگونگی عذاب شدن شیطان . 2

اما در دومین پرسش نوشته بودی: «شیطان چگونه عذاب می‌بیند؟» حتماً منظور این است  
که با آن که شیطان خودش از جنس آتش است، چگونه می‌توان او را با انداختن در آتش، عذاب  
داد؟ در این باره حکایت شیرینی در تاریخ آمده که شنیدن آن برای تو نیز جالب خواهد بود.  
آورده‌اند که بهلول دانا، روزی از مسجدی می‌گذشت و شنید که شخصی می‌گوید: «جعفر بن  
محمد (امام صادق) تصور می‌کند شیطان در جهنم عذاب خواهد دید. این درست نیست؛ زیرا  
»شیطان از آتش آفریده شده و آتش، آتش را نمی‌سوزاند

بهلول از این سخن برآسفت و با کلوخی به پیشانی آن شخص زد و سرش را شکست. وقتی حاکم  
آن روزگار، بهلول را به خاطر این کار توبیخ کرد، بهلول گفت: «این شخص از خاک آفریده شده  
و کلوخ هم از خاک است. پس چگونه می‌شود آدمی که از خاک است، از خاک صدمه ببیند؟» پاسخ  
بهلول، باعث شد که آن شخص، از اعتراض خود به حضرت صادق (علیه السلام) شرمسار گردد  
منظور بهلول آن بود که گرچه شیطان از آتش است، اما ممکن است که آتشی با حرارت و قدرت  
بیش‌تر، آتش ضعیف‌تر را عذاب دهد؛ همان طور که نوعی خاک، باعث اذیت یک موجود خاکی  
می‌گردد.

گذشته از این، عذاب‌های جهنم فقط آتش نیست. تنهایی، تاریکی، همنشینان بدشکل و بدبو،  
صداهای وحشتناک، گرسنگی و تشنگی و ده‌ها نوع عذاب دیگر هم در جهنم وجود دارد. خدا  
می‌تواند با این نوع عذاب‌ها و عذاب‌های دیگری هم که ما اصلاً فکرش را نمی‌کنیم، شیطان را  
مجازات کند.

### دیدار امام زمان در قیامت . 3

مهدی عزیز! پرسش سوّم تو درباره امکان دیدار و همنشینی با پیامبران و امامان در جهان  
آخرت بود. پاسخ این سؤال، آیه 69 سوره نساء است که می‌فرماید: «کسی که از خدا و پیامبر  
اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام  
کرده است؛ یعنی پیامبران و راستگویان و شهیدان و صالحان. و آنها رفیق‌های خوبی هستند!»  
بنابراین، ما می‌توانیم با پیروی از قرآن کریم و عمل به راهنمایی‌های حضرت محمد (صلی الله  
علیه و آله وسلم)، به توفیق همنشینی با خوبان و بزرگانی دست یابیم که در دنیا، موفق به  
دیدارشان نشده‌ایم.

خدانگهدار

بحارالانوار، ج 7، ص 172. [1]  
بحارالانوار، ج 7، ص 99 و 191. [2]

### نامه 28

آیا در بهشت جایی برای پیروان دیگر ادیان هم هست؟ 81.  
چرا در زبان عربی، برای خدا ضمیر مذکر استفاده می‌شود؟ 82.

#### خواهر گرامی فاطمه

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسش‌های تو خواهر خوبم را خواندم. البته پرسش سوّمَت بیش از آن که يك پرسش باشد، نوعی گله و شکایت از فساد در جامعه اسلامی بود. برخی از فسادهایی را که به چشم خودت دیده و می‌بینی، برایم برشمرده بودی و به نظرم از وضعیت فرهنگی کشور، خیلی ناراحت هستی.

از این گله دردمندانۀ معلوم است که به قرآن کریم و پیام‌های آسمانی رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) عشق می‌ورزی و از این که می‌بینی به احکام سعادت‌آفرین اسلام بی‌توجهی می‌شود، می‌سوزی. همین عشق و سوز نوجوانان عزیز می‌مثل تو نشانه آن است که فساد هنوز نتوانسته جامعه ما را به نابودی بکشد.

من نمی‌خواهم بگویم فساد وجود ندارد یا مردم ما آسیب ندیده‌اند. نه، اصلاً چنین نیست. ولی ما باید در کنار این آسیب‌ها به موج توجه جوانان به دین و ارزش‌های اسلامی هم توجه کنیم. همه ما باید نسبت به خطرهایی که جامعه ما را تهدید می‌کند، حسّاس باشیم؛ اما نباید خودمان را بیازیم و فکر کنیم که همه چیز از دست رفته است.

یکی از حیلۀ‌های شیطان این است که به ما وانمود کند که فساد همه جا را گرفته و دیگر کسی نباید مقاومت کند و ترویج ارزش‌های اسلامی دیگر فایده‌ای ندارد! ما ضمن حفظ هشیاری، باید مواظب باشیم که فریب شیطان را نخوریم.

من چون مسافرت زیاد می‌روم، در همه شهرها و روستاهای کشورمان می‌بینم که نوجوانان و جوانان دینداری مانند تو خواهر گرامی، خودشان کمر همت بسته‌اند و با برگزاری کلاس‌های مذهبی و اردوهای تفریحی - آموزشی و جلسات قرآن و کتابخوانی و مسابقات و انجام دیگر کارهای خوب و جذّاب، به مقابله با فساد رفته‌اند.

خواهرم! همه ما در مقابل خدا و رسول خدا و خون پاک شهیدان مسؤولیم. بهترین راه مقابله با فساد آن است که هر يك از ما - از مسؤولان بالای کشور گرفته تا افراد عادی - به وظیفه خودمان عمل کنیم. اگر من طلبه خوب درس بخوانم و با تقوا باشم، اگر تو خوب درس بخوانی و پرهیزکار باشی و اگر هر کسی يك گام در راه مبارزه با فساد بردارد، راه دشمن بسته می‌شود. به احساس مسؤولیت و دردمندی تو آفرین می‌گویم و از تو می‌خواهم که با افزایش آگاهی‌های قرآنی و اسلامی خود، از همین الآن برای يك نبرد جانانه فرهنگی آماده شوی.

وضعیت پیروان ادیان دیگر در آخرت . 1

حال می‌رسیم به دو پرسش قرآنی تو. در اولین پرسشت نوشته بودی: «آیا در بهشت جایی برای ادیان دیگر هم هست؟» در پاسخ باید بگویم که آری. در آیه 19 سوره آل عمران می‌خوانیم: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛ «دین (واقعی و پسندیده) نزد خداوند، اسلام است.» براساس این آیه، همه ادیان آسمانی يك دین به حساب می‌آیند. یعنی پیروان دیگر پیامبران را هم باید مسلمان بدانیم؛ زیرا آن‌ها هم در زمان خودشان، تسلیم حرف خدا شده‌اند و از پیامبر روزگار خودشان

پیروی کرده‌اند. بنابراین آن‌ها هم که به وظیفه خودشان عمل کرده و به فرمان خدا گردن نهاده‌اند، بهشتی خواهند بود. برای همین است که قرآن کریم، در تعدادی از آیات خود به ستایش از پیروان پرهیزکار دیگر ادیان پرداخته و از آنان تعریف کرده است.

البته پس از آمدن رسول گرامی اسلام حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم)، پیروان همه ادیان قبلی باید پیامبری ایشان را قبول می‌کردند. کسانی که از سر لجبازی، پیامبری حضرت محمد<sup>9</sup> را نپذیرفتند، در حقیقت از فرمان خدا سرپیچی کرده‌اند و دیگر نمی‌توانند خودشان را اهل بهشت بدانند.

یک گروه از پیروان دیگر ادیان هم هستند که شاید آن‌ها نیز بهشتی گردند. این گروه کسانی‌اند که پیام اسلام به آن‌ها نرسیده و به خاطر ناآگاهی و نبود امکانات، به حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) ایمان نیاورده‌اند. این افراد مثل ابوجهل و ابوسفیان و ابولهب نیستند که از سر لجبختی و تکبر و سرکشی به مقابله با پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) پرداختند. شاید اگر پیام دین اسلام به این گروه از غیر مسلمانان می‌رسید، یکی از بهترین مسلمانان می‌شدند. بر اساس آیات 98 و 99 سوره نساء، این عده هم جز مستضعفان فکری و کسانی‌اند که پیام الهی به آن‌ها نرسیده و به بهشت می‌روند.

به کار بردن ضمیر مذکر برای خدا . 2

اما دومین پرسش هم پرسش جالبی بود. در این پرسش خواسته‌ای بدانی «چرا در زبان عربی، برای خداوند فعل مذکر می‌آورند؟»

خواهر گرامی! در زبان عربی، استفاده از فعل و ضمیر مؤنث یا مذکر برای یک چیز، به معنی زن یا مرد بودن آن چیز نیست. مثلاً عرب برای خورشید از فعل و ضمیر مؤنث استفاده می‌کند. آیا خورشید واقعاً مؤنث است؟ نه، قطعاً چنین نیست؛ اما دستور زبان عربی کلمه شمس (خورشید) را مؤنث حساب می‌کند. در مقابل، عرب کلمه «قمر» (ماه) را مذکر حساب می‌کند. یعنی برای آن، فعل و ضمیر ویژه مردان را به کار می‌برد در حالی که درباره این موجود آسمانی، نر و ماده بودن بی‌معناست.

همچنین عرب کلماتی مانند يد (دست)، عين (چشم)، اذن (گوش) را مؤنث به حساب می‌آورد. برای برخی کلمات نیز، هم از فعل و ضمیر مؤنث و هم از فعل و ضمیر مذکر استفاده می‌کند. همه این‌ها نشان می‌دهد که استفاده از ضمیر و فعل در زبان عربی، همیشه به معنی مرد یا زن بودن یک چیز نیست.

بنابراین نباید فکر کنیم که چون عرب برای خدا ضمیر مذکر آورده، پس حتماً خدا را مرد فرض کرده است. نه، خدا خالق هستی است و مرد و زن بودن از صفات بندگان و مخلوقات اوست.  
خدانگهدار

## نامه 29

خواندن سوره جمعه چه ثواب‌هایی دارد و چه زمانی باید آن را خواند؟ 83.

خواندن سوره یس چه ثواب‌هایی دارد و در چه زمانی باید آن را خواند؟ 84.

برادر گرامی مهدی

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. دو پرسش قرآنی تو را که از شهر مرند فرستاده بودی، خواندم. یکی از سؤال‌هایت مربوط به سوره جمعه و پرسش دیگری مربوط به سوره یس بود.

نمی‌دانم چرا از زمان و ثواب خواندن این دو سوره پرسیده‌ای؟ حتماً توجه داری که خواندن همه سوره‌های قرآن، در هر زمانی خوب و پسندیده است. اگر گاهی درباره ثواب يك سوره سخن می‌گوییم به این معنا نیست که خواندن دیگر سوره‌ها ثواب کمی دارد. یا اگر می‌گوییم خواندن فلان سوره در فلان زمان بهتر است، مقصودمان این نیست که خواندن این سوره در سایر زمان‌ها ثواب ندارد یا ثوابش کم است.

قرآن، گلستان زیبایی است که در هر قسمتش گلی زیبا وجود دارد. ما که قرآن می‌خوانیم، مثل آن است که وارد گلستانی باصفا شده‌ایم و هر لحظه از بوی خوش يك گل و تماشای يك شکوفه زیبا لذت می‌بریم. از هر طرف و در هر زمان که وارد این گلستان شویم، با دلی پر نور و روحی سرشار از معنویت، بیرون می‌آییم.

### ثواب خواندن سوره جمعه . 1

حال که به این مقدمه توجه کردی، ببینیم دقیقاً چه سؤال‌هایی پرسیده‌ای. در پرسش اولت نوشته‌ای: «خواندن سوره جمعه چه ثواب‌هایی دارد و در چه زمان‌هایی باید آن را خواند؟» در پاسخ به قسمت نخست این سؤال، حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را برایت می‌نویسم که می‌فرماید: «هرکس سوره جمعه را بخواند، خداوند به تعداد کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که شرکت نمی‌کنند اما در مناطق مسلمان‌نشین هستند، به او ده «حسنة می‌بخشد»

پاسخ بخش دوم این سؤال هم آن است که خواندن این سوره در هر زمانی خوب و پسندیده است. البته در برخی احادیث، خواندن این سوره در نمازهای عشا پنجشنبه و نماز ظهر روز جمعه مورد تأکید قرار گرفته است.

### ثواب خواندن سوره یس . 2

اما در دومین پرسشت خواسته بودی بدانی: «خواندن سوره یس چه ثواب‌هایی دارد و در چه زمانی باید آن را خواند؟» مهدی عزیز! برای خواندن این سوره ثواب‌های زیادی شمرده‌اند. آمرزش گناهان، برآورده شدن حاجات، رهایی از ترس و نگرانی، دور شدن بلاها و نوشته شدن بیست حج در نامه اعمال انسان، تنها بخشی از ثواب‌هایی است که خدا به خاطر خواندن سوره یس به مؤمنان می‌دهد. در عظمت این سوره همین بس که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آن را قلب قرآن نامیده و حضرت صادق (علیه السلام)، یاد دادن آن را به بچه‌های مسلمان، به طور ویژه سفارش کرده‌اند.

این سوره را هم در هر زمان که بخوانی، ثواب خواهی برد؛ اما بر اساس سخنان اهل بیت (علیهم السلام)، یکی از بهترین زمان‌ها برای خواندن این سوره، آغاز روز و پایان آن پیش از خوابیدن است.

### خدانگهدار

#### نامه 30

مسأله قضا و قدر الهی چه ارتباطی با اختیار ما انسان‌ها دارد؟ 85.

کسی که خواهان نماز خواندن است ولی خودش را با دلایلی قانع می‌کند که نمی‌تواند نماز 86. بخواند، باید چه کند؟

مگر خدا نمی‌داند که ما در دنیا چه خواهیم کرد که ما را آزمایش می‌کند؟ 87.

خواهر گرامی الهام

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسش تو را که از شهر زیبای نوشهر فرستاده بودی خواندم. این پرسش‌ها، همه درباره مسائل اعتقادی بود. در پاسخ هر یک از این پرسش‌ها، مطالبی را خیلی مختصر و مفید می‌نویسم و برایت می‌فرستم. اگر دوباره پرسشی داشتی، باز دقیق‌تر بپرس تا پاسخ کافی به دست آوری.

راه رسیدن به علم و دانش، راهی است مرحله به مرحله و قدم به قدم. از قدیم گفته‌اند: «پله پله رفت باید سوی بام.» این طور نیست که با یک سؤال و جواب همه چیز برای آدم روشن شود و بتواند اسلام را به طور کامل بشناسد. برای آشنایی با دین اسلام، باید هر روز یک گام برداری و با بهره‌گیری از کتاب‌ها، کلاس‌ها و دیگر امکانات، روز به روز اطلاعاتت را بیش‌تر کنی. پس در جواب‌هایی که برایت می‌نویسم دقت کن و اگر قانع نشدی، بار دیگر سؤال‌ت را به صورت جزئی‌تر برای من و همکارانم بنویس و بفرست.

ارتباط قضا و قدر الهی با اختیار انسان . 1

خواهرم! در اولین سؤال نوشته بودی: «مسأله قضا و قدر الهی چه ارتباطی با اختیار انسان دارد؟» این سؤال خیلی از نوجوانان و جوانان عزیز ماست که می‌گویند: «اگر فقط آنچه خدا بخواهد به وجود می‌آید و بدون خواست خدا هیچ اتفاقی نمی‌افتد و همه دنیا به فرمان اوست، پس ما چه اختیاری از خود داریم؟ مثلاً اگر خدا بخواهد من قبول بشوم، قبول می‌شوم و اگر او نخواهد، من در امتحان‌های آخر سال قبول نمی‌شوم. در نتیجه، تلاش کردن و تلاش نکردن من فرقی با هم ندارند.»

دانشمندان مسلمان، پاسخ‌های گوناگونی به این سؤال داده‌اند و راه‌های مختلفی را برای روشن ساختن ذهن ما در این باره، پیموده‌اند. یکی از بهترین راه‌ها برای دریافت پاسخ این سؤال آن است که ما به عقل و فطرت خود مراجعه کنیم و ببینیم آیا در کارهای خود اختیار داریم یا نه. اگر ما اختیاری از خود نداریم پس چرا درباره کارهایمان فکر می‌کنیم و برای هر تصمیمی، مدت‌ها به مشورت با دیگران و بررسی جوانب آن می‌پردازیم؟

راه دیگر برای پی بردن به واقعیت اختیار، عکس‌العمل ما در برابر اعمال دیگران است. اگر کسی بیاید و بر سر ما بکوبد و بعد بگوید من اختیار نداشتم، آیا از او می‌پذیریم؟ ما همواره آدم‌های بد را سرزنش می‌کنیم. اگر آن‌ها از خود اختیاری نداشته باشند، چرا باید آن‌ها را سرزنش کنیم؟

غیر از این دو راه، راه دیگر آن است که فکر کنی و ببینی اگر ما اختیاری از خود نداشتیم، پس چرا خدا این همه پیامبران را برای هدایت ما فرستاده و چرا کتاب‌های آسمانی را نازل کرده و چرا ما را به بهشت خود وعده داده و از جهنم ترسانده است؟ خدای حکیم کار بیهوده انجام نمی‌دهد. راهنمایی آدمی که از خود اختیاری ندارد که کار بی‌فایده‌ای است. پس این که ما اختیار داریم جای هیچ شک و شبهه‌ای ندارد؛ اما رابطه اختیار با قضا و قدر خدا آن است که خود اختیار ما هم جزو تصمیم‌ها و اراده‌های قطعی خداست. خدا خواسته که ما اختیار داشته باشیم و چون هر چه او بخواهد انجام می‌شود، پس ما هم اختیار داریم. همان طور که خدا خواسته خورشید نور بدهد و ماه دور زمین بگردد و درخت ریشه کند و باران ببارد و زمین به دور خود بچرخد، همان طور هم اراده کرده که ما انسان‌ها با اختیار خود کارهایی را انجام دهیم. پس اختیار ما، خارج از خواست او نیست.

نماز نخواندن . 2

اما در پرسش دومت نوشته بودی: «کسی که خواهان نماز خواندن باشد ولی با دلایلی خود را قانع کند که نمی‌تواند نماز بخواند، چه باید بکند؟» این پرسش کمی ابهام دارد. کاش می‌نوشتی که چگونه و با چه دلایلی می‌توان خود را برای نماز نخواندن قانع کرد؟ آیا می‌شود مثلاً کسی

خودش را قانع کند که نفس نکشد، یا برای خودش دلیل بیاورد که دیگر آب ننوشد و غذا نخورد؟! نماز، نیاز روح ما و فرمان خداست. همان طور که جسم ما برای ادامه رشد و ترقی و کسب قوت و قدرت به اکسیژن و آب و غذا نیاز دارد، روح ما هم برای رسیدن به کمال و آرامش، نیازمند ارتباط با خداست و نماز، بهترین راه ارتباط با اوست.

اگر کسی واقعاً فکر می‌کند که نیازی به خواندن نماز ندارد، بداند که گرفتار يك وسوسه شیطانی شده و دچار اشتباه بزرگی گشته است. در احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، نماز را نور خوانده‌اند. کسی که خودش را از نور محروم می‌کند، با خطرات بسیاری در زندگی رو به رو خواهد شد. علت امتحان شدن انسان‌ها با توجه به علم قبلی خدا . 3

حال نوبت به آخرین سؤالت می‌رسد. پرسیده بودی: «مگر خدا نمی‌داند ما در دنیا چه کارهایی انجام خواهیم داد که ما را امتحان می‌کند؟» خواهر کنجکاو و دانش‌دوست من! در پاسخ به این سؤال باید بگویم که آزمایش کردن خدا با آزمایش کردن ما انسان‌ها فرق دارد. انسان‌ها که دیگران را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهند برای آن است که نسبت به آنان، علم و آگاهی پیدا کنند؛ اما خدا که کسی را آزمایش می‌کند برای آن نیست که آن شخص را بشناسد و از کار او آگاه شود؛ زیرا او به همه چیز آگاه است.

اگر خدا کسی را آزمایش می‌کند برای آن است که هر کس هنگام عمل، خودش را نشان بدهد و دیگر کسی در قیامت بهانه نیاورد که اگر مرا آزمایش می‌کردی، کارهای خوب انجام می‌دادم. خدا خواسته که هر کسی، خودش بهشت و جهنمش را بسازد.

او می‌داند که ما چه خواهیم کرد، ولی به ما اجازه داده تا زندگی کنیم و نشان دهیم که در امتحان‌ها می‌توانیم سربلند باشیم. این اراده پروردگار مهربان است که به همه انسان‌ها، برای موفقیت در زندگی فرصت دهد و براساس علم و دانش خود، آنان را مجازات نکند. او به همه چیز آگاه است؛ اما فرصت امتحان را از ما نمی‌گیرد.

خدانگهدار

### نامه 31

در قرآن، درباره قرآن چه آمده است؟ 88.

در قرآن، درباره جهان آفرینش چه آمده است؟ 89.

نظر قرآن درباره اسراف چیست؟ 90.

برادر گرامی فرهاد

سلام علیکم

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. بار دیگر، مجموعه‌ای از پرسش‌های تو برادر دوست‌دار قرآن به دستم رسید. خدا را شاکرم که می‌توانم این بار هم با پاسخ دادن به سؤال‌های يك پرسش‌گر عزیز، گامی در راه خدمت به قرآن کریم بردارم. البته به خاطر فراوانی نامه‌هایی که هر روز به مرکز فرهنگ و معارف قرآن می‌رسد، قرار شده که ما در هر نوبت، فقط به سه پرسش دوستان پرسش‌گر جواب بدهیم. پس اگر موافق باشی، من این بار تنها به سه سؤال قرآنی تو برادر خوبم پاسخ بدهم و بقیه بماند برای دفعه بعد که پرسش‌نامه دیگری فرستادی.

قرآن در قرآن . 1

نمی‌دانم کدام يك از پرسش‌هایی که فرستاده‌ای، در نظرت مهم‌تر است تا اول آن را پاسخ بدهم. در هر حال پاسخ‌هایم را با پرسشی که به خود قرآن مربوط می‌شود، آغاز می‌کنم. در این پرسش



نوشته بودی: «در قرآن، درباره قرآن چه آمده است؟» برادرم! باید بدانی که آیه‌های مربوط به خود قرآن در قرآن کریم بسیارند. اگر بخواهم همه این آیه‌ها را برایت بنویسم، خودش يك کتاب می‌شود؛ اما برای آن که پرسشت بی‌جواب نماند، از آیه‌های مربوط به قرآن، چند آیه‌ای را در

این جا می‌آورم

1. آیه 77 سوره نمل: «وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» ؛ به درستی که قرآن برای مؤمنان هدایت و رحمت است.
2. آیه 15 سوره مانده: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ»؛ از طرف خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمده است.
3. آیه 9 سوره حجر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ ما قرآن را نازل کردیم و خودمان از آن نگهداری می‌کنیم.
4. آیه 2 سوره بقره: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ این کتاب که شکی در [حقانیت] آن نیست، هدایت‌گر پرهیزکاران است.
5. آیه 4 سوره طه: «تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَىٰ»؛ این قرآن از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است.

همان طور که گفتم، از این دست آیات، در قرآن فراوان است که هر کدام به گونه‌ای، ما را به ارزش و عظمت و اهمیت قرآن توجه می‌دهند. اگر مشخص‌تر می‌پرسیدی که می‌خواهی با آیات مربوط به کدام جنبه قرآن آشنا شوی، شاید پاسخ دقیق‌تری برایت می‌نوشتم. فعلا درباره این چند آیه، خوب بیندیش و اگر مایل بودی، برای دریافت پاسخی مشخص‌تر، بار دیگر سوالت را دقیق‌تر و روشن‌تر تکرار کن.

## 2. جهان آفرینش از نگاه قرآن

در پرسش دیگری نوشته بودی: «در قرآن، درباره جهان آفرینش چه آمده است؟» در پاسخ باید بگویم که تعداد بسیاری از آیات قرآن کریم، درباره جهان آفرینش است. جهان، پر است از نشانه‌های وجود خدا و مطالعه این نشانه‌ها یکی از بهترین راه‌ها برای شناخت عظمت و قدرت و حکمت و رحمت اوست. برای همین است که قرآن کریم، در آیات بسیاری، از خورشید و ابر و ستاره و ماه و درخت و زمین و حیوانات و کوه‌ها و دریاها و آسمان‌ها و دیگر بخش‌های جهان سخن می‌گوید و ما را صریحاً به تفکر درباره این موجودات فرا می‌خواند.

از نظر قرآن کریم، آفریده‌های این جهان آن قدر شگفت‌انگیز و در خور تفکرند که بارها به آن‌ها سوگند یاد می‌کند. مثلاً در آغاز سوره شمس می‌خوانیم: «به خورشید و گسترش نور آن سوگند. و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید سوگند، و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد سوگند، و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند سوگند.» در ابتدای سوره تین نیز آمده است: «قسم به انجیر و زیتون»

نام برخی از سوره‌های قرآن هم برگرفته از پدیده‌های جهان آفرینش است که این خود نشانگر اهمیت طبیعت از نظر قرآن است. سوره شمس (خورشید)، سوره لیل (شب)، سوره عنکبوت، سوره نحل (زنبور عسل)، سوره نمل (مورچه)، و سوره قمر (ماه)، تعدادی از سوره‌هایی هستند که نام یکی از موجودات جهان را روی آن‌ها قرار داده‌اند. در این باره سخن بسیار است که امیدوارم در فرصت‌های دیگری بتوانم در این موضوع با تو برادر خوبم، به گفت و گو بپردازم.

## 3. اسراف از نظر قرآن

یکی دیگر از پرسش‌های مربوط به اسراف بود. خواسته بودی که نظر قرآن را در این باره بدانی. فرهاد عزیز! در قرآن کریم! اسراف معنی وسیع‌تری از اسراف در مال دارد. از نظر قرآن کریم، هر نوع تجاوز از مسیر درست زندگی، اسراف است. مثلاً قرآن کریم، انسان‌های گنهکار را

هم اسرافکار می‌داند؛ زیرا آن‌ها بهترین سرمایه خود یعنی عمرشان را در راه باطل مصرف می‌کنند.

ما معمولاً هدر دادن مال و ثروت و پول و دارایی را اسراف می‌شماریم؛ اما قرآن کریم؛ نابود کردن سرمایه ایمان، انسانیت و عمر را نیز اسراف حساب می‌کند. اسراف در مال تنها یکی از انواع اسراف است.

در هر حال، قرآن کریم مردم را از اسراف - هر نوع اسراف که باشد - باز داشته و فرموده است: «و لا تسرفوا»؛ اسراف نکنید. شاید مناسب‌ترین آیه در موضوع اسراف که بتوانی حفظ کنی، آیه 31 سوره اعراف باشد که می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ «بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد».

خدانگهدار

### نامه 32

91. آیا درست است که حضرت زهرا (علیها السلام) را شهید کرده‌اند؟

92. چرا نام امامان ما در قرآن نیامده است؟

93. منتظر امام زمان بودن به چه معناست؟

خواهر گرامی مهدیه

سلام بر تو

انشاءالله در پناه قرآن موفق و پیروز باشی. سه پرسشی را که فرستاده بودی، خواندم. امیدوارم پاسخ‌هایی که می‌نویسم، برایت مفید باشد. البته پرسش آخر تو یک پرسش تاریخی بود و ما در مرکز فرهنگ و معارف قرآن به این گونه پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهیم. تو می‌توانی سؤال‌های تاریخی خود را از مؤسسه‌ای که در زمینه تاریخ تحقیق می‌کنند، بپرسی. با این حال، من به طور خلاصه به این سؤالت که مربوط به شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) است، نیز جواب می‌دهم.

(شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) . 1

در این سؤال نوشته بودی: «آیا درست است که دشمنان اهل‌بیت (علیهم السلام) حضرت زهرا (علیها السلام) را شهید کرده‌اند؟» متأسفانه باید بگویم که آری، چنین بوده است. وقتی پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، غاصبان حق امام علی به خانه آن حضرت حمله کردند، در خانه را شکستند و با لگد به پهلوئی حضرت زهرا (علیها السلام) زدند. در نتیجه صدماتی که بر حضرت زهرا وارد شد، فرزندش محسن نیز سقط گردید. یکی از مهاجمان هم با سیلی به صورت حضرت زهرا (علیها السلام) زد که در نتیجه، گوشواره حضرت فاطمه شکست. علامه جعفر مرتضی عاملی، کتابی در همین باره نوشته که ترجمه آن به نام «رنج‌های زهرا» منتشر شده است. آنچه گفتم در صفحه 155 همین کتاب آمده است.

علت نیامدن نام امامان در قرآن . 2

اما در نخستین سؤال قرآنی خود پرسیده بودی: «چرا نام امامان ما در قرآن نیامده است؟» پیش از پاسخ دادن به این سؤال، باید به این دو نکته توجه کنی:

گرچه قرآن کریم از امامان بزرگوار ما به صراحت نام نبرده؛ ولی در آیات زیادی از آن‌ها یاد کرده است. آیه 33 سوره احزاب، بخشی از آیات سوره انسان، آیه 61 سوره آل عمران و

آیه‌های فراوان دیگر، به اهل‌بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مربوط می‌شوند و بدون بردن نام، در ستایش از آن عزیزان نازل گشته‌اند. مثلاً در آیه 33 سوره احزاب می‌خوانیم: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «همانا خدا اراده کرده که پلیدی و گناه

راز شما اهل بیت دور سازد و شما را از هرگونه زشتی پاک گرداند.» در این آیه، نام هیچ يك از امامان نیامده ولی با عنوان اهل بیت، از همه آنان یاد شده است.

تنها اهل بیت (علیهم السلام) نیستند که قرآن کریم، بدون آوردن نام، از آن‌ها سخن می‌گوید. 2. بعضی از پیامبران، بسیاری از یاران پیامبر و بعضی دیگر از انسان‌های نیکوکار مثل اصحاب کهف، از جمله افرادی هستند که قرآن کریم از آن‌ها تعریف می‌کند؛ ولی نامشان را نمی‌گوید. پس اگر قرآن، نام امامان را نیاورده، این به معنی بی‌توجهی قرآن به آن بزرگواران نیست.

حالا ببینیم به چه دلیلی قرآن کریم از امامان معصوم نام نبرده است؟ یکی از علل نیامدن نام امامان در قرآن، جلوگیری از خطر منافقان بوده که اگر صریحاً نام امامان مخصوصاً حضرت علی 7 به میان می‌آمد ممکن بود قرآن را تحریف کنند. منافقان، گروهی از دشمنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند که خودشان را مسلمان نشان می‌دادند؛ ولی ته دلشان با اسلام مخالف بودند. آن‌ها از حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام علی (علیه السلام) و بقیه اهل بیت (علیهم السلام) نفرت داشتند. اگر قرآن کریم در آیه‌ای، از امام علی (علیه السلام) نام می‌برد، بعید نبود که آن‌ها در مقابل پیامبر بایستند یا در قرآن دست ببرند.

در آخرین روزهای زندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت، از اطرافیان خواست که قلم و کاغذی بیاورند تا چیزی را بفرماید و کاتبان بنویسند که مسلمانان هرگز گمراه نگردند. منافقان که احتمال می‌دادند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌خواهد در آن نوشته، به جانشینی امام علی (علیه السلام) اشاره کند و رهبری او را مورد تأیید دوباره قرار دهد، چنین گفتند: «پیامبر هذیان می‌گوید.» آن‌ها آن قدر بر بالای سر پیامبر سرو صدا کردند که پیامبر از تصمیم خود منصرف شد و آن نامه، هرگز نوشته نشد. کسانی که حاضر بودند برای رسیدن به قدرت و جلوگیری از جانشینی علی (علیه السلام)، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را هذیان گو بخوانند، یقین بدان که اگر قرآن نیز نام امام علی (علیه السلام) را می‌آورد، مقاومت می‌کردند.

پس می‌بینی که قرآن چه راه درستی را انتخاب کرده است. یعنی هم مردم را به اهل بیت (علیهم السلام) توجه داده و هم راه خیانت منافقان را بسته است.

### معنی انتظار . 3

اکنون به دومین پرسش قرآنی تو می‌رسیم. در این سؤال نوشته‌ای: «منتظر امام زمان بودن به چه معناست؟» خواهرم! حتماً تا حالا تجربه کرده‌ای که وقتی تو و اهل خانواده منتظر آمدن يك مهمان عزیز می‌شوید، چه حالی دارید. خانه را خوب مرتب می‌کنید، حیاط را جارو می‌زنید، غذای خوشمزه‌ای می‌پزید، لباس مرتبی می‌پوشید و وقتی همه چیز آماده شد، چشم به در خانه می‌دوزید و مشتاقانه به انتظار آمدن مهمان خود می‌نشینید. منتظر امام زمان (علیه السلام) بودن هم همین‌طور است.

کسی که در انتظار حضرت مهدی (علیه السلام) باشد، خودش را برای آمدن آن حضرت و خدمت به آن بزرگوار آماده می‌کند. خانه دلش را از حسادت و کینه پاک می‌سازد، رفتارهای زشتی مثل دروغ‌گویی و غیبت و ظلم را کنار می‌گذارد، خودش را با انجام کارهای خوبی مثل نماز خواندن و مهربانی با دیگران آراسته می‌نماید و از هر کاری که امام زمان بدش می‌آید، دوری می‌جوید.

این است معنای واقعی انتظار که رسول خدا آن را بهترین عبادت معرفی نموده و حضرت صادق (علیه السلام) آن را به سربازی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تشبیه کرده است.

از يك نظر شاید بتوان گفت که منتظر حضرت مهدی (علیه السلام) بودن، یعنی آن که قرآن را برنامه زندگی خود سازیم و آیه- آیه آن را سرمشق خود قرار دهیم.

خدانگهدار

پانزده حدیث درباره قرآن بنویسید. 94.  
شرایط توبه واقعی چیست؟ 95.

برادر گرامی مسعود

سلام علیکم

ان شاء الله در پناه خدای بزرگ، سالم و سربلند باشی. خوشحالم که باز می‌توانم به پرسش‌های  
یک نوجوان مسلمان پاسخ دهم.

مسعود عزیز! نمی‌دانم آیا تا به حال درباره معنای نام خودت فکر کرده‌ای یا نه؟ می‌دانی معنای  
«مسعود» چیست؟ مسعود از سعادت و به معنای خوشبخت و سعادت‌مند است. اما خوشبختی  
چیست و سعادت‌مند کیست؟ آیا هر کس بهتر بخورد و بیش‌تر بخوابد آدم سعادت‌مندی است؟ معلوم  
است که سعادت از این‌ها بالاتر است. اگر بخواهم خیلی خلاصه سعادت را تعریف کنم باید بگویم  
که سعادت، پیروی از فرمان خداست و بهترین راه برای آگاهی از فرمان خدا نیز قرآن کریم  
است.

قرآن چراغ پرنوری است که ما را از گمراهی نجات می‌دهد و به سعادت واقعی می‌رساند. خدا را  
شکر کن که در آغاز نوجوانی، به این کتاب عزیز علاقه‌مند گشته‌ای و با این گنج سعادت، خیلی  
زود آشنا شده‌ای.

روایات درباره قرآن . 1

پس از این مقدمه، نوبت جوابگویی پرسش‌های توست. در اولین پرسش‌ت خواسته بودی که  
پانزده روایت درباره قرآن کریم برایت بنویسم. چه خوب است که این پانزده حدیث را حفظ کنی.  
به امید آن که این حدیث‌ها را در دل پاک خودت جای دهی، آن‌ها را با اعراب و ترجمه کامل  
تقدیمت می‌کنم:

1. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): ما عدلَ أحدٌ عن القرآن إلا إلى النار.
2. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): أصدقُ القولِ وأبلغُ الموعظةِ وأحسنُ القصصِ كتابُ الله.
3. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): خيرُكم من تعلم القرآن وعلمه.
4. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): نوروا بيوتكم بتلاوة القرآن.
5. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): وَ عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ.
6. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حِلِيَّةً وَ حِلِيَّةَ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.
7. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): رَبِّ تَالِ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ.
8. امام صادق(علیه السلام): يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ.
9. امام باقر(علیه السلام): إِنِّي لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهُ بِهِ الشَّيَاطِينَ.

من خوش دارم که در خانه قرآن باشد تا خدا به وسیله آن، شیاطین را دور سازد.  
رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي 10.  
الْمُصْحَفِ نَظْرًا.

هیچ چیز بر شیطان سخت‌تر و ناراحت‌کننده‌تر از خواندن قرآن از روی آن نیست.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): اَلنَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ 11.

نگاه کردن به قرآن عبادت است.

امام صادق(علیه السلام): إِذَا قُرِيَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ وَجَبَ عَلَيْكَ الْأَنْصَاتُ وَالِاسْتِمَاعُ 12.

آن گاه که قرآن نزد تو خوانده می‌شود، لازم است که خاموش باشی و گوش بسیاری

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ 13.  
الْحَرَابِ.

کسی که چیزی از قرآن در دلش نیست (و آیتی از قرآن را حفظ نکرده است) مانند خانه خراب  
است.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم): إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقُ الْقُرْآنِ فَطَيَّبُوهَا بِالسَّوَاكِ 14.

دهان‌های شما راه‌های قرآنند، پس آن‌ها را با مسواک زدن پاکیزه سازید.

امام علی(علیه السلام): تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ 15.

در آیات قرآن بیندیشید و از آن پند گیرید.

شرایط توبه . 2

اما در دوّمین پرسش خود نوشته بودی: «شرایط توبه چیست؟» برادر من! حقیقت توبه،  
پشیمانی از انجام گناه است. همین که بنده‌ای در دلش پشیمان شود و از کارهای زشتش احساس  
ندامت کند، توبه کرده است. البته پشیمانی واقعی علامت دارد و از جمله علامت‌هایش، ترك گناه  
و کنار گذاشتن آن است. آیا کسی که می‌گوید توبه کردم و پشیمان شدم؛ ولی باز خود را با انجام  
گناه، آلوده می‌کند، می‌تواند توبه کننده حقیقی شمرده شود؟! امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در  
حدیثی به شرایط توبه واقعی اشاره فرموده‌اند که از جمله آن شرایط، چهار شرط زیر است:

1. پشیمانی عمیق از گناه.

2. تصمیم قطعی و دایمی بر ترك گناه.

3. بازگرداندن حق مردمی که با گناه او آسیب دیده‌اند.

4. انجام واجباتی که ترك کرده است.

خدانگهدار

**نامه 34**

کدام عبادت است که اگر آن را از آخر به اول هم بخوانیم، درست است؟ 96.

کدام سوره نام ستاره‌ای است که با آمدنش وقت يك نماز تمام می‌شود و با رفتنش وقت نماز 97.  
دیگری آغاز می‌گردد؟

آخرین سوره‌ای که بر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده کدام سوره است؟ 98.

خواهر گرامی مینا

سلام بر تو

انشاءالله در پناه قرآن موفق و پیروز باشی. از این که همت کرده‌ای و از شهر همیشه سرافراز  
آبادان، پرسش‌های قرآنی‌ات را فرستاده‌ای، بسیار سپاسگزارم. می‌دانی که شهر تو، قدمگاه  
شهیدان دفاع مقدس بوده و برای حفظ و نگهداری آن از دست دشمنان اسلام، خون جوانان

زیادی بر زمین ریخته است. قدردانی از آن خون‌های پاک همین است که ما به قرآن کریم توجه کنیم و به حرف‌های آسمانی این کتاب شریف عمل نماییم. به این امید که همه ما قدردان خون شهیدان باشیم، پاسخگویی به پرسش‌هایت را آغاز می‌کنم.

عبادتی که از هر طرف خوانده شود درست است . 1

خواهر من! در نخستین پرسش معماگونه خود نوشته بودی: «آن کدام عبادت است که می‌توانیم آن را هم از اول به آخر و هم از آخر به اول بخوانیم؟» پاسخ این سؤال وضو است. کلمه وضو را اگر از آخر به اول هم بخوانی همان وضو می‌شود. شبیه این معما، معمایی است که در آن، يك آیه را از آخر به اول هم بخوانیم، باز همان می‌شود. این آیه، آیه 3 سوره مدثر است که می‌گوید: «رَبِّكَ فَكْبِرْ» این عبارت را بر عکس هم بخوانی، همان می‌شود.

نماز و يك ستاره . 2

اما در دومین سؤال پرسیده بودی: «کدام سوره نام یکی از ستاره‌ها است که با آمدنش وقت يك نماز تمام می‌شود و با رفتنش وقت نماز دیگری آغاز می‌گردد؟» پاسخ این سؤال، سوره شمس (خورشید) است. این سوره، نود و یکمین سوره قرآن است. می‌دانی که وقتی خورشید طلوع می‌کند، وقت نماز صبح تمام می‌شود و وقتی غروب می‌کند، وقت نماز مغرب آغاز می‌گردد.

اولین سوره نازل شده . 3

آخرین پرسشت نیز درباره اولین سوره‌ای بود که بر پیامبر نازل شده است. در پاسخ به این سؤال باید بگویم که اولین سوره‌ای که به طور کامل بر پیامبر نازل شد، سوره حمد بود، ولی اولین سوره‌ای که چند آیه از آن نازل شد، سوره علق بود که در ترتیب کنونی قرآن، سوره علق، نود و ششمین سوره قرآن است. سوره علق 19 آیه دارد و در غار حرا بر پیامبر نازل شده است.

خدانگهدار

**نامه 35**

نظر دانشمندان غربی درباره قرآن چیست؟ 99

برادر گرامی سید محمد

سلام علیکم

سخنان دانشمندان درباره قرآن . 1

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. تنها پرسش تو سید عزیز را خواندم. پرسشت مربوط به سخن دانشمندان درباره قرآن کریم بود. به گمانم منظورت از دانشمندان، دانشمندان غیر مسلمان بوده است. سؤال جالبی فرستاده‌ای.

پیش از آن که پرسشت را پاسخ دهم، باید این نکته را بگویم که دلیل عظمت و بزرگی و برحق بودن قرآن کریم، عظمت و بزرگی و درستی پیام‌های خود این کتاب است، نه تعریف و تمجیدهای مردم از آن. متأسفانه برخی از ما مسلمانان عادت کرده‌ایم که برای هر کاری و درک درستی هر پیامی، ببینیم غربی‌ها چه سخنی گفته‌اند. البته نظر دانشمندان غیر مسلمان درباره قرآن بسیار جالب و شنیدنی است و شاید باعث توجه بیش‌تر ما به این کتاب عزیز بشود؛ اما برای آشنایی با قرآن، باید مطالعه آیه‌های نورانی آن را اصل قرار دهیم.

حال که به این نکته بسیار مهم توجه کردی، پرسشت را پاسخ می‌دهم و نظر پنج تن از دانشمندان غربی را درباره قرآن کریم، برایت می‌نویسم:

1. ولتر (فیلسوف و نویسنده فرانسوی): من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به يك فرد غير متدين ارائه دهند، او حتماً اولی را بر دومی ترجیح می‌دهد؛ زیرا کتاب محمد، افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقل است.
  2. تولستوی (فیلسوف و نویسنده مشهور روسی): در این کتاب، آیات فراوانی هست که به خوبی بر مقام عالی دین اسلام و پاکی روح آورنده آن گواهی می‌دهد!
  3. ژوزف ارنست رنان (فیلسوف معروف فرانسوی): در کتابخانه شخصی من هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی و... وجود دارد که همه آن‌ها را بیش از يك بار مطالعه نکرده‌ام، ولی يك جلد کتاب است که همیشه مونس من است و از مطالعه زیاد آن نیز خسته نمی‌شوم. این کتاب، قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان است!
  4. گوته (شاعر و نویسنده آلمانی): سالیان دراز، کشیشان از خدا بی‌خبر، ما را از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن دور نگه داشته‌اند. نزدیک است که این کتاب وصف‌ناپذیر، جهان را مجذوب خویش سازد.
  5. دکتر گوستاو لوبون (مورخ فرانسوی): تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات اخلاقی انجیل است.
- نمونه‌هایی که برایت نوشتم، تنها بخش کوچکی از سخنان غربی‌ها در ستایش از قرآن کریم بود. گمان می‌کنم که با مطالعه همین نمونه‌ها، برایت معلوم شد که عظمت قرآن کریم فقط ادعای ما مسلمانان نیست.
- باز هم یادآوری می‌کنم که نورانیت و درخشش این کتاب، به تعریف و تمجید کسی وابسته نیست. آیا اگر کسی از خورشید ستایش نکند، او دیگر نورانی و روشن‌گر و حرارت‌بخش نخواهد بود؟! قرآن نیز قرن‌هاست که نور زندگانی انسان‌ها و راهنمای آنان در دل تاریکی‌هاست. این خورشید معنویت و حقیقت نیز، نیازمند ستایش کسی نیست.

#### خدانگهدار

#### نامه 36

- برای بهره‌مندی هر چه بیش‌تر از قرآن چه برنامه‌ای داشته باشیم؟ 100.
- چرا به قرآن می‌گویند کتاب آسمانی؟ مگر نه این که پیامبر قرآن را می‌خواند و مردم مسلمان هم که روی کره زمین زندگی می‌کردند، آن را می‌نوشتند؟ 101.
- اولین مترجم قرآن چه کسی بوده است؟ 102.

#### خواهرگرامی محبوبه

#### سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدای بزرگ مهربان توانای بخشنده، سالم و سربلند باشی. سه پرسش تو خواهر خوبم را خواندم. خواندن نامت، کمی برایم سخت بود؛ زیرا خیلی خوانا نبود. لطفاً در نوبت بعد که پرسشی برای ما می‌فرستی، مشخصات خود را خواناتر بنویس.

#### برنامه‌ای برای بهره‌مندی بیشتر از قرآن . 1

حالا ببینیم چه سؤال‌هایی پرسیده‌ای. در پرسش اولت نوشته‌ای: «برای بهره‌مند شدن هر چه بیش‌تر از قرآن چه برنامه‌ای داشته باشیم؟» خواهرم! پاسخ به این سؤال کمی دشوار است. قرآن کریم، آن قدر با ارزش و مهم و پر محتواست که برای بهره‌مندی از آن، دهها و شاید صدها برنامه بتوان برشمرد؛ اما برای دختر خانمی به سن و سال تو، به نظرم این برنامه‌ها را می‌توان در نظر گرفت:



1. سعی کن روخوانی قرآن را خوب یاد بگیری. روخوانی و روان خوانی قرآن کریم، اولین گام برای آشنایی با قرآن کریم است. درست خواندن آیه‌های نورانی قرآن، کمک خوبی خواهد بود که در دیگر برنامه‌های قرآنی مانند حفظ قرآن و یادگیری تجوید، موفق‌تر باشی.
2. در جلسات قرائت قرآن و آموزش قرآن به طور منظم شرکت کن و از تجربه و دانش معلمان دلسوز قرآن کریم، استفاده ببر. شرکت در این جلسات، هم باعث تشویق تو در یادگیری قرآن می‌شود و هم زمینه‌ساز یافتن دوستان خوب می‌گردد.
3. هر روز قدری قرآن بخوان. حتی اگر معنای آیه‌هایی را که می‌خوانی، نفهمی، باز هم نور قرآن کریم بر دلت تاثیر می‌گذارد.
4. کتاب‌های مربوط به قصه‌های قرآن را تهیه کن و بخوان. قصه‌های قرآن، بسیار شیرین و خواندنی و آموزنده است. بخش زیادی از قرآن را قصه‌های آن تشکیل می‌دهد. تو با خواندن این قصه‌ها می‌توانی مطمئن باشی که بسیاری از پیام‌های زندگی‌ساز قرآن را دریافت کرده‌ای. پس این قصه‌های باارزش را بخوان و درباره آن‌ها خوب فکر کن.
5. آیه‌هایی را که در کتاب درسی‌ات آمده، با معنی کامل آن‌ها به خاطر بسپار. اگر هم دیدی به حفظ قرآن علاقه داری، با راهنمایی اساتید حفظ قرآن، کم کم قرآن را هم حفظ کن.
6. مهم‌ترین برنامه‌ای که باید به آن توجه کنی، عمل به آیه‌های قرآن کریم و به کار بستن راهنمایی‌های این کتاب آسمانی است. قرآن کریم، همه ما را به برپایی نماز، کمک به نیازمندان، احترام به پدر و مادر، دوری از غیبت، پرهیز از ظلم و در یک کلام به انجام خوبی‌ها و فاصله گرفتن از بدی‌ها فرمان می‌دهد.

راستی یادت باشد که مبدا به بهانه یادگیری قرآن کریم، مطالعه درس‌های مدرسه را کنار بگذاری یا از تفریح و مهمانی رفتن و بقیه برنامه‌های لازم زندگی کم کنی. مهم آن است که پیوسته حرکت کنی و هر روز، یک گام به پیش برداری. حرکت تند عجولانه، خیلی زود خسته‌ات می‌کند و آخر هم بی‌نتیجه می‌ماند.

## چرا قرآن را کتاب آسمانی گویند . 2

- اما در سؤال دوم خود نوشته‌ای: «چرا به قرآن می‌گویند کتاب آسمانی؟ مگر نه این که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) قرآن را می‌خواند و مردم مسلمان هم که روی زمین زندگی می‌کردند، آن را می‌نوشتند؟» خواهرم! کتاب‌هایی که می‌شناسیم دو گروهند
1. گروهی که به دست مردم روی کره زمین نوشته شده‌اند و نتیجه فکر و دانش مردم اهل زمین هستند. مانند کتاب‌های زیادی که می‌شناسی و نام نویسندگان آنها را هم می‌دانی.
  2. و گروهی دیگر از کتاب‌ها که تعدادشان هم خیلی کم است و از طرف خدا بر پیامبران فرستاده شده‌اند و پیامبران هم آن کتاب‌ها را بر مردم خوانده‌اند مانند: قرآن و تورات و انجیل و ...
- به این گروه دوم می‌گویند کتاب‌های آسمانی. یعنی این کتاب‌ها از جایی بسیار بالاتر از فکر ما انسان‌ها یعنی از طرف خدا آمده‌اند. اگر می‌گویند قرآن کتاب آسمانی است به خاطر آن است که همه سوره‌ها و آیه‌های آن حرف خداست.

در زبان بسیاری از شاعران و نویسندگان مسلمان، کلمه آسمان اشاره به مقام خدا و کلمه زمین اشاره به ما انسان‌هاست. خدا همه جا هست چه در آسمان و چه در زمین. عبارت «کتاب آسمانی» تنها یک تشبیه است تا ما بدانیم که قرآن نوشته یک انسان نیست؛ بلکه پیام خدای بزرگ و بلندمرتبه برای راهنمایی مردم است.

## اولین مترجم قرآن . 3

اکنون به آخرین پرسش تو می‌رسیم. در این پرسش خواسته بودی بدانی: «اولین مترجم قرآن چه کسی بوده است؟» آن‌گونه که در تاریخ آمده، اولین مترجم قرآن سلمان فارسی بوده است. او

با اجازه پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)سوره حمد را به فارسی ترجمه کرد تا فارسی‌زبانان نیز بتوانند با معنای این سوره آشنا شوند

خدانگهدار

نامه 37

- چرا امام زمان از نظرها غائب هستند و کی خواهند آمد؟ 103.  
سرگذشت کدام يك از پیامبران بیش از بقیه در قرآن کریم آمده است؟ 104.  
پیامبران چه معجزاتی داشته‌اند؟ 105.

برادر گرامی حامد

سلام بر تو

انشاءالله حالت خوب باشد. سه پرسش تو را که از شهر اردبیل فرستاده بودی، خواندم. وقتی نام اردبیل را در پرسشنامه‌ات دیدم، به یاد همشهری تو و قهرمان وزنه‌برداری کشورمان حسین رضازاده افتادم. حسین رضازاده، هر بار که وزنه‌های سنگین رابالای سرش می‌برد و برای کشور ما افتخار آفرینی می‌کند، نام حضرت «ابوالفضل» را فریاد می‌زند و از آن بزرگوار مدد می‌جوید. این کار حسین رضازاده درسی است برای همه ما که در کارهایمان، از روح اهل‌بیت(علیهم السلام) کمک بخواهیم و با یاد آنها قدرت بگیریم. دعا می‌کنم که تو هم آینده درخشانی داشته باشی و با یاری خدا، به موفقیت‌های بزرگی دست یابی.

اما برادرم! مبدا فکر کنی که قهرمانی فقط بلند کردن وزنه‌های سنگین است. درس خواندن و رسیدن به قلّه‌های علم و دانش هم نوعی قهرمانی است. ما در کشور خودمان دانشمندان بزرگی داریم که آنها نیز کارهای مهمی انجام داده‌اند و برای ملت عزیز ایران افتخار آفرینی کرده‌اند. همچنین مجاهدان و رزمندگان بسیاری داشته و داریم که آنها هم به خاطر مبارزه شجاعانه در دوران دفاع مقدس، قهرمان شمرده می‌شوند. در هر حال امیدوارم که تو نیز با توکل بر خدا و توسل به اهل‌بیت(علیهم السلام)، پیروزی‌های زیادی به‌دست آوری.

(علت غیبت امام مهدی(علیه السلام) . 1

فکر می‌کنم مقدمه نامه‌ام کمی طولانی شد. حال به پرسش‌های تو می‌رسیم. در نخستین سؤال خود نوشته بودی: «چرا امام زمان(علیه السلام) از نظرها غائب است و کی خواهد آمد؟» حامد عزیز! اگر سرگذشت امامان بزرگوارمان را بخوانی، می‌بینی که هر چه به تولد امام زمان(علیه السلام) نزدیک‌تر می‌شویم، آزار و اذیت دشمنان دین به اهل‌بیت(علیهم السلام) بیش‌تر می‌شود. سه امام قبل از حضرت مهدی(علیه السلام) همگی در جوانی به شهادت رسیده‌اند. امام جواد(علیه السلام) در 25 سالگی، امام هادی(علیه السلام) در 40 سالگی و امام حسن عسگری(علیه السلام) در 28 سالگی شهید شده‌اند. از همین جا می‌توانی بفهمی که دشمنان اهل‌بیت(علیهم السلام) تا چه اندازه از امامان شیعه می‌ترسیده‌اند که آنها را در جوانی به شهادت رسانده‌اند.

حاکمان ستمگر آن دوران که می‌دانستند در خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)فرزندی به نام مهدی(علیه السلام)به دنیا خواهد آمد، خانه امام حسن عسگری(علیه السلام)را به شدت زیر نظر داشتند. آنان مصمم بودند که در صورت باخبر شدن از تولد مهدی(علیه السلام)، او را به سرعت نابود کنند.

داستان حضرت مهدی(علیه السلام)خیلی شبیه حضرت موسی(علیه السلام)است. فرعون که می‌دانست در قوم بنی اسرائیل پسری تولد خواهد یافت و به مبارزه باوی خواهد پرداخت، پسران

آنان را می‌کشت؛ اما خدا موسی(علیه السلام) را از خطر فرعون نجات داد. خدای بزرگ، مهدی(علیه السلام) را نیز از شمشیر ستمگران آن روزگار حفظ کرد و با آن که مأموران حکومت مرتب خانه امام حسن عسگری را بازرسی می‌کردند، از تولد مهدی(علیه السلام) بی‌خبر ماندند. خدا، حضرت مهدی(علیه السلام) را از نظرها پنهان کرده تا در روز مناسب، او را آشکار سازد و به دست آن عزیز، جهان را پر از عدالت و خوبی کند. هیچ کس نمی‌داند که امام زمان(علیه السلام) کی ظهور خواهد کرد و قیام حضرت در چه زمانی آغاز خواهد شد. شاید امسال باشد، شاید سال بعد باشد و شاید هزار سال دیگر. در قرآن کریم و سخنان اهل‌بیت(علیهم السلام) زمان دقیق ظهور امام زمان(علیه السلام) مشخص نشده است و اگر کسی بگوید حضرت مهدی(علیه السلام) در فلان روز خواهد آمد، حرفش برای ما قابل قبول نیست.

### پیامبری که سرگذشتش بیش‌تر در قرآن آمده . 2

اما در دوّمین پرسش خود نوشته بودی: «سرگذشت کدام يك از پیامبران بیش از بقیه در قرآن کریم آمده است؟» دوست اردبیلی من! در پاسخ باید بگویم که ماجرای زندگی حضرت موسی(علیه السلام)، بیش از بقیه پیامبرها در قرآن بیان شده است. قرآن کریم، از مراحل مختلف زندگی آن پیامبر بزرگ سخن گفته و اطلاعات گوناگونی از آن حضرت و قوم و قبیله او - یعنی قوم بنی اسرائیل - در اختیار ما قرار داده است. قصّه‌های زندگی حضرت موسی(علیه السلام)، در چندین سوره آمده و در مجموع نام آن پیامبر، 136 بار در قرآن ذکر شده است. علت توجه ویژه‌ای که قرآن کریم به داستان حضرت موسی(علیه السلام) دارد، درس‌های آموزنده‌ای است که در سرگذشت او و مردم بنی اسرائیل نهفته است. یهودیان بنی اسرائیل، حضرت موسی(علیه السلام) را خیلی اذیت کردند و اشتباه‌های زیادی انجام دادند. قرآن کریم، خطاهای آنان را برای ما مسلمانان بیان می‌کند تا ما دیگر آن خطاها را تکرار نکنیم و در پیروی از پیامبر خود سستی نورزیم.

### معجزات پیامبران . 3

اکنون به آخرین و سوّمین پرسش خواسته‌ای بدانی که پیامبران، چه معجزاتی داشته‌اند. قرآن کریم، معجزات فراوانی را برای پیامبران می‌شمارد. اگر موافق باشی، من این بار تنها به ده معجزه از معجزات پیامبران اشاره کنم و در صورت پرسش مجدّد تو، باز هم مفصل‌تر به این موضوع بپردازم. معجزاتی که می‌خواهم بنویسم عبارتند از:

1. دو نیم کردن کره ماه توسط رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) (سوره قمر، آیه 1 و 2)

3 و 4. زنده کردن مردگان، شفا دادن کوران و مداوای بیماران پوستی توسط حضرت

(عیسی(علیه السلام) (سوره مائده، آیه 110)

5. زنده کردن مرغان کشته شده توسط حضرت ابراهیم(علیه السلام) (سوره بقره، آیه 258 و 259)

6 و 7. تبدیل عصا به ازدها و درخشان شدن دست حضرت موسی(علیه السلام) (سوره طه، آیه 20 و 22)

8. شکافتن رود نیل و عبور از آن توسط حضرت موسی(علیه السلام) (سوره طه، آیه 77 و 78)

9 و 10. ساختن پرندۀ از گِل و جان دادن به آن و نیز خبر دادن از اندوخته‌های پنهانی خانه‌های (مردم توسط حضرت عیسی(علیه السلام) (سوره آل عمران، آیه 49)

خدانگهدار

### نامه 37

چرا امام زمان از نظرها غائب هستند و کی خواهند آمد؟ 103.

سرگذشت کدام يك از پیامبران بیش از بقیه در قرآن کریم آمده است؟ 104.

## پیامبران چه معجزاتی داشته‌اند؟ 105.

برادر گرامی حامد

سلام بر تو

انشاءالله حالت خوب باشد. سه پرسش تو را که از شهر اردبیل فرستاده بودی، خواندم. وقتی نام اردبیل را در پرسشنامه‌ات دیدم، به یاد همشهری تو و قهرمان وزنه‌برداری کشورمان حسین رضازاده افتادم. حسین رضازاده، هر بار که وزنه‌های سنگین رابالای سرش می‌برد و برای کشور ما افتخار آفرینی می‌کند، نام حضرت «ابوالفضل» را فریاد می‌زند و از آن بزرگوار مدد می‌جوید. این کار حسین رضازاده درسی است برای همه ما که در کارهایمان، از روح اهل‌بیت (علیهم السلام) کمک خواهیم و با یاد آن‌ها قدرت بگیریم. دعا می‌کنم که تو هم آینده درخشانی داشته باشی و با یاری خدا، به موفقیت‌های بزرگی دست یابی.

اما برادرم! مبدا فکر کنی که قهرمانی فقط بلند کردن وزنه‌های سنگین است. درس خواندن و رسیدن به قلّه‌های علم و دانش هم نوعی قهرمانی است. ما در کشور خودمان دانشمندان بزرگی داریم که آن‌ها نیز کارهای مهمی انجام داده‌اند و برای ملت عزیز ایران افتخار آفرینی کرده‌اند. همچنین مجاهدان و رزمندگان بسیاری داشته و داریم که آن‌ها هم به خاطر مبارزه شجاعانه در دوران دفاع مقدس، قهرمان شمرده می‌شوند. در هر حال امیدوارم که تو نیز با توکل بر خدا و توسل به اهل‌بیت (علیهم السلام)، پیروزی‌های زیادی به‌دست آوری.

(علت غیبت امام مهدی (علیه السلام) . 1

فکر می‌کنم مقدمه نامه‌ام کمی طولانی شد. حال به پرسش‌های تو می‌رسیم. در نخستین سؤال خود نوشته بودی: «چرا امام زمان (علیه السلام) از نظرها غائب است و کی خواهد آمد؟» حامد عزیز! اگر سرگذشت امامان بزرگوارمان را بخوانی، می‌بینی که هر چه به تولد امام زمان (علیه السلام) نزدیک‌تر می‌شویم، آزار و اذیت دشمنان دین به اهل‌بیت (علیهم السلام) بیش‌تر می‌شود. سه امام قبل از حضرت مهدی (علیه السلام) همگی در جوانی به شهادت رسیده‌اند. امام جواد (علیه السلام) در 25 سالگی، امام هادی (علیه السلام) در چهل سالگی و امام حسن عسگری (علیه السلام) در 28 سالگی شهید شده‌اند. از همین جا می‌توانی بفهمی که دشمنان اهل‌بیت (علیهم السلام) تا چه اندازه از امامان شیعه می‌ترسیده‌اند که آن‌ها را در جوانی به شهادت رسانده‌اند.

حاکمان ستمگر آن دوران که می‌دانستند در خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرزندی به نام مهدی (علیه السلام) به دنیا خواهد آمد، خانه امام حسن عسگری (علیه السلام) را به شدت زیر نظر داشتند. آنان مصمم بودند که در صورت با خبر شدن از تولد مهدی (علیه السلام)، او را به سرعت نابود کنند.

داستان حضرت مهدی (علیه السلام) خیلی شبیه حضرت موسی (علیه السلام) است. فرعون که می‌دانست در قوم بنی اسرائیل پسری تولد خواهد یافت و به مبارزه باوی خواهد پرداخت، پسران آن را می‌کشت؛ اما خدا موسی (علیه السلام) را از خطر فرعون نجات داد. خدای بزرگ، مهدی (علیه السلام) را نیز از شمشیر ستمگران آن روزگار حفظ کرد و با آن که مأموران حکومت مرتب خانه امام حسن عسگری را بازرسی می‌کردند، از تولد مهدی (علیه السلام) بی‌خبر ماندند. خدا، حضرت مهدی (علیه السلام) را از نظرها پنهان کرده تا در روز مناسب، او را آشکار سازد و به دست آن عزیز، جهان را پر از عدالت و خوبی کند. هیچ کس نمی‌داند که امام زمان (علیه السلام) کی ظهور خواهد کرد و قیام حضرت در چه زمانی آغاز خواهد شد. شاید امسال باشد،

شاید سال بعد باشد و شاید هزار سال دیگر. در قرآن کریم و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) زمان دقیق ظهور امام زمان (علیه السلام) مشخص نشده است و اگر کسی بگوید حضرت مهدی (علیه السلام) در فلان روز خواهد آمد، حرفش برای ما قابل قبول نیست.

پیامبری که سرگذشتش بیش تر در قرآن آمده . 2

اما در دومین پرسش خود نوشته بودی: «سرگذشت کدام يك از پیامبران بیش از بقیه در قرآن کریم آمده است؟» دوست اردبیلی من! در پاسخ باید بگویم که ماجرای زندگی حضرت موسی (علیه السلام)، بیش از بقیه پیامبرها در قرآن بیان شده است. قرآن کریم، از مراحل مختلف زندگی آن پیامبر بزرگ سخن گفته و اطلاعات گوناگونی از آن حضرت و قوم و قبیله او - یعنی قوم بنی اسرائیل - در اختیار ما قرار داده است. قصه های زندگی حضرت موسی (علیه السلام)، در چندین سوره آمده و در مجموع نام آن پیامبر، 136 بار در قرآن ذکر شده است. علت توجه ویژه ای که قرآن کریم به داستان حضرت موسی (علیه السلام) دارد، درس های آموزنده ای است که در سرگذشت او و مردم بنی اسرائیل نهفته است. یهودیان بنی اسرائیل، حضرت موسی (علیه السلام) را خیلی اذیت کردند و اشتباه های زیادی انجام دادند. قرآن کریم، خطاهای آنان را برای ما مسلمانان بیان می کند تا ما دیگر آن خطاها را تکرار نکنیم و در پیروی از پیامبر خود سستی نورزیم.

معجزات پیامبران . 3

اکنون به آخرین و سومین پرسش خواسته ای بدانی که پیامبران، چه معجزاتی داشته اند. قرآن کریم، معجزات فراوانی را برای پیامبران می شمارد. اگر موافق باشی، من این بار تنها به ده معجزه از معجزات پیامبران اشاره کنم و در صورت پرسش مجدد تو، باز هم مفصل تر به این موضوع بپردازم. معجزاتی که می خواهم بنویسم عبارتند از:

1. دو نیم کردن کره ماه توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) (سوره قمر، آیه 1)

2 و 3. زنده کردن مردگان، شفا دادن کوران و مداوای بیماران پوستی توسط حضرت

(عیسی (علیه السلام) (سوره مائده، آیه 110)

5. زنده کردن مرغان کشته شده توسط حضرت ابراهیم (علیه السلام) (سوره بقره، آیه 258 و 259)

6 و 7. تبدیل عصا به اژدها و درخشان شدن دست حضرت موسی (علیه السلام) (سوره طه، آیه 20 و 22)

8. شکافتن رود نیل و عبور از آن توسط حضرت موسی (علیه السلام) (سوره طه، آیه 77)

9 و 10. ساختن پرنده از گل و جان دادن به آن و نیز خبر دادن از اندوخته های پنهانی خانه های

(مردم توسط حضرت عیسی (علیه السلام) (سوره آل عمران، آیه 49)

خدانگهدار

**نامه 39**

دلیل وجود خدا چیست؟ 109

خدا کجا قرار دارد؟ 110

آیا بیرون از کره زمین نیز انسانی زندگی می کند؟ 111.

برادر گرامی سید سعید

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. پرسش‌های اعتقادی تو را خواندم. در برگه ارسالی «خود نوشته بودی که: «من به خدا شك دارم، لطفاً مرا یاری کنید تا شك به خدا را از بین ببرم برادرم! این حالت تو شك درباره خدا نیست. این از ایمان توست که کمترین وسوسه‌ای، آزارت می‌دهد. همه نوجوانان مسلمان، در آغاز آشنایی با معارف اسلامی، با مجموعه‌ای از پرسش‌ها رو به رو می‌شوند. همین وضعیت، علاقه آنان را برای شناخت دقیق‌تر اسلام افزایش می‌دهد و زمینه خوبی برای یادگیری بیش‌تر می‌شود.

من به تو قول می‌دهم که با کمی مطالعه، همه این وسوسه‌ها از بین خواهد رفت. خدا، بندگان را برای رسیدن به خودش، یاری می‌کند؛ پس از او بخواه که کمکت کند. اگر به این سه - چهار نکته‌ای که می‌نویسم توجه داشته باشی، زودتر می‌توانی بر این وسوسه‌ها پیروز شوی

هر وقت وسوسه‌ای به ذهنت رسید، ذکر زیبای لا اله الا الله را بگو و از خود خدا کمک بخواه. 1. ارتباطت را با عالمان دینی بیش‌تر کن. 2.

حضور در جمع‌های مؤمنانه مانند نماز جماعت و جلسات مذهبی و کلاس‌های قرآن- را جدی. 3. بگیر. دست خدا با جماعت است و دوستی با آدم‌های با ایمان، باعث تقویت ایمان انسان می‌گردد. در کنار درس‌هایت، برخی از کتاب‌های سودمند دینی را نیز مطالعه کن. 4.

### دلیل وجود خدا . 1

از این مقدمه که بگذریم، به پرسش‌های تو می‌رسیم. در اولین پرسش خود نوشته بودی: «دلیل وجود خدا چیست؟» سید عزیز! برای اثبات وجود خدا، کتاب‌های زیادی نوشته شده و دلایل فراوانی بر وجود خدا گفته شده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل وجود خدا، خلقت این جهان پر رمز و راز و پیچیده است. قرآن کریم، تأکید فراوانی دارد که ما درباره جهان، خوب فکر کنیم و ببینیم آیا می‌توان پذیرفت که جهان خود به خود به وجود آمده باشد؟

ببین برای رویدن يك گياه گندم چه قدر حساب و کتاب وجود دارد. آب دریاها بخار می‌شود و به صورت ابر در می‌آید، از برخورد ابرها باران ایجاد می‌گردد، باران بر گندمزار می‌بارد، خورشید بر زمین می‌تابد، دانه گندم جوانه می‌زند، آهسته آهسته ریشه می‌کند، کم کم سر از خاک بر می‌آورد، بعد رشد می‌کند و به وسیله ریشه، مواد غذایی خاک را به درون خود می‌کشد و از طریق لوله‌های باریک ریشه و ساقه، به بالا می‌رساند، رفته رفته خوشه گندم پدید می‌آید و پس از مدتی، آن يك دانه‌ای که در زمین کاشته شده بود، به صدها دانه گندم تبدیل می‌شود مثالی که برای شگفت‌انگیز بودن آفرینش گفتم، مربوط به دنیای گیاهان بود؛ اما خود وجود ما آدم‌ها هم خیلی عجیب و شگفت‌انگیز است. درباره هر يك از اعضای بدن که خوب فکر کنی، از دقتی که در خلقت آن به کار رفته، شگفت‌زده می‌شوی

اگر خدا وجود ندارد، پس چه کسی این دنیای زیبا و موجودات ریز و درشت آن را آفریده است و! چه کسی همین الان، جهان به این بزرگی را اداره می‌کند؟

### محل خدا . 2

اما در پرسش دوّم نوشته بودی: «خدا در کجاست؟» برادرم! خدا در همه جا حضور دارد؛ اما چون خدا مثل ما جسم نیست، دیده نمی‌شود. شاید بتوانیم حضور او را به حضور هوا در زندگی تشبیه کنیم. او همه جا هست. قرآن کریم می‌فرماید: (فَإِنَّمَا تُؤَلُّوا فَنَمَّ وَجَهُ اللَّهِ)؛ [1] «به هر سو رو کنید، به خدا روی آورده‌اید.» پس خدا يك جای مشخص و معین ندارد

### زندگی موجودات در کرات دیگر . 3

در آخرین سؤال خود نیز پرسیده بودی: «آیا غیر از انسان‌هایی که بر روی کره زمین زندگی می‌کنند، انسان‌های دیگری هم وجود دارند؟» سید عزیز! قرآن کریم در آیه 29 سوره شوری

می‌فرماید: (و مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ)؛ «از نشانه‌های خداست آفرینش آسمان‌ها و زمین و جنبندگانی که در آن‌ها خلق و پراکنده نموده است.» می‌بینی که در این آیه، از جنبندگان و موجوداتی یاد شده که در آسمان‌ها زندگی می‌کنند. پس بیرون از کره زمین هم موجودات زنده دیگری وجود دارند. اما در این باره که این موجودات زنده انسان‌اند یا نه، قرآن سخنی نمی‌گوید.

خدانگهدار

سوره بقره، آیه 115. [1]

نامه 40

فرشتگان را برای من معرفی کنید. 112.

آیا انسان معمولی می‌تواند با فرشتگان ارتباط داشته باشد؟ 113.

آیا انسان‌ها در بهشت باز هم نماز می‌خوانند و خدا را عبادت می‌کنند؟ 114.

پرسش‌گر گرامی

سلام بر تو

امیدوارم در پناه خدا سالم و سربلند باشی. سه پرسش قرآنی تو را خواندم. چون نام خود را که خودت انتخاب کرده‌ای، تو را مورد خطاب F ننوشته بودی، من هم مجبور شدم با همان نام قرار دهم. شاید نامت فاطمه یا فریده یا فرهاد یا فریدون باشد. در هر حال تفاوتی نمی‌کند. مهم این است که پرسش‌هایت اکنون پیش روی من است و من باید به همه آن‌ها پاسخ بدهم.

معرفی فرشتگان. 1

در پرسش اولت از فرشتگان پرسیده بودی. ببین دوست من! موجوداتی که در جهان وجود دارند، بسیار زیادند. ما انسان‌ها تنها گروه کوچکی از آفریده‌های خدا هستیم. دانسته‌های ما از موجودات زنده‌ای که خدا آفریده، بسیار بسیار اندک است. ما هنوز حتی حیواناتی را که بر روی خشکی زندگی می‌کنند و به راحتی با چشم دیده می‌شوند، به درستی نمی‌شناسیم. طبیعی است که دانسته‌های ما درباره فرشتگان که با چشم دیده نمی‌شوند و مانند ما از خاک آفریده نشده‌اند، بسیار کم باشد.

بهترین راه برای شناخت این دسته از آفریده‌های خدا، مراجعه به آیات نورانی قرآن کریم و سخنان ارزشمند چهارده معصوم (علیهم السلام) است. آن چه از مطالعه آیه‌های قرآن و سخنان اهل‌بیت (علیهم السلام) می‌فهمیم آن است که دنیای فرشتگان، دنیای بسیار بزرگی است. فرشته‌ها موجوداتی پاک و نیک‌سرشت‌اند که هرگز از دستورهای خدا نافرمانی نمی‌کنند و از عبادت و بندگی او خسته نمی‌شوند. آنان همیشه به کاری مشغولند که خدا از آن‌ها خواسته است. فرشته‌ها در همه جای جهان حضور دارند و هر يك کاری می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) درباره زندگی فرشته‌ها می‌فرماید: «فرشتگان غذا نمی‌خورند، آب نمی‌نوشند و ازدواج نمی‌کنند، بلکه با نسیم عرش الهی زنده‌اند.» همان حضرت درباره تعداد فرشته‌ها چنین می‌فرماید: «سوگند به خدایی که جاتم در دست اوست، فرشتگان خدا در آسمان‌ها، از عدد ذرات خاک‌های زمین بیش ترند. جای پای نیست مگر آن که، فرشته‌ای در آن».

«جا به تسبیح و تقدیس خدا مشغول است»

این موجودات پاک، به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند و هر يك کاری انجام می‌دهند. بعضی در آسمان به عبادت خدا می‌پردازند، گروهی دیگر به نوشتن کارهای خوب و بد ما انسان‌ها



مشغولند. بعضی دیگر در اداره کارهای دنیا نقش دارند و خلاصه آن که هر کدام، در گوشه‌ای از این جهان بزرگ، فرمان خدا را انجام می‌دهند.

همان‌گونه که در آیه 164 سوره صافات آمده، فرشتگان دارای مقامات مختلف و درجات گوناگونی هستند. حضرت جبرئیل و حضرت عزرائیل مشهورترین فرشتگان نزد ما انسان‌ها هستند. که اولی مأمور آوردن آیه‌های قرآن بوده و دومی، مأمور گرفتن جان انسان‌هاست.

## ارتباط با فرشته‌ها . 2

پرسش دوّم نیز درباره فرشته‌ها بود. پرسیده بودی: «آیا انسان معمولی می‌تواند با فرشتگان ارتباط داشته باشد؟» همان‌گونه که در داستان زندگی حضرت ابراهیم(علیه السلام) در سوره هود و در داستان زندگی حضرت مریم(علیها السلام) در سوره مریم و دیگر آیات قرآن کریم آمده، ارتباط فرشتگان با انسان‌ها جای شك و تردید ندارد؛ اما این طور نیست که هر کسی بتواند با فرشته‌ها ارتباط برقرار کند و با آنان سخن بگوید و از قدرت و دانش و نورانیت آن‌ها بهره ببرد. البته گاهی اوقات آن‌ها کارهایی برای ما انجام می‌دهند که ما خودمان هم توجه نداریم. برای مثال، خیلی از فکرهای خوبی که به ذهن ما می‌آید کار فرشته‌هاست که ما را به کار خوب دعوت می‌کنند. شاید برای تو هم پیش آمده که يك دفعه به فکر خواندن قرآن یا دیدار دوستان یا کمک کردن به يك انسان فقیر و ناتوان افتاده‌ای. به احتمال زیاد، این فکرهای خوب را فرشته‌ها در ذهن تو انداخته‌اند.

## عبادت در بهشت . 3

اما در سوّمین پرسش خود نوشته بودی: «آیا انسان‌ها در بهشت باز هم نماز می‌خوانند و خدا را عبادت می‌کنند؟» در پاسخ باید بگویم که در آن دنیا، کارهایی مثل نماز و روزه بر انسان واجب نیست. در بهشت، آدم‌ها پاداش کارهای خوبی را که در دنیا انجام داده‌اند، می‌گیرند. دنیا جای کار و تلاش است و آخرت جای گرفتن مزد و پاداش. البته آن طور که از آیه‌های قرآن می‌توان فهمید، در بهشت هم مردم خدا را یاد می‌کنند و از یاد او نیز لذت می‌برند. این گونه نیست که اهل بهشت خدا را فراموش کنند. اصلاً یکی از نعمت‌های بهشت یاد خدا و احساس دوستی با اوست. اما از این نماز و روزه واجبی که در دنیا باید انجام دهیم، در آخرت خبری نیست.

**خدانگهدار**